



- ۹ تولید پسته ایران ۲۳۰ هزار تن برآورد شد
- ۱۰ افزایش ۱۳ درصدی هزینه تمام شده تولید پسته
- ۱۵ پسته ۱/۵ دلار گرانتر از بادام هندی است
- ۱۶ طرح تهیه نقشه حاصلخیزی خاک استان، ۱۵ سال خاک می خورد
- ۱۹ سیلی خوردیم و حواسمان نیست
- ۲۰ تور آموزشی هرس فرم و باردهی درختان پسته
- ۲۲ پول پسته از استان کرمان خارج می شود
- ۲۷ انجمن پسته ایران حکمیتی ایفا کند
- ۲۹ کرمانی ها نقشی در پسته کاری خراسان نداشتند
- ۳۳ شرکت چین چین چاه عمیق زدن را در منطقه شروع کرد
- ۳۷ آینده پسته در خراسان روشن است
- ۴۱ تولید پسته در خراسان به صرفه نیست
- ۴۵ نیشابور مدیون آقای زین العابدینی است
- ۴۸ دکتر ادیب طرح مشارکتی باغریزی پسته را ایجاد کرد
- ۵۰ بهترین مبنای تصمیم گیری تجارب باغداران است
- ۵۲ روی ارقام بومی ایران کار نشده است
- ۵۴ ۷۰ درصد آلودگی به نماتدها، از نهال های آلوده می آید
- ۵۵ کود اوره یا سولفات آمونیوم؟
- ۶۳ کشاورزی سنتی و علمی مکمل یکدیگرند
- ۶۶ براساس آزمون آب، خاک و برگ توصیه می کنم
- ۷۱ حلالیت کود ازت پایین آمده است
- ۷۲ پروانه چوبخوار پسته
- ۶۹ بعد از ۴ سال گرانیهای هیومیکی در خاک دست نخورده است
- ۷۴ پروانه میوه خوار پسته



ماهنامه داخلی انجمن پسته ایران

* دفتر مشهد

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۱۵۶۱۰

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۳۷۱۹۷-۸

تلفن: ۰۳۴-۳۲۵۳۵۲۶۹

تلفن: ۰۳۴-۳۲۵۳۵۲۶۹-۸

* دفتر دامغان

تلفن: ۰۲۳-۳۵۲۴۹۰۱۰

تلفن: ۰۲۳-۳۵۲۴۹۰۱۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۴۷۳۸۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۴۷۳۰۰-۴۰۰

* دفتر کرمان

* دفتر تهران

سایت: www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی: info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد.

استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

سال نو مبارک

انجمن پسته ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَمِيزُ الْخَيْرِ
يَتَذَكَّرُ الْخَيْرِ
يَتَذَكَّرُ الْخَيْرِ
يَتَذَكَّرُ الْخَيْرِ
يَتَذَكَّرُ الْخَيْرِ

تخمین بهاره محصول پسته در سال ۱۳۹۳ مورد بازبینی قرار گرفت

تولید پسته ایران ۲۳۰ هزار تن برآورد شد

ردیف	منطقه	پیش بینی تولید (هزار تن)
۱	رفسنجان و انار	۸۰
۲	سیرجان	۳۱
۳	کرمان	۱۲
۴	زرنند	۹
۵	شهربابک	۶/۵
۶	راور	۵
۷	راین	۱
۸	سایر	۱
۹	جمع استان کرمان	۱۴۵/۵
۱۰	خراسان رضوی	۳۵
۱۱	خراسان جنوبی	۱۱
۱۲	یزد	۱۱
۱۳	فارس	۹
۱۴	سمنان	۴
۱۵	سیستان و بلوچستان	۲
۱۶	مرکزی	۳
۱۷	قزوین	۱
۱۸	اصفهان	۰/۵
۱۹	قم	۲
۲۰	تهران	۴
۲۱	سایر	۲
۲۲	جمع سایر استان ها	۸۴/۵
۲۳	جمع کل کشور	۲۳۰

ماهنامه پسته - سی و نهمین جلسه کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران با حضور اعضای اصلی و نمایندگان مدعو، در تاریخ ۱۴ دی ماه سال جاری با هدف بازبینی تخمین بهاره تولید محصول پسته در سال ۱۳۹۳ در محل اتاق بازرگانی کرمان برگزار و میزان تولید محصول پسته خشک در پوست برای سال محصولی جاری با افزایش ۴,۵ درصدی نسبت به پیش بینی اولیه، ۲۳۰ هزار تن تخمین زده شد.

از آن جا که بازبینی تخمین اولیه به منظور حصول اطمینان از محقق شدن میزان اعلام شده تولید محصول پسته در سال محصولی جاری صورت می گیرد، بر این اساس کمیسیون باغبانی، طبق رویه ی هر ساله، پس از فصل برداشت اقدام به جمع آوری اطلاعات مربوط به تولید پسته از کارگاه های فرآوری، نمایندگان و معتمدین انجمن از سراسر کشور می کند.

در این راستا پس از بحث و تبادل نظر اعضای حاضر در جلسه و بررسی شواهد و گزارشات موجود، میزان تولید محصول پسته خشک در پوست برای سال محصولی جاری با افزایش ۴ و نیم درصدی نسبت به پیش بینی اولیه، ۲۳۰ هزار تن تخمین زده شد.

پیش بینی مقدماتی انجمن حاکی از تولید ۲۲۰ هزار تن پسته خشک در سال جاری بود که به نظر می رسد دلیل اصلی این افزایش علیرغم کاهش نسبی میزان محصول در برخی مناطق نظیر فیض آباد، به کیفیت خوب محصول و کاهش پوکی فراتر از حد انتظار در اغلب مناطق پسته خیز استان کرمان خصوصاً شهرستان رفسنجان برمی گردد. در این جلسه کیفیت سرمای زمستان سال گذشته و موفقیت کشاورزان در کنترل آفات خصوصاً پسپل پسته از جمله دلایل اصلی افزایش تولید محصول با کیفیت بالا را برشمرده شد.

برخی فعالان پسته منطقه فیض آباد نیز کاهش تولید پسته در منطقه را به افزایش درصد نیم مغز در نتیجه ی عقب افتادن سال و برخی دیگر این کاهش تولید را به کاهش کیفیت و کمیت آب در این منطقه و حساس بودن رقم بادامی به کم آبی، نسبت می دهند.

بر اساس گزارش نهایی کمیسیون، میزان تولید پسته در استان کرمان ۱۴۵ هزار و ۵۰۰ تن و میزان تولید در سایر مناطق پسته خیز کشور ۸۴ هزار و ۵۰۰ تن برآورد می شود.

پیش بینی می شود با احتساب سهم تقریباً ۸۰ درصدی صادرات از حجم کل تولید، در سال محصولی جاری ۱۸۴ هزار تن محصول قابل صدور باشد.

میزان پیش بینی تولید پسته در سال محصولی ۹۳ به تفکیک استان ها و مناطق مختلف پسته خیز استان کرمان به شرح ذیل ارائه شده است. در رابطه با جدول تفکیکی تولید پسته سال ۱۳۹۳ ذکر نکات ذیل ضروری است:

- هر ساله مقداری از پسته ی تر صرف ترخوری به صورت میوه تازه می شود که در مقادیر مندرج در جدول فوق منظور نشده است.

- برآورد فوق بر اساس آمارگیری نمونه ای از واحدهای فرآوری و باغداران مناطق مختلف کشور راجع به محصول سال جاری نسبت به محصول سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به دست آمده است.

- این تخمین صرفاً نمایانگر میزان پیش بینی کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران بوده و احتمال خطا نسبت به مقدار واقعی محصول سال ۹۳ وجود دارد، بر این اساس دبیرخانه انجمن پسته ایران با استقبال از انتقادات، آماده دریافت نظرات و پیشنهادات فعالان صنعت پسته جهت بهبود روش تخمین محصول پسته کشور است.

انجمن پسته ایران تخمین زد

افزایش ۱۳ درصدی هزینه تمام شده تولید پسته



جدول شماره ۳: میانگین سالیانه هزینه‌های سرمایه‌ای یک هکتار باغ پسته مثمر
جدول شماره ۴: میانگین سالیانه هزینه‌های بیمه، برداشت، حمل، فرآوری و مدیریت برای هر کیلو پسته خشک
جدول شماره ۵: هزینه تولید هر کیلو پسته خشک (تومان) در سال محصولی ۹۲-۹۳

قابل توجه است تعمیم هزینه‌های برآورد شده این باغ خاص، قابل تعمیم به دیگر باغ‌های موجود در کشور نیست، ولی از این روش می‌توان برای محاسبه هزینه‌های سایر باغات کشور نسخه‌برداری کرد.
شایان ذکر است با توجه به عملکرد بالاتر از میانگین کشوری باغ مورد بررسی، احتمالاً هزینه تولید در باغات با عملکرد پایین‌تر، به مراتب افزایش بیشتری خواهد داشت.

و روند افزایشی هزینه‌های ربالی، همچنان مصمم به ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز است که این امر بطور مستقیم محصولات داخلی بخصوص صنعت پسته را با چالش مواجه می‌کند.

از این رو آگاهی از هزینه‌های تولید، برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مواجهه با چالش‌های پیش‌روی تولید ضروری به نظر می‌رسد.

به این منظور کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران طی سالیان اخیر در نیمه دوم سال اقدام به برآورد هزینه‌های تولید پسته می‌کند. در این گزارش سعی شده تا هزینه‌های یک هکتار باغ پسته در سال محصولی ۹۲-۹۳ برآورد شود که اطلاعات آن به شرح جداول زیر است:

جدول شماره ۱: مشخصات باغی تأثیرگذار بر هزینه تولید
جدول شماره ۲: میانگین سالیانه هزینه‌های جاری باغبانی یک هکتار باغ مثمر

ماهنامه پسته- هزینه تمام شده تولید برای هر کیلو پسته خشک درهم در سال زراعی ۹۳/۹۲، ۲۰ هزار و ۹۶۷ تومان برآورد شد که در مقایسه با سال گذشته که هزینه تمام شده تولید پسته ۱۸ هزار و ۲۱۰ تومان بود، ۱۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

سیاست ثبات دستوری نرخ ارز تا نیمه دوم سال ۹۱ موجب شده بود مزیت نسبی تولید محصولات داخلی با کاهش چشم‌گیری مواجه شود. این سیاست دولت، تولید هر کالای داخلی را با اگر و اماهایی مواجه می‌کند و بالطبع پسته ایران نیز که عمده آن صادر می‌شود و قیمت آن وابسته به نرخ ارز است از این قاعده مستثنا نیست.

صنعت پسته ایران پس از یک دهه ثبات دستوری نرخ ارز، در نیمه دوم سال ۹۱ با افزایش یک‌باره آن توانست نفسی تازه کند و به بقای تولید امیدوار باشد. ولی مشاهده می‌شود که باز دولت علیرغم وجود تورم

جدول شماره ۱: مشخصات عمومی باغی تأثیرگذار بر هزینه های تولید

تاریخ	بهمن ۹۳	پیوند	احمد آقایی - اکبری	بافت خاک	لومی - رسی
کد باغدار	*****	فاصله رس	۷متری	روش آبیاری	غرقابی با لوله
محل باغ	*****	سن باغ	۳۰سال به بالا	کیفیت آب	اسیدی و کمی شور
مساحت	*****	میانگین برداشت	۱۴۰۰کیلو گرم/هکتار	دوره آبیاری	۴۵روز

جدول شماره ۲: میانگین سالیانه هزینه‌های جاری باغبانی یک هکتار باغ مثمر



عنوان	واحد	هزینه واحد (تومان)	مقدار	هزینه
باغبانی	بیل زنی	نفر- روز	۷	۳۳۲۵۰۰
	هرس	نفر- روز	۱۷	۸۰۷۵۰۰
	علف کنی (وجین)	نفر- روز	۹	۴۲۷۵۰۰
	آبیاری	نفر- روز	۳۲	۱۵۲۰۰۰۰
	توکاری و پیوند	نفر- روز	۳	۱۴۲۵۰۰
	جمع	نفر- روز	۶۸	۳۲۳۰۰۰۰
کود و اصلاح خاک	شیمیائی خاک	نفر- روز	۱	۴۷۵۰۰
	محلول پاشی	نفر- روز	۲	۹۵۰۰۰
	حیوانی	نفر- روز	۵,۵	۲۶۱۲۵۰
	اصلاح خاک	نفر- روز	۴,۵	۲۱۳۷۵۰
	جمع	نفر- روز	۱۳	۶۱۷۵۰۰
سم و روغن	دفع آفات	نفر- روز	۴	۱۹۰۰۰۰
	تله گذاری	نفر- روز		
	علف کشی	نفر- روز		
	قارچ کشی	نفر- روز		
	دفع جانور مزاحم	نفر- روز		
	روغن پاشی	نفر- روز		
	جمع	نفر- روز	۴	۱۹۰۰۰۰
سایر				
جمع	نفر- روز	۴۷۵۰۰	۸۵	۴۰۳۷۵۰۰





ادامه جدول شماره ۲

عنوان	واحد	هزینه واحد (تومان)	مقدار	هزینه
باغبانی	نهال و پیوند	عدد	۳۰۰۰	۲۰
	بیل و ...	عدد	۷۵۰۰۰	۰,۲
	قیچی و اره و ...	عدد	۸۵۰۰۰	۰,۱
	تعمیرات سیستم آبرسانی	متر	۱۰۰۰۰	۱۰
	جمع			۱۸۳۵۰۰
کود و اصلاح خاک	شیمیائی خاک	کیلو	۱۰۰۰	۱۰۰۰
	محلول پاشی	لیتر	۱۵۰۰۰	۳۰
	حیوانی	کیلو	۱۱۰	۵۵۰۰۰۰
	اصلاح خاک	کیلو	۲۰	۴۰۰۰۰۰
	جمع			۷۳۵۰۰۰۰
سم و روغن	سموم دفع آفات	لیتر	۱۰	۷۵۰۰۰۰
	تله	عدد	۱	۱۸۰۰۰
	علف کش	لیتر	۵	۱۵۰۰۰۰
	قارچ کش	کیلو	۳	۲۴۰۰۰۰
	دفع جانور مزاحم	عدد		
	روغن و صابون	لیتر	۴۰	۱۸۰۰۰۰
	جمع			۱۳۳۸۰۰۰
	سایر			
	جمع			۸۸۷۱۵۰۰

ادامه جدول شماره ۲



عنوان	واحد	هزینه واحد (تومان)	مقدار	هزینه
باغبانی	شخم زنی	ماشین- ساعت	۲۱	۴۲۰۰۰۰
	تیلر	ماشین- ساعت		
	ریپر	ماشین- ساعت		
کود و اصلاح خاک	جمع	ماشین- ساعت	۲۱	۴۲۰۰۰۰
	شیمیائی خاک	ماشین- ساعت	۳	۶۰۰۰۰
	محلول پاشی	ماشین- ساعت		
	حیوانی	ماشین- ساعت	۴	۲۰۰۰۰۰
	اصلاح خاک	ماشین- ساعت		
سم و روغن	جمع	ماشین- ساعت	۷	۲۶۰۰۰۰
	سموم دفع آفات	ماشین- ساعت	۶	۱۲۰۰۰۰
	تله			
	علف کش	ماشین- ساعت		
	قارچ کش	ماشین- ساعت		
	دفع جانور مزاحم	ماشین- ساعت		
	روغن پاشی	ماشین- ساعت		
آزمایش و مشاوره	جمع	ماشین- ساعت	۶	۱۲۰۰۰۰
	آب، برگ، خاک و	عدد	۰,۱	۲۵۰۰۰
	سایر			
	سایر			
سایر	جمع			۲۵۰۰۰
	جمع			۲۲۷۵۶۶۶۷
کل جاری	جمع			

جدول شماره ۳: میانگین سالیانه هزینه‌های سرمایه‌ای یک هکتار باغ پسته مثمر

عنوان	واحد	هزینه واحد	مقدار	هزینه
آب	شرب	بافرض خرید کامل	متر مکعب	۵۰۰
استهلاک	باغ	سی ساله مستقیم	هکتار	۸۰۰۰۰۰۰
	انبار و ساختمان	بیست ساله مستقیم	هکتار	۱۲۰۰۰۰
	سیستم آبرسانی	ده ساله مستقیم	هکتار	۳۵۰۰۰۰۰
	سایر			
	جمع			۳۰۲۲۶۶۷
سایر				
کل سرمایه‌ای	جمع			۹۰۲۲۶۶۷

جدول شماره ۴: میانگین سالیانه هزینه‌های بیمه، برداشت، حمل، فراوری و مدیریت برای هر کیلو پسته خشک

عنوان	هزینه
بیمه کشاورزی	۲۰۰
نگهبانی، برداشت و حمل	۱۲۰۰
فراوری	۱۵۰۰
بیمه آتش سوزی و سرقت و مسئولیت	۳۱۲
مدیریت و دفتری	۱۵۰۰
سایر	
جمع	۴۷۱۲

جدول شماره ۵: هزینه تولید هر کیلو پسته خشک (تومان) در سال محصولی ۹۳/۹۲

عنوان	هزینه
جمع هزینه های باغبانی در هر هکتار	۲۲۷۵۶۶۶۷
جمع هزینه های باغبانی برای هر کیلو پسته خشک با تولید ۱۴۰۰ کیلو گرم	۱۶۲۵۵
جمع هزینه های بیمه ، برداشت، حمل، فراوری و مدیریت برای تولید هر کیلو پسته خشک	۴۷۱۲
هزینه تمام شده تولید برای هر کیلو پسته خشک درهم	۲۰۹۶۷

نیکولز از بازار پسته آمریکا گزارش داد پسته ۱/۵ دلار گران تر از بادام هندی است

ماهنامه پسته - گزارش ۷ دی ماه سال جاری شرکت نیکولز با اشاره به این که مدت زمان نسبتاً طولانی است که بازار پسته در رکود به سر می برد، می افزاید: قیمت ها در ۲ ماه گذشته تغییر بسیار کمی داشته اند و می توان گفت قیمت رو به کاهش بوده است. شرکت نیکولز در گزارش خود به شایعات زیادی که از سوی بسته بندی کنندگان و خریداران شنیده می شود اشاره می کند و می افزاید: رواج شایعات در زمان فعالیت کم بازار غیرمعمول نیست. بطوری که بسته بندی کنندگان قیمت هر کیلوگرم پسته Extra#1 سایز ۲۲/۲۱ را ۱۱،۲۴ تا ۱۱،۶۸ دلار و خریداران قیمت زیر ۱۱،۰۲ دلار را پیشنهاد می دهند.

نیکولز با به تصویر کشیدن وضعیت بازار داخلی پسته آمریکا و بازار چین، می افزاید: بارگیری داخلی تقریباً

پایدار بوده است و در طول ۳ سال گذشته در حال کاهش است (نمودار ۱). او افزایش قیمت را دلیل کاهش تقاضا می داند. بارگیری به کشور چین بسیار نامنظم بوده است و تقاضای چینی ها از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ روند صعودی داشته است و بیشترین تقاضای آنها در ۳ ماهه چهارم سال ۲۰۱۳ مشاهده شده است (نمودار ۲).

این گزارش خاطر نشان می کند: در سال ۲۰۱۴ بارگیری ها به چین روند نزولی شدیدی داشته است، اما باید توجه داشت که اغلب خریداران چینی فرصت طلب هستند. آنها خرید سنگینی در تابستان و پاییز سال ۲۰۱۳ از پسته آمریکا داشتند و از آن زمان در حال خرید از پسته ایران بوده اند. نیکولز در ادامه می افزاید: ما شک داریم که چینی ها تا قبل از کاهش قیمت ها

قصد خرید داشته باشند.

در حقیقت آنچه که روی بارگیری های داخلی و خارجی اثرگذار شده است، اختلاف قیمت بین پسته و کالاهای جایگزین پسته است. در جدول ذیل اختلاف قیمت بین بادام هندی، بادام و پسته آمده است (نمودار ۳). خصوصاً اختلاف قیمت بین پسته و بادام هندی قابل توجه است. در سال ۲۰۱۱ پسته ۰،۵ تا ۱ دلار ارزانتر از بادام هندی بوده است ولی هم اکنون بیش از ۱،۵ دلار گرانتر است.

نیکولز با مهم تلقی کردن وضعیت آب و هوا در کالیفرنیا اضافه می کند: پس از طوفان های اوایل و اواسط ماه دسامبر، شرایط هوایی بسیار شبیه به سال گذشته است. به علاوه هوا به طور غیرمعمول گرم بوده است؛ حتی گرمتر از سال گذشته.

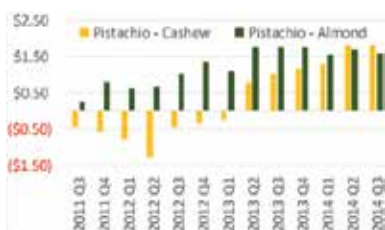
نمودار ۱- وضعیت بارگیری داخلی پسته آمریکا



نمودار ۲- وضعیت بارگیری ها به چین



نمودار ۳- اختلاف قیمتی بین پسته-بادام هندی و پسته -بادام



در سومین جلسه تغذیه گیاهی اذعان شد

طرح تهیه نقشه حاصلخیزی خاک استان، ۱۵ سال خاک می خورد

ماهنامه پسته- سومین جلسه تغذیه گیاهی در تاریخ ۸ دیماه سال جاری با حضور مدیران و محققان سازمان جهاد کشاورزی، سازمان نظام مهندسی، موسسه تحقیقات پسته کشور و فعالان بخش خصوصی در حوزه تولید کودهای شیمیایی با هدف ارائه توصیه‌های کاربردی به باغداران جهت افزایش بهره وری باغات پسته استان در محل سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان برگزار شد.

در این نشست مصوب شد: دستورالعمل تغذیه باغات استان کرمان یا همان توصیه عمومی کودی از سوی مدیریت ترویج استان در قالب یک کتابچه به شهرستان‌ها ابلاغ شود و سپس در دسترس باغداران قرار گیرد.

دبیر انجمن آب استان در واکنش به این مصوبه با طرح این سوال که آیا دادن توصیه عمومی کودی به ۳۰۰ هزار هکتار باغ پسته که شرایطشان با هم متفاوت است، علمی است؟ گفت: آیا بهتر نیست که این کمیته آزمون خاک و برگ را ترویج کند؟ سید محمد مرتضوی با تاکید بر این که باید بصورت کاربردی-علمی به مسایل نگاه کرد، افزود: ۲۰ سال از تاسیس آزمایشگاه‌ها گذشته است. این در حالی است که ما هنوز آن‌ها را به کار نگرفته‌ایم. من عقیده دارم که تغذیه گیاه به غیر از دادن آزمون، کاری غیرعلمی است.

دکتر حسینی‌فرد عضو هیات علمی موسسه تحقیقات پسته کشور در پاسخ به مرتضوی عنوان کرد: در این دستورالعمل بررسی خاک جدا از تغذیه گفته شده است. در بخش تغذیه‌ای این دستورالعمل گفته شده است که بر اساس شرایط آزمون خاک چه تغذیه‌ای باید صورت بگیرد.

او با تاکید بر این که این کتابچه در واقع قدم اول است و این یک توصیه کامل و جامع نیست و بعداً می توان آن را کامل تر نمود، افزود: بحث فراوری کودهای حیوانی در این دستورالعمل نیست. نام و

مشخصات انواع کودهای شیمیایی در آن نیامده است.

یک عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان نیز در این نشست با اشاره به این که این برنامه توصیه کودی به شرکت خدمات حمایتی برای تامین کود ارسال شده است، گفت: کارشناسان سازمان نظام مهندسی با آموزش دیدن می‌توانند این کار را انجام دهند.

دکتر هرمزد نقوی با اشاره به بررسی و ارزیابی کیفیت مواد آلی از طریق دستورالعمل‌های طراحی شده توسط اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی و موسسه تحقیقات آب و خاک، خواستار درجه‌بندی کودهای حیوانی براساس کیفیت آن‌ها شد.

نقوی با بیان این که کیفیت‌های مختلف باید قیمت‌های متفاوتی داشته باشند، گفت: اگر شرکت خصوصی وجود داشته باشد که کودهای مناسب را مورد تایید قرار دهد خوب است.

نوید ارجمند نماینده انجمن پسته ایران در این نشست نیز با مثبت شمردن این پیشنهاد گفت: این پیشنهاد خیلی خوبی است اما با توجه به قیمت زیاد کودهای آلی و حجم زیاد مبادلات آن، ممکن است این وسوسه ایجاد شود که در گزارش کیفیت‌ها اغراق شود.

نقوی در پاسخ به اظهارات ارجمند گفت: در نظام مهندسی واحدی بنام خاک و کود وجود دارد که نظارت‌های لازم را انجام خواهد داد.

نقوی در پاسخ به سوال محمدرضا پورخاتون معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد در خصوص مجوز بودن آزمایشگاه‌ها برای آزمون کودهای آلی، گفت: در آزمون کودهای آلی بدست آوردن نسبت کربن به نیتروژن بسیار مهم است که آزمایشگاه‌ها این کار را انجام می‌دهند ولی وقتی که پای کودهای آلی-شیمیایی وسط می‌آید این کار امکان پذیر نیست.

برای این کار باید برای آزمایشگاه‌های خصوصی دوره بگذاریم و آموزش‌شان دهیم و نهایتاً باید تعدادی از آن‌ها برحسب توانایی، دوره های آموزشی گذرانده و تجهیزاتشان به تایید برسند.

او با اشاره به اینکه آزمون فیزیکی کودهای آلی بسیار ساده است، گفت: با الک کردن می‌توان اجزا درشت را جدا نمود که معمولاً برای سنگین کردن کود آسغال‌ها و زباله‌هایی اضافه می‌شود و تقلب صورت می‌گیرد. کار بعدی خشک کردن کود در دستگاه آون است که میزان رطوبت کود را می‌توان اندازه گیری نمود و دیگری پدست آوردن درصد کربن به نیتروژن است. معمولاً تقلب در این موارد صورت می‌گیرد.

بلا تکلیف ماندن تولیدکنندگان کودهای استاندارد

حسینی‌فرد با طرح این پرسش‌ها که این آزمون‌ها در کجا؟ توسط چه کسی؟ و در چه مرحله‌ای باید انجام شود؟ تاکید کرد: آن چه مهم است توانایی اجرای این کار است وگرنه این طرح از سال ۱۳۷۱ وجود داشته است.

او با اشاره به این که عمده‌ی مواد آلی از دامداری‌های بزرگ می‌آید و باید برای آزمون، روی دامداری‌ها تمرکز شود، پیشنهاد داد: جهاد کشاورزی هر استان باید بر کودهای حیوانی دامداری‌های استان خودش و کسانی که قصد وارد کردن کود به بازار دارند، نظارت کند.

حسینی‌فرد یادآور شد: دولت نمی‌تواند در اجرا وارد شود و فقط می‌تواند دامداری‌ها را مجبور کند که برای ورود کودشان به بازار باید تاییدیه بگیرند و یکسری مراحل را طی کنند.

او افزود: پلیس راه‌ها باید کنترل کنند کودی که از یک استان می‌خواهد به استان دیگری وارد شود، باید برگه تاییدیه داشته باشد. این کار، کار بسیار سختی است که باید از منبع پیگیری شود.

حسینی‌فرد گفت: در حال حاضر کارخانه‌های تولید

حسینی فرد هم در ادامه با تاکید بر این که حتی کود آلی را می‌توانیم خودمان تهیه کنیم، گفت: واحدهای تولید ورمی کمپوست زیر نظر جهاد کشاورزی هستند و باید نظارت بیشتری روی آنها شود.

فکری هم یادآور شد: باید کمپوست سازی با پوست سبز پسته هم آموزش داده شود چون پوست سبز پسته دارای ترکیبات فنولی است که می‌تواند برای درختان مضر باشند. ولی با یک کار آسان می‌شود پوست سبز پسته را کمپوست کرد و مقدار فنول آن را کاهش داد.

۱۰ درصد بهره‌برداران عمده مالک‌اند

مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی نیز با بیان اینکه ۳۰۰ هزار هکتار باغ پسته در استان کرمان داریم، گفت: بطور متوسط اگر در هر هکتاری ۱۵ تن ماده آلی مصرف شود، تقریباً ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن نیاز می‌شود.

چنانچه ۳ سالی یکبار از این کودها استفاده کنیم به این معنی است که سالانه ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کود آلی در هر هکتار استفاده کرده ایم.

مهندس مسعود محمودی یادآور شد: اگر قیمت هر تن را ۱۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم، سالانه ۱۵۰ میلیارد تومان بابت کودهای آلی از سوی کشاورزان پرداخت می‌شود.

محمودی با بیان این که تقریباً ۱۵۰ هزار بهره‌بردار پسته وجود دارد، اظهار داشت: ۱۰ هزار نفر از بهره‌برداران پسته، عمده مالک هستند و بیشتر از ۱۰ هکتار باغ دارند که تقریباً ۴۰ درصد از سطح زیر کشت استان را شامل می‌شود. او با بیان این که تقریباً ۳ هزار نفر مالک بالای ۲۰ هکتار داریم، گفت: بخوبی می‌توان برای این گروه برنامه‌ریزی کرد.

محمودی با اشاره به این که ۷ هزار نفر مالک بین ۱۰ تا ۲۰ هکتار باغ دارند، اظهار داشت: ۱۴۰ هزار نفر خرده مالک داریم که عمدتاً کودهای آلی خود را از میادینی که در سطح شهر هستند، تامین می‌کنند. این نوع توزیع را می‌توان از طریق نظارت نظام مهندسی اعمال کرد.

عمده مالکان هم معمولاً خودشان کارشناس دارند

فکری نیز در واکنش به اظهارات مرتضوی گفت: کنترل کیفیت کودها کار بزرگی است و تنها با آموزش نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید و باید از طریق استانداری و پلیس پیگیری شود تا فروش کودهای آلی نامرغوب قذف شود. او با بیان این که چون تقاضا برای این نوع کود زیاد است خواه ناخواه تقلب در آن زیاد می‌شود، خاطر نشان کرد: متأسفانه هم اکنون کودها در منطق مختلف استان و در سر میادین شهر بدون هیچ نظارت و کنترلی به فروش می‌روند.

اشتغالزایی می‌کنیم

نقوی هم در ادامه گفت: اگر ما جدیت داشته باشیم می‌توانیم با کمک تعزیرات و پلیس، کار ساماندهی کودهای آلی را انجام دهیم و سازمان نظام مهندسی نیروی بسیار بزرگ و با انگیزه‌ای است که با یک آموزش ساده می‌تواند این کار را انجام دهد.

با این کار اشتغالزایی هم صورت می‌گیرد. محمدرضا پورخاتون در ادامه با بیان این که هدف ما باید آموزش دادن و اطلاع رسانی باشد تا کشاورز بتواند کودهای آلی را ارزیابی کیفی نماید، گفت: ما یک کمیته دیگر به نام نظارت بر مصرف نهاده‌های کشاورزی تشکیل داده‌ایم که در آن کمیته موارد اجرایی مطرح خواهند شد و قرار است حتماً فروشنده‌گان کودهای شیمیایی یک ارزیابی از کودهایشان داشته باشند و هر کودی را به دست کشاورز ندهند.

او با بیان این که باید به دنبال تعیین کیفیت کودهای آلی بسته بندی باشیم، افزود: مقدار کودهای آلی کم نیست و از نظر امکانات بسیار دشوار است که بخواهیم وارد موضوع نظارت بر کودهای آلی فله‌ای شویم.

خودمان تولید کنیم

در ادامه نقوی با اشاره به حوضچه‌های ثابت فراوری کودهای آلی با ظرفیت ۵۰ هزار تن، گفت: در نمایشگاه چنین حوضچه‌هایی توسط استان هرمزگان ارایه شده بود اما ما باید خودمان اینچنین واحدهایی راه بیندازیم و کود کشاورز را فراوری کنیم.

کودهای آلی-شیمیایی هیچگونه مجوزی از جهاد کشاورزی نمی‌خواهند، فقط از صنایع و محیط زیست مجوز می‌گیرند و سپس کود تولید می‌کنند. او به صراحت گفت: مشکل عمده اساسی دیگر این است کسانی که می‌خواهند کود استاندارد تولید کنند، هم تکلیفشان معلوم نیست. الان ۲۰ سال گذشته ولی هیچ فکری برای آن نکرده‌ایم.

یک عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان با اشاره به اینکه تقریباً تمام کودهای آلی از استان‌های دیگر به استان کرمان وارد می‌شوند گفت: بهتر است در سازمان جهاد کشاورزی استان محلی برای تایید کیفیت کودها در نظر گرفته شود.

او افزود: بسیاری از کودهای آلی در مبدا شسته می‌شوند و مواد مغذی آن‌ها گرفته می‌شود و بعد تفاله‌های باقیمانده به کرمان ارسال می‌گردند. دکتر ناصر رشیدی در خصوص فراوری کودهای آلی اذعان کرد: تا کنون فقط در کتاب‌ها، فراوری کودهای آلی را مطالعه کرده بودم و کار عملی انجام نداده بودم؛ اما امسال به طور عملی مبادرت به تولید کود فراوری شده کرده‌ایم.

پلیس ورود کند

یک عضو هیات علمی دانشگاه باهنر کرمان نیز در این نشست با بیان این که کودهای آلی نقش تامین مواد مغذی برای گیاه دارد و باید کنترل شود که حاوی چه درصدی از مواد مغذی است، گفت: مساله مهمتر سلامت انسان و محیط زیست است که اصلاً به آن توجهی نمی‌شود.

مجید فکری با هشدار نسبت به این که در ایران استانداری هم برای حدمجاز فلزات سنگین در کودها، گیاه و خاک تدوین نشده است، افزود: کودها ممکن است حاوی کادمیوم و سایر عناصر سنگین باشند که برای سلامت انسان فوق‌العاده مضرند و باعث سرطان می‌شوند.

مرتضوی نیز در ادامه با اشاره به اینکه وارد شدن به عرصه‌ی آزمون و تایید کردن کودهای دامی کار بسیار سختی است، گفت: به اعتقاد من آنچه که در کودهای آلی مهم است درصد مواد آلی است و سایر مواد موجود در آن اهمیتی ندارد. باید به کشاورزان در این زمینه‌ها آموزش داد.

من خجالت می کشم که راجع به این موضوع صحبت کنم. این طرح ۱۵ سال است که مطرح شده ولی کاری انجام نشده است. البته در این خصوص مطالعاتی صورت گرفته ولی هیچ خروجی مطلوبی نداشته است.

او با بیان این که حداقل داده‌های مربوط به بافت خاک و شوری را بدست آوریم، پیشنهاد داد: مالکان همه‌ی واحدهای تولید کننده، یک نمونه خاک برای آزمایشگاه بیاورند تا شوری و بافت خاکشان بدست آید. طرحی که برای ۱۲ هزارهکتار در سال ۱۳۸۸ نوشته شده بود برایش تقریباً ۲۴۰ میلیون تومان بودجه پیش بینی کرده بودیم و فکر می‌کنم هم اکنون ۸۰۰ میلیون تومان بودجه بخواهد.

۳۰ سال به خاک بدهکاریم

مرتضوی هم در پایان خاطر نشان کرد: باید شورای خاک همانند شورای آب استان تشکیل و مصلحت مطرح و برای آن راهکار ارائه شود. هیچ کس به خاک اهمیت نمی‌دهد و در واقع ما به خاک در طول این ۳۰ سال بدهکاریم.

یک گام به جلو بر می‌داریم؟

در فضایی که طی سالیان متمادی گذشته، عدم تناسب تصمیم‌گیری‌های کلان دولتی با اقلیم مناطق کاملاً مشهود بوده است و مصادیق بارز آن را در تصمیمات اتخاذ شده درخصوص حفظ یکپارچگی اراضی کشاورزی و توسعه‌ی بی‌رویه‌ی میزان سطح زیرکشت، برداشت بی‌رویه‌ی آب، استفاده‌ی نامناسب و فرسایش خاک، عدم نظارت بر تولید و مصرف کودهای بی‌کیفیت ... می‌توان دید، نفس توجه تصمیم‌سازان بخش دولتی به این نکته که بالاخره باید کارهای عملی و علمی انجام نشده طی سالیان دراز را از یک جا شروع کرد، در خور قدردانی است.

اگر چه عوامل متعددی را می‌توان به کاهش بهره‌وری باغات پسته نسبت داد، اما برای انجام هر کار باید تناسب و وسعت کار با امکانات در نظر گرفته شود تا میزان اجرایی بودن آن قابل تخمین باشد و از هدر رفت منابع مالی و انسانی جلوگیری شود.

و از دامداری‌ها کودکان را تهیه می‌کنند که باید کارشناسانشان را آموزش داد.

او با بیان این که باید توجه داشت که نیمی از کودهای الی در استان تولید می‌شوند و مابقی از سایر نقاط کشور وارد می‌شوند، افزود: معمولاً دامداری‌ها باید هر ۶ ماه یکبار مجوزشان تمدید شود که از این طریق می‌توان برنحوه‌ی فراوری کودی که در اختیار بخش کشاورزی قرار می‌دهند نظارت کرد.

آزمایشگاه‌ها استاندارد مشخص ندارند

ارجمند نیز در ادامه با بیان این که در موضوع آزمایشگاه‌ها مشکلات اساسی داریم و می‌دانم که برای آزمایشگاه‌های بخش خصوصی حداقل یک استاندارد مشخص و خوب تعریف نشده است، گفت: در سطح جهانی استانداردهای ایزو برای آزمایشگاه‌ها وجود دارد ولی من آزمایشگاهی نمی‌شناسم که از این دستورالعمل‌ها پیروی کنند. او با بیان این‌که شاید مرکز تحقیقات آب و خاک استان بتواند برای آزمایشگاه‌ها استانداردهایی را تعریف کند، تا نوع آنالیز و روش کار بین همه یکسان باشد، تاکید کرد: برای ارائه اطلاعات یک استاندارد تعریف شود. چون بعضی اوقات نتایجی که ارائه می‌دهند با هیچ نوع منطقی هم‌خوانی ندارد.

او افزود: این بخاطر این‌است که در آزمایشگاه‌ها هیچ کنترل کیفیتی وجود ندارد. مثلاً گزارش شوری اب (EC) ۵۵ در باغی که شوری مناطق مختلف خیلی پایین‌تر است غیرمنطقی است.

آزمایشگاه‌ها معضل دارند

نقوی نیز در پاسخ به این اظهارات گفت: در بحث آزمایشگاه‌ها ۲ معضل وجود دارد و من قبول دارم که واقعا بعضی مواقع نتایج غیرقابل قبولی ارائه می‌شود.

او افزود: این نتایج بخاطر این‌است که اولاً نمونه برداری‌ها اشتباه است؛ در حقیقت این نمونه برداری باید توسط کارشناس ماهر انجام شود. دیگر اینکه تهیه مواد شیمیایی اصل توسط آزمایشگاه‌ها در حال حاضر کار بسیار دشواری

است. حتی بعضی از ابزار آزمایشگاهی مثل کاغذهای صافی بی‌کیفیت هستند. البته ممکن است اشکال از کار تکنیسین آزمایشگاه هم باشد.

نقشه حاصلخیزی خاک استان را نداریم

عباس سیرجانی دبیر این جلسه نیز در این نشست یادآور شد: تهیه نقشه حاصلخیزی خاک و شناخت کامل و جامع از خاک‌های استان به تفکیک مناطق مختلف را نداریم و بهتر است باب جدیدی راجع به این موضوع باز شود. این کاری سخت، فوق العاده هزینه بر و علمی است.

نقوی گفت: داده‌های بسیار زیادی در موسسه تحقیقات پسته کشور، مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی، دانشگاه باهنر و آزمایشگاه‌های خصوصی وجود دارد که می‌توانیم از آنها استفاده نماییم و جداول فراوانی عناصر در لایه‌های مختلف خاک در مناطق مختلف را تهیه نماییم.

ارجمند نیز این پیشنهاد را مثبت ارزیابی کرد و گفت: یک مطلب استراتژیک برای کشور و پیشنهاد خوبی است. برای اینکه بدانیم چقدر توان تولید وجود دارد

او افزود: البته قبول دارم که کار بسیار پیچیده‌ای است و پارامترهای متعددی باید در نظر گرفته شود.

ارجمند خاطر نشان کرد: مطلب بعدی این است که ما در چه مقیاسی می‌خواهیم کار کنیم، به این معنی که مناطقی را در نظر می‌گیریم در یک محدوده یک کیلومتر در یک کیلومتر هستند یا صد متر در صد متر یا ابعاد دیگری و کوچکترین واحد دقتمان چقدر است.

اگر واحد دقت را تعریف کنیم می‌توانیم برآورد هزینه را هم انجام دهیم.

فکری نیز پاسخ گفت: این یک طرح بسیار گسترده است و بودجه بسیار سنگینی می‌خواهد و فکر نمی‌کنم به این سادگی‌ها قابل اجرا باشد. چون هر باغ و نقطه به نقطه‌ی خاک در یک باغ از نظر عناصر با هم متفاوت است و فکر نمی‌کنم ما با این امکانات بتوانیم این کار را انجام دهیم. حسینی‌فرد هم در واکنش به این اظهارات گفت:

در همایش بهینه سازی مصرف آب در کشاورزی چه گذشت سیلی خورده ایم و حواسمان نیست!

گفت: متاسفم که آقای فرماندار طرح همیار آب را خوب برای شما تبیین نکرده اند تا بدانید که آب برای دولت تدبیر و امید چقدر مهم بوده است. وی افزود: آقای فرماندار و سایر مسؤولان و امامان جماعت مساجد بایستی طرح همیار آب را برای کشاورزان توضیح دهند تا در این باره اجماع عمومی شکل بگیرد. استاندار کرمان تاکید کرد که حضور و مشارکت بخش خصوصی می تواند در کاهش مشکلات موجود بخش کشاورزی موثر باشد: «قبول دارم سیستم ما مانع رشد شماسات اما بایستی مشارکت کنید و با این مشارکت روز به روز دولت را کوچکتر کنید. رمز موفقیت ما در فعالیت بخش خصوصی است.»

آمار را قبول نداریم

اما اسکندر زند معاون وزیر جهاد کشاورزی و رییس سازمان تحقیقات کشاورزی بر خلاف مدیرعامل آب منطقه ای با کشاورزان همدلانه تر سخن گفت. او به صراحت گفت: ۲۰ درصد اشتغال کشور متعلق به بخش کشاورزی است. ما آمار ارائه شده مبنی بر مصرف ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی را قبول نداریم و باید در این زمینه تحقیق و بررسی دقیق تری صورت گیرد. زند در سخنان کوتاهش به کشاورزان اطمینان داد که وزارت جهاد کشاورزی از آنها حمایت می کند و نایستی از بابت تعطیلی بخش کشاورزی نگرانی داشته باشند.

سخنان معاون استاندار و ترک ناگهانی سالن توسط معاون وزیر

معاون عمرانی استانداری کرمان آخرین سخنران این همایش بود. کامیاب قرار بود بنا به دستور استاندار کرمان درباره طرح همیار آب سخن بگوید اما او در دقایق اولیه باز هم از مصرف بی رویه آب در بخش کشاورزی سخن گفت و بدون اشاره مستقیم به سخنان معاون وزیر، گفت: «۹۵ درصد آب در بخش کشاورزی مصرف می شود نباید بیاییم با اظهاراتمان تقابل درست کنیم. ما الان در استان به ۹۴۱ روستا با تانکر آب رسانی می کنیم. افت سطح آب زیرزمینی را هم که نمی شود کتمان کرد. پس بهتر است واقع بین باشیم.» سخنان کامیاب هنوز به نیمه نرسیده بود که معاون وزیر به همراه رییس سازمان جهاد کشاورزی و برخی مسؤولان این وزارتخانه سالن همایش را ترک کردند. کامیاب البته سخنانش را ادامه داد و سرانجام سالنی که در زمان شروع بیش از ۴۵۰ نفر را در خود جای داده بود در نهایت با نیمی از صندلی های خالی تمام شد.

خیلی وقت است سیلی خورده ایم و حواسمان نیست.» بختیاری با دفاع از لزوم استفاده بخش صنعت از آب گفت: در هیچ کشور توسعه ای یافته ای بخش صنعت کمتر از ۲۵ درصد منابع آب را استفاده نمی کند. او از راه حل های دولت هم سخن گفت: «ما با جدیت موضوع پلمپ چاه های غیرمجاز را دنبال می کنیم و استان کرمان در این زمینه رتبه دوم کشور را دارد. ما تاکنون ۳۵۰۰ حلقه چاه را پلمپ کرده ایم.» بختیاری از انتقال آب بهشت آباد به کرمان به عنوان یکی دیگر از تمهیدات دولت اشاره کرد و اینکه این طرح امسال با تصویب دولت اجرایی شده است.

یک قطره آب به سد تنگویی ندادیم

مدیرعامل آب منطقه ای کرمان در خلال صحبت هایش کوشش کرد به چالش انتقال آب سد تنگویی سیرجان به گل گهر هم اشاره کند. چندی پیش شهباز حسن پور نماینده سیرجان در مجلس، در گفت و گو با یک هفته نامه محلی گفته بود: آب منطقه ای در صدور مجوز انتقال آب سد تنگویی تخلف کرده است. حسن پور این ادعا را هفته گذشته در مصاحبه با تلویزیون هم تکرار کرد از پیگیری این «تخلف ها» سخن گفت. بختیاری هم که به نظر از اظهارات حسن پور دلخور بود، بدون اشاره به نام او گفت: «سد تنگویی ۳۵ میلیون متر مکعب ظرفیت دارد اما فقط ۵ میلیون متر مکعب آب پشت آن وجود دارد. که این آب قرار نیست به بخش صنعت داده شود. هر چند طبق قانون بخش صنعت سهم داشته است.» او تاکید کرد که قراردادهای منعقد شده با گل گهر هم مربوط به ۶ سال قبل است و فعلا آبی به گل گهر منتقل نشده و این شرکت نیازش را طبق قانون از محل خرید چاه تامین کرده است.

استاندار دعوت به اتحاد کرد

اما سخنان مدیرعامل آب منطقه ای با اعتراض شدید برخی کشاورزان هم روبه رو شد که عقیده داشتند بختیاری نسبت به بخش کشاورزی بی مهری کرده و بیشتر جانب بخش صنعت را گرفته. اما علیرضا رزم حسینی استاندار کرمان کوشش کرد موضوع را از سطح تقابل کشاورزی و صنعت به سطحی کلان تر سوق دهد. او به حاضران گفت: «نیامده ایم تقصیر را گردن یکدیگر بیندازیم بلکه آمده ایم با کمک و همفکری همدیگر درباره بحرانی که به وجود آمده چاره اندیشی کنیم.» رزم حسینی گفت که دولت درباره بحران آب «بیدار» است اما باید مردم هم بیدارتر شوند تا با کمک یکدیگر بحران مدیریت شود. او سپس با لحنی گلایه آمیز

همایش بهینه سازی مصرف آب در کشاورزی در حالی روز چهارشنبه در سیرجان برگزار شد که اختلاف نظر سخنرانان بر سر چگونگی میزان مصرف آب در کشاورزی و صنعت عملاً موضوع اصلی همایش را به حاشیه برد.

به گزارش سایت خبری گفتارنو، نماینده کشاورزان سیرجان در این همایش که در سالن هلال احمر این شهر برگزار می شد، به صراحت از مسؤولان خواست که به مساله تجمیع زمین های کشاورزی در قالب شرکت های کشاورزی توجه کنند. چرا که به عقیده «استوار» سطح مالکیت خرد موجب شده کشاورزان توان و انگیزه کافی برای استفاده از سیستم های نوین آبیاری را نداشته باشند. استوار در بخش دیگری از سخنانش از طرح موضوع مصرف بالای ۹۰ درصدی آب در بخش کشاورزی، انتقاد کرد و گفت: «مسوولانی که این آمار را می دهند قصد دارند بگویند بخش صنعت بیشتر از بخش کشاورزی بهره وری دارد و بیشتر فرصت شغلی ایجاد می کند. اما آیا واقعا چنین است؟ وی با بیان اینکه برای مثال اکنون ایران هر متر مکعب گاز را ۵۰ سنت به ترکیه صادر می کند، افزود: همین گاز در کشور به بخش صنعت سه و نیم سنت فروخته می شود. آیا کسی از این ۴۶/۵ سنت سوبسید به بخش صنعت حرف می زند؟» این کشاورز سیرجانی انتقادهای اینگونه تکمیل کرد: «حامیان صنعت آیا تاثیر مخرب این بخش بر محیط زیست را هم ارزیابی کرده اند؟ به عقیده من باید درباره آثار اشتغال زایی و تبعات توسعه صنعت هم واقع بین باشیم.» استوار به مسؤولان توصیه کرد اگر می خواهند کشاورزان در طرح های مدیریت منابع آب مشارکت کنند بایستی حق مالکیت کشاورزان محترم شمرده شود و با زبان «زور» با آنها سخن گفته نشود. او تجربه موفق خاموشی یک ماهه موتورپمپ های کشاورزی را نشانه ای از موفقیت طرح های مشارکتی آمیخته با همدلی دانست.

سیلی خورده ایم

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای کرمان سخنران بعدی این همایش بود. بختیاری تلاش کرد در سخنانش از «حق» بخش صنعت دفاع کند و وضعیت بحرانی آب را با عدد و رقم تبیین کند. او با اشاره به مصرف بیش از ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی، گفت: بخش صنعت در استان کرمان فقط از یک درصد آب استفاده می کند. بختیاری با تاکید بر اینکه «بحران آب بسیار جدی است»، افزود: «باید باور کنیم که ما در استان کرمان و به خصوص در شمال استان

توسط انجمن پسته ایران برگزار شد تور آموزشی هرس فرم و باردهی درختان پسته



مهرداد مشرفی - گروهی ۴۴ نفره متشکل از باغداران و دیگر فعالان صنعت پسته از استان‌های کرمان، یزد و قزوین در تاریخ ۱۶ بهمن ماه سال جاری از باغاتی در منطقه جوادیه نوق رفسنجان که به جرأت می‌توان گفت یکی از بی نظیرترین باغات استان کرمان است، بازدید کردند. این بازدید با هدف آموزش اجرای صحیح عملیات هرس جهت ایجاد شکل و فرم مناسب و باردهی منظم و مطلوب، صورت گرفت.

در هرس اینکه کدام شاخه را حذف و کدام شاخه را نگه داریم مهمترین کار است، زیرا حذف نابجا و بی‌مورد برخی شاخه‌ها می‌تواند سبب کاهش کربوهیدرات‌های ذخیره شده و کاهش سطح برگ درخت گردد. بر این اساس مهندس حسین رضایی که به عنوان کارشناس این گروه را همراهی می‌کرد، ضمن آموزش عملی هرس توضیحاتی پیرامون انواع هرس در ارقام مختلف پسته ارائه کرد.

هرس به دو منظور انجام می‌شود:

۱- هرس فرم (تربیت) درختان پسته: هدف از انجام این هرس ایجاد اسکلت قوی و محکم و شکل مناسب و مورد نظر درخت است. مراحل ایجاد آن ۴ - ۵ سال طول می‌کشد. متأسفانه در بیش از ۹۰ درصد باغات پسته این هرس انجام نشده و درختان به صورت درختچه‌ای پرورش یافته‌اند. هر چه فاصله درختان بیشتر باشد تاج درخت بهتر شکل می‌گیرد. در باغاتی که هرس فرم یا تربیت انجام می‌گردد احتمال دارد وضعیت باردهی تغییر کند و ۲ الی ۳ سال دیرتر درخت به بار بنشیند، ولی در نهایت در دراز مدت این کاهش باردهی جبران خواهد شد.

در مناطقی که درختان به صورت نعنایی کاشته شده‌اند بهتر است ابتدا تعدادی از درختان را حذف نماییم تا فاصله بین درختان مناسب شده، سپس عملیات هرس را انجام دهیم.

۲- هرس باردهی درختان پسته: این نوع هرس بر روی درختان بارده انجام می‌شود که شامل هرس سربرداری، هرس شاخه‌های مزاحم، آلوده، حذف پاجوش‌ها و هرس تنک شاخه است.

بهترین زمان هرس سربرداری اسفند ماه است. اگر

عمل سربرداری را در دی‌ماه انجام دهیم، در صورت سرمای شدید به دلیل اینکه محل زخم تازه است، امکان دارد حدود ۷ تا ۸ سانتی‌متر از سرشاخه خشک شود. سربرداری سبب حرکت جوانه‌های جانبی و فعال شدن شاخه‌های جانبی می‌گردد. برای انجام هرس سربرداری، کنار درخت ایستاده، از شانه به طرف بالا هر شاخه‌ای که میزان رشد آن بیش از ۳۰ تا ۴۰ سانتی متر باشد، باید سربرداری شود.

جهت سربرداری شاخه‌ها ابتدا شاخه را بررسی کرده، اگر خوشه‌ی زیادی داشته باشد آن شاخه را نباید سربرداری کنیم. ولی اگر آن جوانه‌ها را نادیده بگیریم، یک سوم را نگه داشته و دو سوم دیگر را حذف می‌نماییم.

مشکلی که در ۸۰ درصد باغات وجود دارد این است که درختان پسته بصورت درختچه‌ای بوده و بصورت چند شاخه بالا آمده‌اند. و معمولاً پیوندهای پایین زده می‌شود. ولی در منطقه جوادیه نوق پیوند در ارتفاع ۸۰ - ۷۰ سانتی متری زده شده است که سبب شده درخصوص رفت و آمد تراکتور و تیلر مشکلی وجود نداشته باشد و بتوان شاخه‌های جانبی را بهتر حفظ نمود. هرچه زاویه شاخه بیشتر باشد و شاخه بازتر باشد باردهی این شاخه بیشتر است. شاخه‌های افقی از لحاظ مواد غذایی

و هورمونی غنی‌تر می‌باشند. به همین دلیل است که شاخه‌هایی که تاجشان باز است باردهی بیشتری دارند. در صورت حذف این شاخه‌ها باردهی بسیار کاهش پیدا می‌کند. درختان را نبایستی به شکل ۷ هرس کرد و بایستی تاج داشته باشد. بهتر است شاخه‌های افقی را حتی المقدور نگه داشته مگر اینکه در عبور ادوات کشاورزی مشکل ساز باشند.

در خصوص تاج ارقام مختلف پسته بایستی این نکته را مدنظر داشت که رقم فندقی به دلیل سطح برگ پایین و رشد رویشی کمتر به گرمادگی فوق‌العاده حساس می‌باشد، بنابراین تاج این رقم نبایستی زیاد خالی نمود. در رقم اکبری بایستی داخل تاج را خالی نمود و تا می‌توان ناخنک‌ها را گرفت. زیرا رشد رویشی واریته اکبری زیاد است و سطح برگ بالایی نیز دارد بنابراین گرما وسط تاج این درخت را نمی‌سوزاند.

زمانی که دو شاخه روی یکدیگر قرار گرفته‌اند جهت جلوگیری از ایجاد زخم و ساییدگی، شاخه کوچکتر و ضعیف‌تر را هرس می‌نماییم.

در باغ‌های خیلی خوب، هرس شاخه‌های خشک مختصر است، فقط ناخنک‌هایی که در تاج درخت زده و یا شاخه‌هایی که شکسته و خشک شده باشند، را هرس

شود تا میزان اثرگذاری برای انجمن سنجیده شود. شرکت‌کننده‌ی دیگری هم توصیه کرد: به منظور هماهنگی و استفاده مفید تر شرکت کنندگان از مطالب ارائه شده، تعداد شرکت کنندگان در تورهای آتی انجمن حداکثر ۲۵ نفر قرار گیرد.

مجید بهاء الدینی فعال پسته نیز خواهان تکرار برگزاری چنین تورهایی است. هادی نخعی فعال پسته نیز معتقد است: اگر برگزاری تور ماهی یکبار انجام شود، خیلی بهتر است. هادی ابولی هم می‌گوید: اگر این کلاس‌ها برای همه کشاورزان تشکیل شود، بهتر است.

تور سم پاشی برگزار شود

کاظم وزیری عضو وابسته انجمن پسته ایران نیز می‌گوید: اگر این بازدیدها و کلاس‌های آموزشی در طول فصول بخصوص انجام گیرد به نظر اینجانب بهتر و مفیدتر است. مخصوصاً در زمان سمپاشی و انواع سموم در ساعات روز و ماه‌های مختلف.

شرکت‌کنندگان در تور آموزشی، فرم‌های نظر سنجی را پر کردند که حاصل آن در جدول زیر می‌آید.

استفاده شد. امیدوارم در آینده تورهای بهتر و پربارتری تشکیل شود.

این عضو وابسته انجمن پسته ایران می‌افزاید: ضمن آموزش هرس ساده و در حد سخنرانی بود. حداقل از طرف اساتید یک درخت به صورت کامل هرس می‌شد.

صدای مدرس به گوش نمی‌رسید

بابک شریف عضو پیوسته انجمن پسته ایران هم می‌گوید: با توجه به جمعیت زیاد کارآموزان کارگاه نیازمند تقسیم بندی بود، صدای مدرس خوب به گوش نمی‌رسید. میزان مشارکت کارآموزان کم بود.

علی جعفری فعال پسته نیز می‌گوید: کلاس از هر نظر خوب بود، اما اگر این تورها در مراحل رشد و برداشت هم ادامه داشته باشد، می‌تواند اثر بهتری بگذارد. امیدوارم در جهت توسعه کلاسهای آموزشی موفق عمل کنید.

حداکثر ۲۵ نفر باشیم

یکی از شرکت‌کنندگان هم پیشنهاد داد: مطالب آموزش داده شده به صورت تستی از مدعوین پرسیده

می‌کنیم. ولی در باغات مشکل‌دار بایستی با اره کار کرد. خصوصاً در رقم کله قوچی باید حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد شاخه‌هایی که بنفش و سیاه رنگ شده‌اند، را هرس نمود.

در ادامه شرکت کنندگان در این کارگاه آموزشی با نحوه کار دستگاه کود پاش آشنا شدند و کارشناس توضیحاتی پیرامون سن درختان، میزان شوری، مقدار مصرف کودهای دامی و شیمیایی، دور آبیاری، تعداد دفعات محلول پاشی و سم پاشی در باغ مورد بازدید داد. استقبال از این کارگاه آموزشی به دلیل کاهش هزینه‌های شرکت در تور، بیش از ۱۰۰ درصد بود. به گونه‌ای که جهت آموزش بهتر، شرکت کنندگان به دو گروه تقسیم شدند تا بتوانند از مطالب ارائه شده در این کارگاه استفاده کنند.

یک درخت را کامل هرس می‌کردید

رضا خلیج آزاد در خصوص این تور می‌گوید: برگزاری تور از طرف انجمن خوب بود. از اطلاعات دوستان

شاخص‌های مورد بررسی	عالی	خوب	ضعیف	خیلی ضعیف	بلی	خیر
نحوه اطلاع رسانی جهت برگزاری تور	۶۸٪	۲۸٪	۴٪			
زمان و تاریخ تعیین شده جهت برگزاری	۵۴٪	۴۶٪				
برنامه ریزی، ساماندهی و هماهنگی	۶۲٪	۳۸٪				
نحوه تدریس و بیان مدرس	۶۵٪	۳۵٪				
کمیت و کیفیت مطالب ارائه شده توسط مدرس	۶۲٪	۳۸٪				
میزان ارتباط مطالب ارائه شده با نیازهای اطلاعاتی	۶۵٪	۳۱٪	۴٪			
ساعت برگزاری کارگاه	۵۸٪	۴۲٪				
مدت زمان برگزاری کارگاه	۴۶٪	۵۰٪	۴٪			
مکان برگزاری کارگاه	۶۹٪	۲۷٪	۴٪			
پذیرایی	۷۷٪	۲۳٪				
ایاب و ذهاب	۳۱٪	۶۱٪	۸٪			
تامین انتظارات با توجه به اهداف پیش بینی شده					۹۶٪	۴٪
شرکت در تورهای آموزشی آتی انجمن پسته					۱۰۰٪	

واکنش مدیر امور شعب بانک کشاورزی استان کرمان به آمار رسمی وزارت جهاد در خصوص تسهیلات آبیاری تحت فشار در استانها

به آمار شک کنید!

پول پسته از استان کرمان خارج می‌شود

گمرک کرمان صادر شود.

Aug این جا زیرساخت و بستر کافی مهیا است؟

بله؛ به اندازه‌ی کافی. ما هیچ مشکلی در این خصوص نداریم.

Aug بخش خصوصی تصمیمات عقلایی می‌گیرد. اگر مزایایی در گمرکات سایر شهرها نبود، کرمان را کنار نمی‌گذاشت. نظر شما در این خصوص چیست؟

بعضی سوالات را نمی‌شود به دلایلی پاسخ گفت. تجار سایر شهرها پسته کشاورز کرمانی را به صورت نسبه می‌خرند. یک تا دو ماه طول می‌کشد تا پول را بپردازند. این عملاً دارد وام می‌گیرد. همان کاری که بسیاری از تجار استان انجام می‌دهند.

Aug به هر حال خرید مدت‌دار کاملاً در بازار متداول است و این مدت، روی قیمت پسته دیده می‌شود.

اصلاً این طور نیست و دیده نمی‌شود. خرید یک ماه در بازار، ۴۵ روز نقد حساب می‌شود. من خودم تولید کننده هستم. من اگر به این مبحث ورود می‌کنم بخاطر این است که قبلاً محل کارم بنیاد مستضعفان بود و ۲ هزار هکتار باغ پسته دست من بوده است. ۹۵- ۹۶ درصد ترمینال‌های ضبط پسته‌ای که در استان وجود دارند تسهیلاتشان را ما داده‌ایم. تسهیلات واحدهای شکست و فراوری را ما داده‌ایم.

تسهیلات بسته‌بندی را ما پرداخت کرده‌ایم. ما نقش‌مان این نبوده که صرفاً صادرکننده را حمایت کنیم. ما هر سال خط اعتباری ۲ هزار میلیارد ریالی در بخش صادرات پسته داریم و کمک می‌کنیم.

Aug تمام آن جذب شده است؟

بخش عمده‌ای از آن جذب می‌شود.

Aug تایید می‌کنید با ضوابط و شرایطی که از سوی بانک‌ها تعریف می‌شود، عملاً بسیاری از فعالان در دریافت این تسهیلات ناکام می‌مانند؟

۲/۵ درصد کل پول‌های کشور در استان کرمان است. پس نقدینگی‌مان کلاً پایین است. مبحث دیگری هم که داریم، تجار ما سعی می‌کنند با بانک‌های مختلف کار کنند.

هر تاجر و هر صادرکننده‌ی پسته‌ای که با بانک کشاورزی کار کرده، الان سه چهار سال است که ما داریم به او تسهیلات می‌دهیم.

Aug فکر می‌کنید چرا سراغ بانک‌های دیگر می‌روند؟ اگر خدمات شما خوب باشد، دلیلی ندارد که سراغ بانک‌های دیگر بروند!

یک مبحث کاملاً شخصی است و گرنه نیازهای مالی‌شان را ما گفته‌ایم و داریم تامین می‌کنیم. مثلاً شرکت تعاونی پسته را با ۶ هزار عضو، تامین نقدینگی می‌کنیم. واقعا شریک‌مان هم هست. هر لحظه‌ای که تسهیلات بخواهد ما حاضرم بدهیم.

خیلی از صادرکنندگان عمده‌ی استان که من مجاز نیستم اسم‌شان را ببرم، هر سال ما داریم تامین نقدینگی می‌کنیم.

تمام بانک‌ها بایستی حداقل بیش از ۲۵ درصد تسهیلاتشان را در بخش کشاورزی بدهند؛ این در استان رخ نمی‌دهد. من بیش از ۹۷ درصد وام‌هایی که هر سال می‌دهم در بخش کشاورزی می‌دهم. ۱۰ بانک دیگر هم هست اگر ۲۵ درصد تعهدشان را به بخش کشاورزی وام بدهند، عملاً ما مشکلی نخواهیم داشت. اخیراً هم که مجلس مصوبه‌ای داشت تا بانک‌ها تسهیلات به بخش کشاورزی را به صورت شفاف بدهند.

از طرفی قسمت عمده‌ی پسته توسط تاجرهای خارج از استان کرمان خریداری می‌شود.

Aug آماری در این خصوص دارید؟

ندارم؛ اما عملاً در بازار افرادی که دارند کار می‌کنند مشخص هستند. ما حتی گفتیم اجازه‌ی خروج پسته را از استان کرمان ندهند و تمام پسته از داخل استان صادر شود. چه اشکال دارد همین پسته‌ای که باید از گمرک همدان، تهران یا بندرعباس صادر شود، از

محبوبه فیروزآبادی - بی‌شک تامین نقدینگی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های صنعت پسته در سال‌های اخیر بوده است، اما این مساله در سال جاری به جدی‌ترین شکل ممکن، رخ نمایاند.

بر این اساس با مهدی جهان نجاتی مدیر امور شعب بانک کشاورزی استان کرمان به گفت‌وگو نشستیم که از نقش این بانک در تامین نقدینگی ارزآورترین کالای کشاورزی استان پرسیم. عملکرد او همواره از سوی فعالان پسته استان مورد نقد بوده است، پاسخ‌های او که به گفته‌ی خودش تخصص پسته دارد، را می‌خوانید.

Aug آقای جهان نجاتی! عدم تامین نقدینگی، قیمت پسته ایران را تا ۳ دلار پایین‌تر از آمریکا آورد. شما به عنوان مدیر بانک تخصصی کشاورزی که مسوولیت تامین مالی دارید، در این بحران چه نقشی ایفا کردید؟

واقعیت این است که اگر من نوعی به مغازه تعویض روغنی بروم و ببرسم کار و بار چه طور است، می‌گوید: امسال پسته هست. خدا را شکر خوب است. سالی که سرما می‌زند، می‌گوید: نه؛ امسال بازاری نیست. از این کار گرفته تا انواع و اقسام کارهای خدماتی در استان تا ساخت و ساز و ... نقش پسته در اقتصاد استان فوق‌العاده زیاد است. اگر محصول پسته‌ای تولید و خرید و فروش شود، صادرکننده‌ای بخرد و صادر کند، کل اقتصاد استان به جریان می‌افتد و اگر نه بالتبع ما این را نداریم.

Aug با این تفصیل برای تامین نقدینگی پسته چه می‌کنید؟

اولاً؛ ما یک عیب ساختاری اقتصادی داریم. تمام فشار تامین مالی روی شانه‌ی سیستم بانکی است؛ این کاملاً مردود شده است. از طرف دیگر قسمت عمده‌ی گردش مالی پسته در استان نیست. براساس آمارهای خودتان، تا یک و نیم میلیارد دلار گردش مالی پسته است. این پول کجا می‌رود؟ قسمت عمده‌ای از این پول متأسفانه از استان خارج می‌شود. از طرفی فقط نزدیک

تسهیلاتی که شما سال قبل دادید، چقدر است؟
۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال که ۸ هزار میلیارد ریال آن سهم تولید بود.

سُئال چگونه به این عدد رسیدید؟ دلیل خاصی دارد؟
نه بر اساس کشتش بازار است. آن ۲ هزار میلیاردی که من سالیانه می‌دهم پولی است که من هر سال تزریق می‌کنم. من سال‌های قبل هم به تجار تسهیلات پرداخت کرده‌ام و هر دور برایشان تمدید می‌کنم.

سُئال یعنی حساب این تمدید از تسهیلاتی که هر سال برای صادرات می‌پردازید جداست؟
بله؛ جداست. خط اعتباری جدید است که من هر سال می‌گیرم. یعنی آن تاجری که می‌آید سودش را می‌دهد و من دوباره وامش را جابجا می‌کنم، بحثش جداست. اگر شما بخواهید جمعی حساب کنید، خودش خدا تومان پول می‌شود.

سُئال جابجایی وام‌ها کاملاً سلیقه‌ای شده است. شما این را تایید می‌کنید؟
در بودجه‌های سنواتی وقتی که یک ردیف بودجه‌ای را اعلام می‌کنند و دستورالعمل بودجه‌ای‌اش تعیین می‌شود، قانون‌گذار گفته است هیات مدیره بانک‌ها مختار هستند. می‌توانند از این اختیارشان استفاده کنند، می‌توانند استفاده نکنند. بانک کشاورزی هر سال ۱۰۰ درصد این را اجرا کرده است. ما ۸۰ شعبه داریم، هر ۸۰ شعبه این کار را انجام می‌دهند.

سُئال همواره یکی از دلایل ناتوانی بانک‌ها در تامین نقدینگی، معوقات بانکی اعلام شده است. آیا ضوابط و مقررات اجرا نشده و به اندازه‌ی کافی وثیقه گرفته نشده است؟ دلیل بالا بودن حجم معوقات بانکی در بانک کشاورزی استان چیست؟

نمی‌توانیم بگوییم که این معوقات صرفاً در بانک کشاورزی است. در کل سیستم بانکی است. فرق عمده‌ای که بانک کشاورزی با سایر بانک‌ها دارد این است بانک کشاورزی تسهیلات را به کشاورز می‌دهد. کشاورز این پول را یا در باغ‌هایش، یا برای دامداری‌اش، یا برای زنبور و طیور هزینه می‌کند. یعنی ما در بخش

پولش بر می‌گردد، چقدر زمان می‌برد؟

سُئال برآورد کارشناسی شما در مورد بازارهای مختلف چیست؟

از نظر من دو ماه است. یعنی از روزی که بار را تحویل می‌گیرد تا فراوری می‌کند و می‌فرستد تا پول بر می‌گردد، نهایتاً ۳ ماه می‌شود. این پول در سال ۴ دور می‌چرخد؛ می‌شود ۱۰ هزار میلیارد ریال. رقم، رقم کمی نیست. هزار میلیارد تومان رقم سنگینی است.

سُئال حتی ۱۰ هزار میلیارد ریال شما به شرط محقق شدن هم عدد قابل ملاحظه‌ای در صنعت پسته نیست! در هر حال صنعت پسته ایران بخاطر نبودن نقدینگی، در بازارهای جهانی خوار و خفیف می‌شود.

ببینید ما ۱۰ بانک در استان داریم. اگر هر بانکی هزار میلیارد تومان تسهیلات بدهد، می‌شود ۱۰ هزار میلیارد تومان.

سُئال شما که بانک تخصصی هستی ۲ هزار میلیارد ریال داده‌اید!

من گردش مالی را حساب می‌کنم. شما فکر می‌کنید صادرکنندگان چقدر پول پیش من دارند؟ چقدر تمرکز حساب‌هایشان پیش من است.

سُئال شما بفرمایید چقدرش پیش شماست؟
یک درصد این پول، پیش من نیست! شما چرا چسبیدید به صادرکنندگان؟ صادرکننده زمانی می‌تواند صادرات انجام دهد، که من برای باغدار تسهیلاتی داده باشم. شما آن قسمت را نمی‌بینید.

سُئال بانک کشاورزی حاضر است پسته در انبار را زیر کلید بگیرد و به کشاورزان تسهیلات بدهد؟

در راستای کمک به صادرکنندگان عمده و تولیدکنندگان بذور کشاورزی برای تامین بخشی از پشتوانه تضمین تسهیلات، اگر محصولات کشاورزی سریع‌الفساد نباشد و قابلیت نگهداری در انبارهای فنی را حداقل به مدت یکسال داشته باشد، به شرط بیمه تمام خطر، حداکثر ۳۰ درصد قبول می‌کنیم.

سُئال سهم بخش تولید و بخش صادرات از

پس هر سال این پسته را کی می‌خرد و صادر می‌کند؟
اگر سیستم بانکی پول را تامین نمی‌کند پس چه کسی تامین می‌کند؟

سُئال برخی از فعالان اثر گذار بازار چندان متکی به تسهیلات بانکی نیستند!

من اصلاً چنین چیزی را قبول ندارم. این تسهیلاتی که بانک‌های استان داده‌اند، به چه کسی داده‌اند؟ ما به همین مردم داده‌ایم.

برخی می‌گویند گرفتن تسهیلات زمان‌بر است. آیا این فقط مشکل بانک است؟ خود متقاضی هیچ مشکلی ندارد؟ وقتی متقاضی چک برگشتی دارد، تا وقتی رفع سوء می‌کند، این زمان را به حساب چه کسی می‌گذارد؟ اگر استعلامش را می‌خواهد بگیرد و ... چرا همه‌ی این‌ها را به حساب بانک می‌گذارد.

سُئال یکی از چالش‌های اعطای تسهیلات به صنعت پسته، به موقع نبودن آن‌هاست. شما از چه زمانی شروع به پرداخت تسهیلات به صادرکنندگان پسته کردید؟

ما از اردیبهشت‌ماه شروع کردیم. ۲ هزار میلیارد ریال است. زمانی که آقای نجار، استاندار بودند، با مجمع نمایندگان نزد هیات مدیره بانک می‌رفتند و کارسازی می‌کردیم، زمانی که آقای رزم حسینی استاندار شدند باز هم به همین ترتیب کارسازی کردیم. این یک خط اعتباری است که ما برای استان می‌گیریم.

سُئال تایید می‌کنید ۲۰۰ میلیارد تومان در برابر نقدینگی مورد نیاز صنعت عدد ناچیزی است؟
مگر صادر کننده‌ی ما یک جا محصول را می‌خرد؟ یا در طول سال می‌خرد؟

بسته به شرایط بازار عمل می‌کند. مثلاً امسال اول فصل اکثر صادرکنندگان سعی کردند خریدشان را انجام دهند.

امسال یک سال خاص بود. قیمت پایین بود. وضعیت دلار که ثبات نسبی داشت، این اتفاق افتاد. اما هر ساله براساس کشتش بازارهای خارج از کشور اقدام به خرید می‌کردند. خیلی از کسانی که صادر می‌کنند، عملاً این حجم از انبار را ندارند. شاید ۴-۵ صادرکننده‌ی ما انبار فنی عمده داشته باشد. بیش از ۱۰۰ هزار تن پسته است. مگر این‌ها چقدر انبار و با چه گنجایشی دارند؟ این را مد نظر قرار دهید. بعد هم در طول سال یک کانتینر پسته را می‌خرد، این را صادر می‌کند تا

شما فرمودید «اگر کسی نیم متر لوله‌گذاری بکند، این ارزش هر گونه کمک و تسهیلات را دارد» من عرض کردم: نه لزوما!

من که قبول دارم، خیلی از جاه‌ها در منطقه‌ی ارزویی خشک شده است. سیرجان خشک شده است. سطح دشت‌هایمان دارد پایین‌تر می‌رود. من با شما هم‌عقیده هستم. می‌گویم بانک کشاورزی بیش از ۲۸ هزار هکتار را تسهیلات داده است. با این اعتباری که به من می‌پردازند چند سال طول می‌کشد تا تمام استان را پوشش دهیم. این نیاز به عزم ملی است. اگر به من است بایستی تمام باغات کشاورزی استان را رایگان آبیاری تحت فشار بکنند. بعد باغدار را موظف کنیم که سطح زیر کشتش را کم بکند. یعنی باغدار ما الان ۴۰ روزه یک مرتبه آب می‌دهد، بگویم قسمتی از باغات را که خوب نیست حذف کن. من می‌گویم؛ چون تخصص پسته دارم. مابقی را نگه دار؛ اگر می‌خواهیم سفره‌ها را حفظ کنیم.

آقای جهان نجاتی! تعهد بانک کشاورزی استان در قبال طرح همیاران آب چیست؟

بانک قدرت اجرایی ندارد. ما گفتیم هر کس چاهش را برق‌دار بکند، بایستی الزاما، ابتدا تقاضای اجرای آبیاری تحت فشار هم به ما بدهد. آن قسمتی که ما می‌توانیم به این طرح کمک کنیم، چنین جاهایی است، وگرنه بانک قدرت اجرایی ندارد.

شما در برخی جلسات شورای آب حضور داشتید. به طور مشخص مصوبه شماره ۴ آن در مورد بانک کشاورزی است. در استان ۹۹ هزار و ۹۰۰ هکتار زیر پوشش سیستم آبیاری تحت فشار قرار دارد. ۲۸۳ هزار و ۲۸۰ هکتار از سطح زیر کشت استان با قابلیت تغییر سیستم آبیاری در یک دوره‌ی زمانی ۵ ساله شناسایی شده است. بانک شما چقدر برای اجرای این طرح اعتبار دارد؟

سال قبل بیش از ۱۷۵ کیلومتر، پول لوله‌گذاری دادیم. **شما که عدد قابل ملاحظه‌ای نیست!** ببینید در سنوات قبل چقدر داده شده است؟ شما این را با سایر استان‌ها مقایسه کنید. چرا این گونه قضاوت می‌کنید؟

گزارش رسمی وزارت جهاد کشاورزی

است که به سمت کارهای بزرگ پیش برود. اما من سوالی دارم کشاورزی که یک هکتار، دو هکتار باغ دارد، می‌خواهد استخر بزند و آب را از طریق لوله وارد استخر بکند، من نباید به او تسهیلات بدهم؟

بحث ندادن تسهیلات به خرده مالکان نیست. عمده مالکان را تنبیه نکنید؟ تبعیضی قائل نمی‌شویم.

طرح‌های آبیاری تحت فشار ذاتا طرح‌هایی‌اند که در مقیاس بزرگ توجیه دارند؟ بانک کشاورزی هیچ نقشی در این اعتبارات ندارد. این‌ها اعتبارات تکلیفی است که از طرف سازمان به ما معرفی می‌شود.

نباید خود بانک اقتصادی بودن این طرح‌ها را بسنجد؟

من از شما می‌پرسم کسی آمده که تمام زندگی‌اش دو هکتار باغ است. من به این ندهم؟ ممکن است به کسی که می‌خواهد کارخانه لبنیات بزند، بگویم با توجه به وضعیت تولید شیر، تعداد کارخانه‌ها و ... کارش توجیه دارد یا ندارد. اما در خصوص آب، نظر شخصی من این است که اگر کسی نیم متر لوله‌گذاری بکند، این ارزش هر گونه کمک و تسهیلات را دارد.

چاه‌های کشاورزی داشته‌ایم که ۴۰ روزه در رفسنجان خشک شده‌اند. توجیه دارد که روی چنین چاه‌هایی سرمایه‌گذاری شود و تسهیلات بدهید؟ آیا نتیجه این تسهیلات مغیوب‌تر شدن کشاورز و سیستم بانکی نمی‌شود؟ آیا سرمایه‌ی ملی از بین نمی‌رود؟

من که می‌گویم خرده مالکی، یک فرد که یک چاه را ندارد. مال تعدادی کشاورز است. وقتی هم که من می‌خواهم تسهیلات بپردازم می‌گویم سه نفر را به عنوان نماینده معرفی کنید، من طرح را به صورت کلان در صد هکتار می‌بینم. بعد بدهی را بین این‌ها تقسیم می‌کنم.

صحبت من این نیست که چرا به خرده‌مالکان می‌دهید!

اصلا چنین چیزی نیست. اصلا ذهنیت شما خوب نیست. ما در دو سال قبل بیش‌ترین حجم تسهیلات عمده مالکی را پرداخت کردیم. سیاست‌گذاری در خصوص سفره‌های آب زیرزمینی مگر دست من است؟

▶ کشاورزی با موجود زنده سرو کار داریم. موجود زنده هم نسبت به پیرامونش عکس‌العمل نشان می‌دهد. هوا گرم باشد، سرد باشد، سیل بیاید، طوفان بیاید و ... خسارت می‌زند. عملا ریسک سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بالاست. چون حوادث قهری بیش از اندازه تاثیرگذارند، نوسانات برداشت محصول را ما هر سال داریم. از آن طرف ۱۵ سال است که خشک‌سالی بخش کشاورزی را تحت فشار قرار داده است. همه‌ی این عوامل دست به دست هم داده که کشاورز ما فقیرتر شده است. از آن طرف نوسانات بازار و وجود دلان هم هست. مثلا گوجه در منطقه به چه قیمتی است، من و شما به چه قیمتی می‌خریم؟ سودش را این وسط کی می‌خورد؟ کشاورز هم این وسط سود ندارد. کشاورزی هم که ندارد، من چکار می‌توانم بکنم؟ زندانش بکنم؟ که نمی‌شود. پس مجبورم بدهی‌اش را تمدید کنم با این امید که یک روز شرایط تولید و بازار بهتر شود. یک می‌بخت هم وجود دارد، کشاورزی ما هنوز سنتی و خرد است. الان در ایران متوسط باغات اقتصادی برای استان کرمان ۲/۵ هکتار و برای زراعت ۷ هکتار باید باشد. آیا واقعا متوسط باغات ما ۲/۵ هکتار است؟ نه؛ خیلی پایین‌تر است. شما در یک واحد اقتصادی کوچک با طلا و الماس هم که بخواهی کار کنی، باز کسر می‌آوری.

ما هیچ راهی جز یکپارچه‌سازی نداریم.

پس چرا سیاست‌های سیستم بانکی و جهاد کشاورزی در سنوات گذشته با تنبیه عمده مالکی همراه بود. به عنوان مثال در طرح‌های آبیاری تحت فشار به عمده مالکان تسهیلات ۵۰ درصدی و به خرده مالکان تسهیلات ۸۵ درصدی اعطا می‌شد!

شما بین بانک کشاورزی که حامی بخش است با سازمان جهاد کشاورزی که متولی بخش است، تفاوت قابل شوید. سیاست‌گذاری بخش با من نیست. برای من فرق نمی‌کند.

یعنی اقتصادی‌تر بودن طرح برای بانک که تامین مالی می‌کند مساله نیست؟

چرا؛ من خدمت‌تان می‌گویم. وقتی در سطح کلان نگاه بکنیم، یعنی هر فعالیتی هر چند جزئی در راستای حفظ منابع آب، توجیه اقتصادی دارد. این را به عنوان اصل کلی می‌گویم. برای بانک هم خیلی راحت‌تر

رقم سنگین می‌شود.

سُنج در بوق و کرنا کرده‌اند که ۸۵ درصد هزینه‌های اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار را قرار است که به کشاورزان کمک بلاعوض شود. اما وقتی کشاورز پروژه‌اش را اجرا می‌کند، چیزی بیش از ۵۰ درصد که سال قبل می‌دادند، دریافت نمی‌کند. قبول دارید اجرای سیستم آبیاری تحت فشار بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان در هکتار هزینه دارد؟

بله؛ درست است. ببینید یک ردیف اعتباری هست. هر ردیف اعتباری که برای استان می‌آید، نرخ سود، درصد متقاضی، میزان بلاعوض و ... قید شده است. در سطح کشور هکتاری ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بلاعوض در نظر گرفته‌اند. اما بعضی از افراد از صندوق توسعه‌ی بخش کشاورزی وام می‌گیرند، ممکن است که صد درصد بلاعوض را هم بتوانند بگیرند.

سُنج شما چند درصد می‌دهید؟
ما هکتاری ۶ میلیون و ۵۰۰ تومان بیش‌تر اختیار نداریم.

سُنج و چقدر طرح از نظر شما هزینه دارد؟
براساس سیستم آبیاری از ۸ میلیون تومان تا ۱۲ میلیون تومان در هکتار متغیر است. هر چه قدر سطح زیر کشت افزایش پیدا کند، این قیمت سرشکن می‌شود و به صرفه‌تر است.

سُنج شما انواع و اقسام تعهدات را از کشاورزان می‌خواهید. پروسه‌ی اعطای این تسهیلات زمان بر است. تایید می‌کنید؟
خیر.

سُنج این پروسه چقدر زمان بر است؟
اگر مدارک و مستندات کشاورز کامل باشد، زمان بر نیست. ما با همه‌ی کشاورزان با این دید برخورد می‌کنیم که تسهیل کنیم. اغلب کرمانی‌ها یا کشاورز زاده‌اند و یا ارتباط نزدیک با کشاورزی دارند و جدا از مردم نیستند. من به همکارانم می‌گویم که کشاورز اگر بگوید خدا خیرتان دهد، تا خدا سقفی نیست و سریع خدا می‌شوند. ما حتی گفتیم تا ده هکتار، هر کس بخواهد اجرا کند، وثیقه نمی‌گیریم، فقط ضامن می‌گیریم. پس این

نشده است؟

عینا مطرح می‌شود. همه‌ی این حرف‌ها را من در تمام جلسات مطرح کرده‌ام.

سُنج بانک کشاورزی استان تا پایان سال جاری چقدر تسهیلات آبیاری تحت فشار می‌دهد؟

علی‌الحساب ۲۷۰ میلیارد ریال قرار داد بسته‌ایم که به نسبت هکتاری ۶/۵ میلیون تومان می‌پردازیم. اگر ۲۷۰ میلیارد ریال را همین الان ۷۵۰ میلیارد ریال بکنند، من می‌پردازم. این اعتبار متمرکزی است که وزارت‌خانه به من داده است.

سُنج چرا سهم استان نسبت به نیازش این قدر ناچیز است؟

ما نسبت به کل کشور، سهم‌مان خیلی ناچیز نیست.

سُنج ما استان اول باغی کشور هستیم. در چانه‌زنی ضعیفیم یا دلیل دیگری دارد؟
بایستی در سطح کشور پیگیری شوند. مدیر استانی بانک کاری نمی‌تواند بکند.

سُنج مدیران ارشد استان چه؟
واقعا می‌توانند پیگیری کنند. بستگی دارد زمانی که بودجه را می‌بندند، چقدر استان کرمان قدرت چانه‌زنی داشته باشد و بتواند اعتبارات را بگیرد. ما برای این که بتوانیم طی ده سال به جایی برسیم، حداقل باید سالی ۵۰ هزار هکتار را تحت پوشش ببریم. ایده‌ال حرف زدن با واقعیت‌ها را دیدن و براساس آن عمل کردن، فرق می‌کند.

سُنج پس تا این لحظه مصوبه شماره ۴ طرح همیاران آب اجرایی نمی‌شود؟

این گونه نگوییم. ما همه‌چیز را که مطلق نمی‌توانیم سفید یا سیاه ببینیم. ۱۰ سیستم بانکی هستیم، اگر اراده‌ای باشد، به راحتی می‌توانیم ۱۰ هزار هکتار را اجرا کنیم. آیا پیمان‌کاران ما می‌توانند ۵۰ هزار هکتار کار را انجام دهند؟

سُنج این یعنی چقدر تسهیلات؟

در خصوص وضعیت اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار در کشور در سال ۹۰ حکایت از آن داشت که استان کرمان رتبه دهم کشور و در چهار ماهه اول سال ۹۱ هم رتبه ۲۴ ام کشور را داشت.

نخیر. استان کرمان سومین استان کشور در جذب تسهیلات آبیاری تحت فشار در کشور است. شما به کدام آمار استناد می‌کنید؟

سُنج گزارش رسمی معاونت فنی و زیربنایی وزارت جهاد کشاورزی.

نه؛ تفاوت است. شما چرا استان کرمان را با استانی که زراعت انجام داده است، یکسان می‌بینید. یک چهارم باغات کشور در کرمان است.

سُنج اتفاقا به همین دلیل رتبه کرمان غیر قابل پذیرش بود!

من بحثم همین است. شما کشت زراعی را نباید با باغی مقایسه کنید. هزینه‌ای که در زراعت می‌شود، یک چهارم هزینه‌ای است که در باغات می‌شود.

سُنج اما استان‌هایی که جایگاهشان بهتر از کرمان بود، اصولا در کشاورزی از هر نوعش در مقایسه با استان کرمان حرفی برای گفتن ندارند!

پس در آمار شک کنید.

سُنج ۱۷۵ کیلومتری که شما فرمودید یعنی چقدر تسهیلات؟

بسته به سایز و نوع لوله، فرق می‌کند.

سُنج خوب؛ سر جمع چقدر تسهیلات دادید؟
هزار و ۷۳۰ میلیارد ریال.

سُنج تا اجرایی شدن طرح همیاران آب، خیلی فاصله دارید، درست است؟

بله؛ بایستی حتما منابع ملی تزریق شود. با منابع بانک‌ها دسترسی به اهداف این طرح امکان پذیر نیست.

سُنج پس چرا در جلسات این مطلب مطرح

قسمت عمده‌ی کشاورزان ما را پوشش می‌دهد.

آن‌ها هم که بیش از ۱۰ هکتار دارند، سند باغ را به عنوان پشتوانه تسهیلات می‌گیریم. این وسط اگر طرف چک برگشتی داشته باشد، من چکار می‌توانم بکنم؟ یا اگر کشاورزی سندش کم‌تر از سطح باغش است و اراضی ملی را تصرف کرده است، من چکار می‌توانم بکنم؟ یک سری مشکلات اجرایی وجود دارد.

سرنوشت کسانی که سال قبل این طرح‌ها را اجرا کردند و به آن‌ها تسهیلات نرسید، چه می‌شود؟

اگر کسی اجرا کرده باشد، می‌تواند بلاعوضش را کامل بگیرد. اگر سطح زیر کشت و از نظر فنی، مورد تایید جهاد باشد، پرداخت می‌شود.

تسهیلات کشاورزی بخاطر خشکسالی، مجدداً سه سال تمدید شد، درست است؟
گفتند به شرط تامین اعتبار از محل بند ۱۲. یک دستورالعمل هم چند روز پیش دادند که باید ببینیم چگونه است. عملاً هنوز به ما ابلاغ نشده است.

در خصوص خسارت سرمازدگی؛ پیشنهاد انجمن پسته ایران این بود که مانند آمریکا براساس میزان کاهش دما، میزان خسارت برآورد شود تا اعمال نظر و سلیقه‌های شخصی به حداقل برسد.

چون تخلفاتی چه نفع صندوق و چه به نفع کشاورز، اتفاق می‌افتاد. نگاه شما به این پیشنهاد چیست؟

در مبحث بیمه‌ی محصولات کشاورزی ما فوق‌العاده خوب عمل کردیم.

ما فقط برای ۲ محصول پسته و خرما بیش از ۶۳۰ میلیارد ریال پول پرداختیم. در یک شهرستان، کل اعتبار عمرانی آن شهرستان ۲/۵ میلیارد تومان بود، در همان شهرستان ما ۴/۵ میلیارد تومان خسارت پسته پرداخت کردیم. همراهی که بانک کشاورزی با خیلی از کشاورزان می‌کند، به چشم کسی نمی‌آید. شما می‌گویید آمریکا فلان کار را می‌کند. مگر کشاورز ما مثل کشاورز آمریکایی است؟ مگر باغات ما استاندارد آن‌جا را دارد؟

به نظر شما واکنش یک موجود زنده مثل درخت پسته به درجه‌ی هوا با این مباحث ربط دارد؟

من تخصصم پسته است، خلط موضوع نکنید. ما هیچ چیزمان مثل آمریکا نیست. پس خواهشا خودمان را با آمریکا مقایسه نکنیم.

برای ضابطه‌مند شدن جبران خسارات وارده به کشاورزان چه پیشنهادی دارید؟
ما بیش از ۳۰ سال داریم انجام می‌دهیم.

و همیشه هم حرف و حدیث است!
نه، این جور نیست.

یعنی روابط بر ضوابط غالب نمی‌شود؟
اصلاً چنین چیزی نداریم. استثنائاتی ممکن است داشته باشیم اما خوشبختانه غالبیت ندارد.

حتی گاهی وقت‌ها کشاورزان کارشناسان شما را فریب هم می‌دهند؟
بله، این را داریم.

چرا سراغ یک فرایند متکی بر آمار هواشناسی نرویم؟

ما باید کار دیگری بکنیم. قرار است اساسنامه صندوق ضمانت پسته عوض شود. صندوق بیمه مال بانک کشاورزی نیست. بانک کشاورزی فقط عامل کنترل اعطای تسهیلات است. ما این پول‌ها را هم به حساب مطالبات از دولت می‌گذاریم.

ما باید به سمت آمریکا برویم. آمریکا پرداخت بیمه‌اش بر مبنای درآمد است، نه هزینه!

ما در ایران روش بیمه‌مان هزینه است. یک کشاورز پیشرو ممکن ۱۰ تن پسته خشک تولید کند، حداقل ۴۴-۴۵ میلیون تومان پول است. با یک کشاورز معمولی که ۴۰۰ کیلو پسته تولید می‌کند، گزینه‌ی بیمه‌ی یکسانی دارند. نهایتاً ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تا ۴ میلیون تومان. آیا این درست است؟ آیا این انصاف است؟

یک جایی باید اساسنامه عوض شود. خوشبختانه ما پیشنهادات خوبی در این خصوص دادیم. کشاورزی که تناژش بالاتر است، با رقم بالاتری

بیمه کند، پول بیش‌تری بپردازد، موقعی هم که خسارت دید دریافت بیش‌تری بکند. اما قبول هم بکنید ما بیش از ۳۳۰ کارشناس کشاورزی در بخش بیمه داریم.

یک اشتغال‌زایی عجیبی را بدون این‌که در بوق و کرنا کنیم، ایجاد کردیم.

چرا باید چنین اشتغالی به کشاورزی استان تحمیل شود؟

پس چه کسی برود کارشناسی و بازدید بکند؟

من دلیل مخالفت شما با پیشنهاد انجمن پسته را دقیقاً متوجه نشدم!

الان فکر می‌کنید ما چند ایستگاه هواشناسی داریم. ما الان شهرستان داریم که ایستگاه هواشناسی ندارد. براساس چه آماری کنترل کنیم؟ آیا امکانات سخت افزاری و نرم افزاری وجود دارد؟ دلیل این که می‌گوییم ما را با آمریکا مقایسه نمی‌توانید بکنید، این است که آیا ارقام پسته ما یکسان است؟ در آمریکا در ده هزار هکتار، یک رقم است و یک واکنش را نسبت به دما نشان می‌دهد. اینجا در هر باغ ۶-۷ رقم پسته وجود دارد. هر رقم تفاوت معنی داری با دیگری دارد، باید با حضور فیزیکی بررسی شود.

نکته‌ای مانده که نپرسیدم؟
به هر کشاورز در حال حاضر برای مکانیزاسیون، سم‌پاش و کودپاش تسهیلات با سود ۱۷ درصد، ۵ ساله می‌دهیم.

یکی از نیازهای صنعت ایجاد واحدهای بزرگ فراوری و ضبط پسته است. در این خصوص تسهیلاتی دارید؟

اگر افرادی پیدا شوند که بخواهند در تناژهای بالا کار کنند، اداره بهداشت و جهاد کشاورزی باید واحدهای سنتی فراوری را حذف کنند. شما نمی‌توانید با بودن آن‌ها کار کنید. باید برای واحدهای بزرگ خوراک بیاید.

یعنی از نظر شما چنین طرح‌هایی توجیه اقتصادی ندارد؟

اگر صرفاً احداث واحدهای بزرگ بدون حذف سنتی‌ها باشد، اقتصادی نیست.

منصور معین فعال صنعت ضبط و فراوری پسته در گفت‌وگو با خبرنگار پسته مطرح کرد

انجمن پسته ایران نقش حکمیتی ایفا کند



در تمام سطح شهر نیست که این به بهداشتی‌تر شدن محیط زیست کمک می‌کند، میل به ایجاد واحدهای فراآوری کوچک کم می‌شود.

Aug فکر می‌کنید فعالان صنعت پسته اعم از خرده مالکان و عمده مالکان، چقدر دغدغه مسایل زیست محیطی دارند و بهداشت چقدر برای‌شان مطرح است؟

در زمان ضبط پسته اگر رعایت بهداشت نشود، بیمارستان‌های ما از بچه‌ها و افرادی که به اسهال و استفراغ مبتلا شده‌اند پر می‌شود و انتقال آن هم از طریق مگس و آلودگی‌های دیگر است. من به شخصه خودم دارم می‌بینم که چقدر مردم به تمیز بودن محیط اهمیت می‌دهند

چیست؟

دلیل اول اینکه ظرفیت ترمینال‌های بزرگ موجود در شهرستان‌ها جواب‌گوی همه‌ی پسته نیست و ثانیاً همه علاقه دارند این کار را خودشان انجام دهند. یعنی مالکینی که پسته کمتری دارند، از نیروی کاری خانواده‌شان استفاده می‌کنند.

Aug فکر می‌کنید اگر تعداد واحدهای فراآوری بزرگ در منطقه با محصول متناسب شود میل به ایجاد واحدهای فراآوری کوچک کم می‌شود؟

بله؛ با آلودگی‌هایی که در سطح شهرها و روستاها در زمان ضبط پسته توسط واحدهای کوچک به وجود می‌آید، از آنجا که واحدهای بزرگ برای پس مانده‌ها می‌توانند سرمایه بگذارند و پراکندگی نخاله‌های پسته

ماهنامه پسته - منصور معین یکی از فعالان شناخته شده صنعت پسته در رفسنجان است که مدیریت یک واحد ضبط و فراوری پسته در رفسنجان را دارد. انتشار گزارشی از روند ضبط پسته در استان کرمان در خبرنامه شماره ۱۰۳ انجمن پسته ایران، واکنش این فعال صنعت پسته را در پی داشت.

معین ضمن دفاع از عملکرد واحدهای بزرگ ضبط و فراوری پسته، برخی اظهارات مطرح شده در خصوص واحدهای بزرگ ضبط را خلاف واقع و نادرست دانست. با او به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانیم.

Aug آقای معین! فکر می‌کنید دلیل رونق گرفتن و زیاد شدن کارگاه‌های کوچک فراآوری

متأسفانه بدلیل مشکلاتی که صنعت پسته ایران با آن روبرو است؛ مثل مساله کم آبی و سن بالای درختان خصوصا در منطقه کرمان شاید گرایش چندانی نباشد. ولی جاهای دیگر شروع کردند و فعلا از نظر آب و سن درختانشان آینده خوبی می‌توانند داشته باشند. مثلا ما دامغان و خراسان را داریم.

دو نفر از مشتری‌های من از دامغان هستند و پسته‌شان را بدون هیچ گونه مشکلی، تحویل می‌گیرند.

Aug در یک نگاه واقع بینانه، ظرفیت واحدهای بزرگ فرآوری که کار با کیفیت ارائه می‌کنند چقدر است؟

تعدادشان کم است و خرده مالکان مشکل اساسی هستند.

Aug به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی آسیب جدی خورده است و اعتماد کردن حداقل مثل گذشته نیست. نظرتان شما چیست؟

این بستگی به عملکرد هر ترمینالی دارد. بعضی از ترمینال‌ها واقعا خوشنام هستند و مردم با خیال راحت پسته‌شان را آنجا می‌دهند.

به نظر من حالا که انجمن پسته مورد مشورت یک سری تولید کننده قرار گرفته، این وظیفه بر عهده انجمن پسته است که ترمینال‌های خوشنام را که به آنها اعتماد دارد را معرفی کند تا آن دسته از افرادی که مشکلی در کارشان است، فکری کنند و کیفیت را بالا ببرند.

Aug شما در واقع معتقد هستید که انجمن نقش حکمیت ایفا کند؟

حتما.

Aug قاعدتا ملزومات و بستری را نیاز دارد؟

بله شکی نیست.

Aug خود شما تمایل دارید که انجمن پسته در این بخش دخالت کند؟

بله؛ حتما.

Aug حتی اگر رای این حکمیت برخلاف منافع شما باشد؟

من خوشحال می‌شوم و خودم را هم اصلاح می‌کنم.

گود گذاشتیم، زمانی بود که مساله افلاتوکسین داشت بر روی اقتصاد پسته تاثیر می‌گذاشت و دائم بهانه می‌آوردند.

ما تصمیم گرفتیم که کار خوبی را ارائه دهیم و بخش صنعت این قسمت هم واقعا قدم‌های خوبی برداشت. اگر امروز شما به هر قسمت از ترمینال‌های بزرگ بروید می‌بینید که از دستگاه‌های استاندارد استفاده می‌کنند و پسته‌ای که از این ترمینال‌ها بیرون می‌آید به نظر من تمیزتر از پسته‌های ضبط‌های خانگی است. من در هر صورت جوابگوی مشتری هستم. تولید کننده نمی‌خواهد کار بد من باعث افت قیمت پسته‌اش شود.

Aug تایید می‌کنید که خروجی همه‌ی واحدهای فرآوری یکسان نیست؟

دقیقا مثل بقیه موارد. بالاخره کیفیت یک محصول بستگی به مدیران آن قسمت دارد.

Aug پس تایید می‌کنید ممکن است رفتار یک واحد فرآوری تصویری را از واحدهای فرآوری بزرگتر در ذهن خرده مالکان ایجاد کند که گرایش به سمت واحدهای خانگی بیش‌تر شود؟

شاید در گذشته این امکان بود که اتفاق بیافتد. ولی در حال حاضر به علت هزینه‌های بالای این ماشین‌آلات من فکر می‌کنم این امکان دیگر وجود ندارد.

بهتر است که وزارت کشاورزی مشوق شود و وام‌های با بهره کم در اختیار یک تعداد از افرادی بگذارد که توسط خبرگان صنعت پسته تایید شده باشند مبنی بر این که مثلا ایشان قادر است به تنهایی یک ترمینال ضبط پسته داشته باشد.

Aug چه تضمینی وجود دارد که این تسهیلات منحرف نشود؟

ما باید مثل بقیه صنوف یک سیستم بازرسی بوجود آوریم.

Aug از طرف؟

یا ترمینال‌داران یا انجمن پسته ایران.

Aug شما فکر می‌کنید که چقدر نیاز است که واحدهای بزرگ ضبط و فراوری ایجاد شود؟

► یک مثال می‌زنم در تمام دنیا یک قانون در رابطه با نکشیدن سیگار در محیط‌های بسته گذاشتند. در ایران این قانون نبود، ولی خود مردم نخواستند که در محیط بسته سیگار باشد.

یعنی ساختار فرهنگی ما سریع یک مطلبی را می‌گیرد و اگر ببیند که خوب است به اجرا می‌گذارد.

Aug کشاورزان معتقد هستند که هزینه فرآوری پسته در واحدهای بزرگ گرانتر از آن چیزی هست که خودشان ضبط کنند. شما این را تایید می‌کنید؟

اگر نقطه‌ای به آن نگاه کنیم، شاید درست باشد. ولی اگر پسته نزد ترمینال‌های بزرگ برود و این ترمینال‌های ضبط هم برنامه داشته باشند و به خوب ضبط کردن پسته، تعهد داشته باشند، نهایتا بر روی صادرات پسته اثر مطلوبی می‌گذارد و سود آن به جیب تولید کننده برمی‌گردد.

Aug اتفاقا تولید کنندگان معتقدند اشکالی که در بازار پسته ایران وجود دارد این است که این سود به تولید کننده بر نمی‌گردد. هیچ وقت در بازار تفاوتی بین پسته تمیز و آلوده دیده نمی‌شود و حتی بعضا صادر کنندگان این پسته‌ها را در هم می‌کنند!

متأسفانه این دیگر مشکل قسمت فرآوری پسته نیست. این مشکل از بازرگانی و تجارت ماست.

Aug نهایتا تولید کننده براساس خروجی این سیستم تصمیم می‌گیرد که چه رفتاری از خودش بروز دهد!

خوب؛ در این که شکی نیست.

مثل اتفاقی که امسال در سیرجان افتاد. براساس شنیده‌هایم که یک مقدار از پسته‌ها به چین رفته است و این پسته‌ها این قدر اشغال بوده‌اند که اجازه ورود به بازار را به آنها ندادند.

ضرر این کار را هم تولید کننده و ترمینال‌دار و بخش بازرگانی و بطور کلی اقتصاد مملکت می‌دهد. اگر بتوانیم یک محصول با کیفیت تولید کنیم شکی نیست که تاثیرش را در زندگی تک تک کشاورزان می‌گذارد.

Aug فکر می‌کنید کارنامه واحدهای بزرگ فرآوری چقدر قابل دفاع است؟

زمانی که افرادی مثل من یا بزرگ‌تر از من پا در این

یک کشاورزان پیشگام تولید پسته در فیض آباد در گفت و گو با ماهنامه پسته مدعی شد

کرمانی ها نقشی در پسته کاری خراسان نداشتند



ماهنامه پسته - رضا نام آور فیض آبادی از کشاورزان پیشگام تولید پسته در فیض آباد است. با او در خصوص چگونگی توسعه کشت پسته در خراسان به گفت و گو نشستیم که می خوانید.

آقای نام آور! چه شد که وارد کار باغداری پسته شدید؟

پسته کاری در محل ما سابقه قدیمی دارد. در باغمان که ارث پدری است، درختی است که پدرم می گفت: این درخت قبل از تولد پدرم بوده است. پدرم متولد سال ۱۲۴۵ بود.

یعنی پدر بزرگ شما پسته کاری می کرده است؟

بله! الان هم آن درخت هست. از قدیم الایام پسته کاری در فیض آباد بوده ولی کم بوده، در سطح چند درخت بوده. ما از سال ۱۳۵۳ چاه موتور زدیم و شروع کردیم به پسته کاری.

۵۳ قطعاً شما کشاورزی هایی داشتید که متکی بر آب قنات بود درست است. در منطقه چه قنات هایی دایر بود؟
در محل ما چهار قنات بود؛ فیض آباد، شور آب، واقف و حمدی.

میزان آبدهی این قنات ها چقدر بود؟
هر کدام تقریباً هشت اینچ آب می دادند.

همه ی کشاورزی منطقه فیض آباد، با استفاده از این چهار قنات انجام می شد؟
منطقه فیض آباد از همین چهار تا قنات استفاده می کرد.

یادتان هست اطراف فیض آباد چه قنات های دیگری بود؟

دوغ آباد، عبدل آباد، همت آباد، خیر آباد، مهنه.

حدوداً چند قنات بود؟
در بخش ما که مهولات بود، تقریباً بیست قنات بود.

پدر شما چقدر پسته کاری می کرد؟
در حد ۵ تا ۱۰ درخت در باغشان داشتند.

این درخت ها، همان ۵ تا ۱۰ درخت

این تعداد درخت لابد در حد مصرف خودشان بود؟

در حد مصرف بود، پسته ای هم نمی داد. پسته هایشان دهن بست و کوچک بود. درآمد خوبی هم از نظر کشاورزی نبود. وسیله نبود، سم و این ها نبود.

رقم پسته ای که می گوئید بادامی بود؟
زمان ما بادامی بود.

پسته های قدیمی چه بود؟
پسته قرمز و بادامی بود.

چه کسی برایتان پیوند زد؟
اشخاص قدیمی بودند که یاد داشتند.

از کجا یاد داشتند؟ محلی های منطقه بودند؟

درخت های گوجه سبز و زردالو و ... را پیوند می زدند، تقریباً یاد داشتند.

پیوندک را از کجا فراهم می کردند؟
از خود فیض آباد. از درخت های قدیمی.

از درخت های قدیمی قهرمانیه؟
بله. (کسانی که پیوند گوجه سبز، زردالو و ... می

زدند، روی پیوند پسته هم فعالیت کردند).

پدرشان بود یا اینکه ایشان هم کاشته بود؟
خیر ایشان نکاشته بود. همان درخت ها را حفظ کرده بود.

آن درخت ها هنوز هم هستند؟
هنوز سه، چهار تا از آن درخت ها هستند.

در منطقه که پدر شما فقط چند درخت پسته داشتند. فرد دیگری در منطقه پسته

کاری به معنای امروزی نداشت؟
نه؛ باغات وسیع و بزرگ نداشتند.

حداکثر چند تا داشتند؟
آقای قهرمان مالک باغ های قهرمانیه بزرگ آنجا بود که تقریباً هفت، هشت هزار متر باغ داشتند. باغ

بیشتری نبود. همان سال ۱۳۱۱ که من متولد این سال هستم در همان زمان همین میزان کشت پسته بود.

ایشان پسته کاری را از کجا آورده بود؟
از اولاد قجر بودند، اینکه از کجا آورده بودند نمی دانم.

به غیر از آقای قهرمان که حدود هفت،

هشت هزار متر باغ پسته داشتند، مردم محلی باغ پسته نداشتند؟

در حد ۵ تا ۱۰ درخت پسته داشتند.

► **سوال** اولین کسی که در آن منطقه بعد از آقای قهرمان تصمیم گرفت که باغ ریزی پسته کند، چه کسی بود؟

اولین کسی که در محل و در فیض آباد ما پسته کاری را شروع کرد من بودم و آقای به نام علی اکبر بزمی. **سوال** کدامتان زودتر شروع کردید؟

همزمان با هم و در کنار هم چاه موتور زدیم. **سوال** چه شد که تصمیم گرفتید با هم باغ پسته بزنید؟

پیرمردی بود به نام آقای محمدحسین معینی که از اهالی فیض آباد بود. کشاورزی نداشت ولی رفت و آمدش به تهران و رفسنجان و اینجاها خیلی بود. ایشان تشویق می کردند که پسته کاری خیلی خوب است و خودشان اول یک هکتار در فیض آباد کاشتند.

سوال قبل از شما کاشتند؟

با هم شریک شدیم. چاه موتور زدیم. **سوال** پس شما با آقای بزمی و آقای معینی یک چاه موتور زدید و پسته کاری را شروع کردید؟

بله. **سوال** کس دیگری شریک شما بود؟

نه. **سوال** سطح زیر کشتی که برای شروع به باغ پسته اختصاص دادید چقدر بود؟

ده هکتاری شروع کردیم. **سوال** چرا ده هکتار؟

مطابق آلمان. ده هکتار زمین که زراعت می کاشتیم، ضمن زراعت کاری، چغندر کاری و ...، پسته هم وسطشان کاشتیم.

سوال محصولات زراعی تان چی بود؟

چغندر، پنبه، جو. **سوال** شما قبل از این چاه موتور، قنات داشتید درست است؟

بله. **سوال** قناتان خشک شد؟

قناتمان کم آب شد. الان ادامه اش هست، ولی خیلی کم. **سوال** اسم قناتان چه بود؟

قنات فیض آباد. **سوال** چقدر حق آبه داشتید؟ سهم شما از

قنات چقدر بود؟

۱۲ ساعت از ۱۴ شبانه روز.

سوال چه سالی به کم آبی قنات خوردید؟

سال ۱۳۴۵ به تدریج آب قنات کم شد.

سوال به نظر شما اصلاحات ارضی چه تاثیری روی کشاورزی منطقه گذاشت؟

تقسیم اراضی که شد کشاورزی از بین رفت.

سوال اراضی شما هم تقسیم شد؟

نه؛ از قهرمانی ها تقسیم شد.

سوال به نظر شما اصلاحات ارزی کشاورزی

منطقه را از بین برد؟

تا وقتی که قهرمانی ها خودشان بودند، کشاورزی شان خوب بود. بعد که اصلاحات ارضی شد، به دست خرده مالک رسید، نتوانستند برداشت کنند.

سوال می خواهید بگویید که خرده مالک ها بلد نبودند تولید کنند؟

خرده مالک ها بلد نبودند اداره کنند.

سوال بعد از اصلاحات ارضی چگونه از قنات ها نگهداری می شد؟

بزرگ ترهای محل بودند که کارگر می گرفتند و کارها را پیش می بردند.

سوال شرکا سهم شان را از مخارج نگهداری قنات می دادند؟

برخی می دادند و برخی نمی دادند، کارشان مختل شد. کم کم عملاً قنات ها کم آب و خشک شدند.

نتیجه اش این شد که در منطقه موتور زدند و آب را به وسیله موتور کشیدند، قنات ها کم آب شد.

سوال یعنی در بالا دست قنات ها یا در حریم قنات ها چاه حفر کردند؟

بله. **سوال** کسی به این قضیه اعتراض نکرد؟

همین مالک ها بودند.

سوال یعنی خود کسانی که در قنات سهم داشتند، بالای دست خودشان چاه موتور زدند؟

بله. **سوال** اولین چاه های عمیق را چه کسی زد؟

فقط قهرمانی بود. **سوال** منظورم بعد از قهرمانی است؟

من بودم.

سوال شما سال ۱۳۴۹ چاه موتور عمیق زدید و آبتان هم خیلی زیاد شد با این آب چه محصولاتی تولید می کردید؟

در آن زمان پنبه، جو، گندم، چغندر، زیره سبز و خربزه.

سوال این محصولات آن زمان اقتصادی بود؟

تقریباً. **سوال** شما خودتان چند حلقه چاه داشتید؟

در آن زمان ما یک چاه موتور شریکی زدیم. همان سال ۱۳۴۵ بنا شد چاه نیمه عمیق بزنند. تا آن سال چاه موتور نبود. بیشتر زمین های اجداد ما دیم کاری بود. در همان زمین های دیمه کاری آمدند و هر چند سهمی که در یک زمین شریک بودند، چاه موتور نیمه عمیق زدند.

سوال عمق چاه چند متر بود؟

۱۸ متر که گود کردیم، به آب رسیدیم. با یک موتور شانزده اسب، پنج اینچ آب می کشیدیم. فشار آب خیلی زیاد بود.

سوال تا چه مدت وضعیت آب تان خوب بود؟

تقریباً تا سال ۱۳۶۰ با همان نیمه عمیق کار می کردیم. البته سال ۱۳۴۹ چاه را عمیق کردیم.

سوال آن موقع چاه کم آب شده بود که مجبور شدید چاه را عمیق کنید؟

نه طمع آب بود. گفتیم که از ۵ اینچ بیشتر آب بکشیم.

سوال بعد که چاه را عمیق کردید، چقدر آب دهی چاه تان تغییر کرد؟

همه موتور هشت اینچ زدیم و هشت اینچ آب می کشیدیم.

سوال عمق چاه تان چقدر شد؟

عمق چاه ما ۱۰۰ متر تا ۱۲۰ متر. **سوال** چطور پروانه گرفتید؟

آن زمان هنوز پروانه نبود. اول ما بدون پروانه چاه زدیم، بعد آمدند و پروانه صادر کردند.

سوال حاج آقا! موتور پمپ ها گران نبودند؟

نه؛ گران نبودند. موتورهای عمیق که ما راه می انداختیم، تقریباً چهل هزار تومان درمی آمد.

سوال البته چهل هزار تومان آن زمان کم نبود؛

بله؛ نسبت به ارزانی محصول، کم نبود. **سوال** پس هرکسی هم نمی توانست چاه عمیق بزند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

بزنند!

► بله؛ می‌بایست افرادی باشند که وضع مالی‌شان در حدی باشد که بتوانند چاه بزنند. اولین کسی که چاه موتور زد، آقای قهرمانی در سال ۱۳۴۰ بود. بعد تا چند سالی چاه موتور نیمه عمیق بود.

سُنی از چه سالی همه شروع کردند به زدن چاه عمیق؟

وقتی مردم دیدند که آقای قهرمانی چاه موتور عمیق زده و آب خیلی دارد، درآمد زیاد دارد، تشویق شدند که با قرض و دین، هر ده یا بیست نفر یک چاه موتور عمیق زدند.

سُنی چاه موتور شما چند نفر با هم شدید؟
زمین‌های ما ارثی بود. دیمه کاری پدری‌مان با پسرعموهایمان دو تا چاه موتور عمیق زدیم.

سُنی یعنی چند نفری، دو چاه موتور عمیق زدید؟

سه برادر بودیم. پسرعموهایمان هفت برادر بودند. خلاصه دو چاه موتور را سر بیست قسمت زدیم. یعنی سهم هر کس ۲ شبانه‌روز بود. در هر کجا هر کسی که یک فامیلی داشت، به نام دیمه کاری نیمه عمیق زدند و بعد عمیق کردند.

سُنی شما از سال ۴۹ تا ۵۳ نزدیک چهار سال محصولات دیگر غیر از پسته تولید می‌کردید و سال ۵۳ رفتید سراغ پسته. از کجا نهال تهیه کردید؟

دو سال اول را زراعت می‌کردیم چغندر قند و محصولات و جالیزی می‌کاشتیم. وسط‌شان را ردیف درخت پسته کاشتیم. بعد که درخت‌ها را پیوند زدیم، محصولات جالیزی و چغندر قند را کنار گذاشتیم و به درخت‌های پسته منحصر شد. خودمان در گلدان کاشتیم.

سُنی چند نهال کاشتید؟
تقریباً دو هزار و پانصد نهال کاشتیم. هم اینکه گود می‌کردیم پسته می‌کاشتیم هم اینکه با پلاستیک می‌کاشتیم. اگر پسته ای که اول با گود کردن زمین کاشتیم، سبز نمی‌شد، به جایش پلاستیک می‌نشاندیم.

سُنی این کارها را از کجا یاد گرفتید؟
سلیقه روستایی خودمان.

سُنی یعنی هیچ کس نبود که به شما مشورت دهد؟

ما به سلیقه، عقیده و نظر خودمان کاشتیم.

سُنی آقای معینی هم مشورتی به شما نمی‌داد؟

نه؛ همه همینطور می‌کاشتند. اول همه در زمین می‌کاشتند. بعد به این فکر شدند که در پلاستیک هم بکارند که برای تابستان خشک می‌شود جایش بنشانند.

سُنی آقای معینی در این پسته کاری نقشی داشت؟

نه کاری نداشت. خودش پسته نکاشت. تهران بود گهگاهی می‌آمد و سری می‌زد و می‌رفت.

سُنی فاصله درختانتان چقدر بود؟
زمانی که ما پسته کاشتیم شش متر در شش متر کاشتیم.

سُنی شما مدعی هستید که کرمانی‌ها و رفسنجان‌ها نقشی در پسته کاری خراسان نداشتند؟

در اول نه. بعد که پیوند زدند، از رفسنجان و کرمان آمدند و شاخه پسته را آوردند. کرمانی‌ها پیوند زدند و مردم همه عادت کردند.

سُنی از چه سالی کرمانی‌ها برای پیوند زنی آمدند؟

همان سال ۶۰ و ۶۵.

سُنی چی پیوند می‌زدید؟
اول پسته قرمز و پسته سفید (همان بادامی). بعد کم کم پسته علی اکبری و کله قوچی باب شد. اما اکثراً پسته سفید می‌کارند و ما پسته علی اکبری.

سُنی شما پسته فندق می‌دارید؟
بله.

سُنی از کدام یکی از این ارقام بیشتر نتیجه گرفتید؟

همان پسته سفید که ما می‌گوییم فندق، همان از همه درآمدش بیشتر است. پسته علی اکبری مرغوبتر است ولی قیمت و بازدهی‌اش کمتر است. محصولش کمتر است.

سُنی چه سالی سطح باغاتتان را توسعه دادید؟

۱۳۶۰ ده هکتار کاشتم. سال ۱۳۷۰ شروع

کردم به وسعت دادن و تکثیر کردن باغات.

سُنی چرا تصمیم گرفتید که سطح پسته کاری‌تان را افزایش دهید؟

اول با چاه موتوری که داشتیم، گندم و چغندر می‌کاشتیم. سالی سیصد تن گندم تحویل پیشرو می‌دادیم. صد تن پنبه تحویل می‌دادیم. به تدریج که آلمان کم شد محصولمان هم کم شد.

سُنی چرا محصولات دیگر را حذف می‌کردید، پسته هایتان را از آب نمی‌انداختید؟

پسته از بقیه محصولات اقتصادی تر بود. از همه بیشتر درآمد داشت. تا جایی که می‌توانستیم برای تابستان پسته می‌کاشتیم.

سُنی چگونه محصول پسته‌تان را می‌فروختید؟
می‌آمدند و برای بازار می‌خریدند.

سُنی کی می‌خرید؟
از قزوین و تهران می‌آمدند و پسته‌تر را با پوست می‌خریدند و می‌بردند برای بازار.

سُنی یعنی تمام پسته‌تان مصرف تازه خوری داشت؟
بله.

سُنی اصلاً پسته را خشک نمی‌کردید؟
به قدر مصرف خودمان خشک می‌کردیم.

سُنی چطوری پسته را پوست می‌گرفتید؟
اول با دست. بعد کرمان و رفسنجان دستگاه پوست کن آمد که دستگاه یک تنی خریدیم. ساعتی یک تن پسته را پوست می‌کند.

سُنی چه سالی؟
همان سال‌های ۶۰ و ۶۵.

سُنی کارگر ماهر از کجا می‌آوردید؟
کارگر معمولی بود. مهارت پسته باخودمان بود هر دستوری که می‌دادیم کارگر کار می‌کرد.

سُنی خودتان بالای سر کارگرها بودید؟
بله.

سُنی فکر می‌کنم از سال ۱۳۵۸ باغاتتان به ثمر نشست بود. درست است؟

سال ۵۸ هنوز پسته‌ای که قابل ذکر باشد نداشت. از سال ۶۰ درآمد پسته داشتیم که به بازار می‌دادیم.

سُنی اولین برداشت محصولتان چقدر بود؟
هر درخت ۱۲ تا ۱۵ کیلو پسته تر.

سُنی چند تا درخت داشتید؟





کشاورزی منطقه تاثیری نداشتند؟ حتی به شما سم یا کود خاصی توصیه نکردند؟

بله؛ کود و سم سفارش می‌کنند.

سئو اولین باری که سم پاشی کردید، کی بود؟

یادم نیست مربوط به خیلی سال قبل است.

سئو سم را از کجا تهیه می‌کردید؟

آفت غالب منطقه ما پسپیل است و تقریباً از سال‌ها ۶۹،۷۰ مبارزه با پسپیل خشک شروع شد و گرنه قبل از آن مبارزه بیشتر با عوامل و حشرات طبیعی انجام می‌شد پسته کاری که در سطح وسیع گسترش پیدا کرد آفات هم بیشتر شد آفت غالب منطقه ما پسپیل، شیرخ خشک هست و کنه که بیشتر اذیت می‌کنند و خوشبختانه آفات دیگر نیست.

بیشتر سم فروشی آقای مهندس حیدری در تربت حیدریه بود که ایشان تخصصشان در کار سموم بود و توصیه را ایشان انجام می‌دادند.

سئو برای اولین بار کود شیمیایی را چه زمان مصرف کردید؟

همیشه کود دامی استفاده می‌کردیم. الان هم مصرف کود دامی ادامه دارد. یکسال در میان کود دامی می‌دهیم. کود دامی را بیش تر از شیمیایی قبول دارم.

ما می‌خریدند و می‌بردند رفسنجان که دستگاه داشتند.

سئو برای شما اقتصادی بود که به کرمانی‌ها بفروشید؟

در آن زمان بله خوب بود.

سئو از رفسنجان کی می‌آمد پسته‌هایتان را می‌خرید؟

آقای حسین حسینی هر سال می‌آمد پسته ما را می‌خرید. خیلی‌ها می‌آمدند ولی من با او قرارداد بسته بودم. قبل از پسته تکانی باغات را می‌دید روی قیمت به توافق می‌رسیدیم. ماشین می‌آورد سر زمین پسته را با شاخه‌اش، می‌ریختیم در ماشین و وزن می‌کردیم و پولمان را می‌گرفتیم.

سئو تا چه سالی پسته‌تان را به رفسنجان‌ها فروختید؟

از سال ۷۰ پسته ما را می‌خرید و هنوز هم ادامه دارد. گاهی می‌خرد و گاهی هم خودمان خشک می‌کنیم.

سئو شما دستگاه ضبط نخریدید؟

نه.

سئو چرا؟

گفتیم که راحت تر است. البته من تنها بودم و پسرانم نبودند که کمک‌مان بدهند. امسال دارند دستگاه پسته پاک کنی می‌زنند.

سئو گفتید کرمانی‌ها، رفسنجان‌ها در

دو هزار درخت.

سئو قاعدتاً برای برداشت کارگر زیاد می‌برد؟ بله.

سئو پسته چینی‌تان چند روز طول کشید؟ بستگی به کارگر داشت.

سئو شما چند کارگر می‌گرفتید؟

ما از اطراف کارگر می‌آوردیم روزی ۲۰ تا ۲۵ تا. با این تعداد کارگر چند روز کارتان طول می‌کشید؟ تقریباً ۲۰ روز با ۲۵ کارگر طول می‌کشید.

سئو در خود منطقه تقاضایی برای خرید خشک وجود نداشت؟

کسانی که پسته برای مصرفشان خشک کرده بودند پنجاه کیلو، صد کیلو در خانه‌شان داشتند از آن‌ها می‌خریدند. برای تهران و اطراف.

سئو آئین موقع پسته کیلویی چند بود؟ زیر ده تومان بود.

سئو از چه سالی محصولاتان زیاد شد و به این فکر افتادید که باید دستگاه بخرید؟ از سال ۷۰ محصولاتان به اوجش رسید.

سئو در صحبت‌هایتان گفتید که پسته را تفرش می‌کردید. چه نیازی داشتید که در سال‌های ۶۰ تا ۶۵ دستگاه پوست کنی بخرید؟ کارگر داشتیم که پسته‌هایی که پوست نمی‌شد را جمع می‌کرد. پسته‌ها را می‌شستند و آفتاب می‌کردند خیلی زحمت داشت.

سئو پسته را چگونه خشک می‌کردید؟

زمین‌ها را سیمان می‌کردیم روی زمین‌های سیمانی آفتاب می‌کردیم.

سئو چند روز می‌گذاشتید که پسته در آفتاب بماند؟ ۴۸ ساعت.

سئو پسته را چگونه می‌شستید؟

هر کس یک دستگاه برای خودش و به سلیقه خودش درست کرده بود. ما یک تریلی درست کرده بودیم که کفش ورق سوراخ و حالت صافی بود پسته‌ها را در این تریلی می‌ریختیم. بعد با فشار آب موتور سم پاش می‌شستیم بعد خالی می‌کردیم در آفتاب.

سئو تا چند سال با این روش کار می‌کردید؟ سه، چهار سال.

سئو بعد رفتید دستگاه خریدید؟

نه. کسانی بودند که پسته را با پوست و شاخه از

ذوالفقار ذوالفقاری کشاورز پیشرو در خراسان:

شرکت چین چین چاه عمیق زدن را در منطقه شروع کرد



سُنج مگر زدن چاه‌های نیمه عمیق هزینه نداشت چرا کاری جهت احیای قنات‌ها انجام ندادید؟

قنات‌ها خرده مالک بودند و میان مالکان اتفاق نظر نبود. یک قنات بود که اگر می‌خواستیم آباد کنیم، باید ۵۰-۶۰ نفر مشارکت می‌کردند. ولی در منطقه ما، و محدوده روستایی که زندگی می‌کردیم، ۱۴ چاه نیمه عمیق حفر شد که هر چاه ۲۳-۲۴ ساعت بود. همه‌ی مردم مالک شدند. با زراعت و آب کم چاه‌های نیمه عمیق سیزده سال را چرخاندیم. آب هم چهار اینچ بود.

سُنج آن زمان نیاز به گرفتن مجوز بود؟ خیر. اشخاص در هر منطقه‌ای که می‌رفتند چاه می‌زدند و هیچکس به آنها کاری نداشت.

سُنج این که هر کس، هر جا برسد چاه بزند، باعث دعوای محلی نمی‌شد؟

خیر، ما دیمه‌زار داشتیم. هر شخص مالک دیمه زارهای خودش بود و در همان دیمه‌زارها چاه می‌زدیم.

سُنج فاصله‌ی بین چاه‌ها چقدر بود؟ بین چاه‌ها چقدر حریم نگه می‌داشتید؟

بله؛ هزار تا ۲ هزار متر، حریم داشتند. پایین روستای ما کویر بود.

سُنج کیفیت آب آن زمان چگونه بود؟ خوب بود. آب آشامیدنی بود و فشار آب هم خیلی زیاد بود. یعنی چاه ۶-۷ و ۸ متر در خود روستا، ۱-۱/۵ متر آب داشت. سیزده سال به همین منوال با زراعت کم، آب کم و درآمد کم، نیمه عمیق‌ها را چرخاندیم. بعد از سیزده سال، شرکت چین چین به منطقه‌ی ما آمد و روستایی را خرید و عمیق زدن چاه را شروع کرد.

سُنج اولین چاه‌های عمیق را شرکت چین چین زد؟

اولین چاه‌های عمیق را قبل از ما که جوان بودیم، شخصی به نام اعتمادی در عبدالله‌آباد زده بود.

سُنج عمیق یعنی چند متری؟ یعنی ۱۰۰ متر. آن چاه هم به نام سازمان بود.

ماهنامه پسته - ذوالفقار ذوالفقاری متولد ۱۳۱۶ است. او از سال ۱۳۳۲ کشاورزی می‌کند؛ کشت‌های زراعی و بعد هم باغی. کار دامداری اش را هم تعطیل کرده است و در نهایت همه‌ی فعالیت‌هایش را معطوف به پسته کرده است. با او به گفت‌وگو نشستیم تا از خاطرات و تجاربش بشنویم که می‌خوانید.

سُنج آقای ذوالفقاری! کشاورزی را با چه روشی شروع کردید؟

در استان خراسان، کارهای کشاورزی را با گاو انجام می‌دادیم و کشت‌ها به صورت سنتی بود.

سُنج چه محصولی تولید می‌کردید؟ جو، گندم، زیره، پنبه و چغندر.

سُنج در چه منطقه‌ای؟ فیض‌آباد مه ولات. سال ۱۳۴۲ که اصلاحات ارضی شد، تقسیم اراضی شدو همه‌ی قنات‌ها خشک شد.

سُنج چرا قنات‌ها خشک شد؟ شاید، به دلیل اینکه بعد از اصلاحات ارضی، ارباب‌ها در نگهداری قنات‌ها کوتاهی می‌کردند. خرده مالک‌ها هم قنات‌ها را جزو اموالشان نمی‌دانستند.

سُنج چند قنات در آن منطقه بود؟ از طرف اتوبان اول، میانه‌هی، فتح آباد، جنت‌آباد، ریگی، الویی، نصرویی، قهرمانیه، قربان‌آباد، شمس‌آباد، دانیال و بالاتر هم نزدیک فیض آباد، همت‌آباد و فتح آباد که از ما بالاتر بودند. ما پایین مه ولات هستیم. قنات‌ها کلاً خشکیدند.

سُنج قنات‌ها کوهستانی بودند؟ خیر، کویری بودند. قنات‌ها در کویر یزد بود که خشک شدند، بعد به چاه‌های نیمه عمیق روی آوردیم.

سُنج یعنی همان محل چشمه را جستجو میکردید و جلو می‌رفتید؟

خیر، همه‌ی منطقه ما شش متر زیر زمین آب بود.

سُنج ولی قنات‌ها خشک شده بود؟ قنات‌ها روی زمین بود، قنات که نمی‌توانست شش متر پایین برود. بیست سانتیمتر که آب قنات پایین‌تر رفت دیگر آب نداشت. قنات‌ها خشکیدند و ما سال ۱۳۴۳ نیمه عمیق زدیم.

سازمان به معنای اینکه کل محل شرکت کرده بودند. آن زمان اعتمادی شخصی بنام بود که بالای روستای خودش یک چاه عمیق زده بود. چاه‌ها به قدری آب داشت که ده نفر نمی‌توانستند جلوی آبش را بگیرند. خیلی فشار آب زیاد بود. تقریباً سال‌های ۴۰-۴۲ که اصلاحات ارضی آمد، ملک‌ها را گرفتند و چاه‌ها را زدند.

سُنج شرکت چین چین کدام روستا را گرفت؟ خرم‌آباد. این روستا هم مال قهرمان بود. پروانه بیست چاه عمیق را گرفت که ۱۰ تا را در یکسال شروع کرد. نیمه عمیق‌های ما هم در محدوده این‌ها بود.

سُنج عمق چاه‌های ایشان چند متری بود؟ ۱۰۰ متری بود.

سُنج در کل چند حلقه چاه حفر کرد؟ ۲۰ چاه در یک روستا حفاری کرد. محدودیت زیاد بود ۱۰ چاه را موتور گذاشت ۱۰ چاه دیگر را انقلاب گرفت و مصادره شد و بین مستعطفان تقسیم شدند.

سُنج بین محلی‌های همان منطقه تقسیم شدند؟

بله.

سُنج ده تای دیگر چه؟ دست خودش بود و فروخت.

سُنج تا چه سالی دست خودش بود؟ همان ۵۲-۵۳. قبل از انقلاب فروخت.

سُنج ۱۰ چاهی هم که ماند در واقع سال ۱۳۵۷؟

بین محلی ها تقسیم شدند؟
بله.

سُنج علت اینکه ده تا از این چاه ها را همان سال ها فروخت این نبود که کم آب شده بودند؟ هنوز کم آب نشده بودند. هنوز ما عمیق نزده بودیم.

سُنج چه کسانی این چاه ها را خریدند؟ مشهدهای. از محل خودمان یکی دو تا خریدند.

سُنج یادتان هست که چه کسی چاه ها را خرید؟

حاج محمد بزمی بود که خدا رحمتشان کند دو سال پیش فوت کردند. پدرشان مال منطقه فیض آباد و پسته کار قدیمی بودند. یک چاه را هم کسی به نام محمود کیانی که با دو، سه نفر دیگر شریک بود، خریدند. بقیه را هم مشهدهای خریدند. شرکت چین چین چاه های نیمه عمیق ما را خشک کرد.

سُنج اعتراض نکردید؟
نمی توانستیم اعتراض کنیم از فاصله ما در حدود پنج کیلومتر بالاتر بودند.

سُنج مگر بالا دستتان نبودند؟
من به تنهایی نبودم، همه ی نیمه عمیق ها بودند که هیچکدام اعتراض نکردند. اعتراض که نکردیم رفتیم دنبال گرفتن پروانه چاه که سه سال درگیر گرفتن پروانه چاه بودیم.

سُنج می خواستید همین نیمه عمیق های خودتان را تبدیل به چاه عمیق کنید؟
بله.

سُنج چند سال طول کشید تا مجوز گرفتید؟
سه سال. در نهایت بعد از سه سال، با رشوه و پارتی، به ما پروانه دادند.

سُنج چرا به شما پروانه نمی دادند؟
رشوه می خواستند. اطلاع از باج نداشتیم. روی راستگویی و حقیقت فکر می کردیم که باید جواب ما را بدهند. با اینکه چاه های نیمه عمیق مان شماره گذاری بود ولی به ما جواب ندادند.

حتی در آن زمان ضد اطلاعات تهران سرلشکر نوروزی بودند که توسط شخص دیگری ما را پیش ایشان بردند تا بتوانیم از طرف ایشان با مشهد تماس بگیرند و پروانه به ما بدهند باز هم نشد. تا اینکه

پارتی پیدا کردیم و از ما پول گرفتند و پروانه مان را دادند.

سُنج چه مبلغی از شما گرفت؟
برای دو چاه ۲۴ هزار تومان گرفت.

سُنج ۲۴ هزار تومان آن زمان چقدر ارزش داشت؟

اگر می خواستیم بخیریم از همان چاه نیمه عمیق، یک چاه موتور به ما می دادند.

سُنج خوب؛ پس چرا نخریدید؟
بخیریم چه کنیم. ما می خواستیم پروانه بگیریم آب را بالا بیاوریم.

سُنج چاه را مگر با مجوز نمی فروختند؟
خیر. اصلاً در محل ما نمی دانستند که مجوز چیست. ما هم که می رفتیم می گفتند که بی خود پولش را خرج می کند، نمی تواند پروانه بگیرد. من یک دایی داشتم از مقنی های یزدی بود. ایشان می گفت که دنبال این کار نروید. این منطقه آب روی زمین است و فشار دارد. خیلی ما را نصیحت می کردند ما هم گوش نمی دادیم.

سُنج فامیلشان چه بود؟
ذوالفقاری.

سُنج به چه دلیل دنبال چاه عمیق رفتید؟
دنبال چاه عمیق نرویم چه کار کنیم.

سُنج چرا توصیه دایی تان، به نظراتان اشتباه می آمد؟

خودم می فهمیدم که ایشان اشتباه می کنند. قدیمی بودند. می گفتیم می رویم تا آخر؛ یا ورشکست می شویم، یا اینکه چیزی دستگیرمان می شود.

سُنج چه سالی مجوز چاه تان را گرفتید؟
یکسال قبل از انقلاب چاه ما روشن شد. سال ۱۳۵۵ پروانه گرفتیم سال ۱۳۵۶ کشاورزی را شروع کردیم.

سُنج از چه سالی پسته کاری را شروع کردید؟
از سال ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ وارد کار پسته شدم.

سُنج به چه دلیل پسته کاری را انتخاب کردید؟

در محدوده ی خودمان، یکی از اقوامان روستای کوچکی داشت که در دامنه کوه بود و انارکاری داشت. ما هم به پیروی از او، اول ۵-۶ هکتار انار

کاشتیم.

سُنج نام آن روستا چی بود؟

چاه خرما.

سُنج نام روستایی که خودتان می کاشتید چه بود؟

شمس آباد. یکی دو سال از انار این زمین برداشت کردیم. زمین ما طوری بود که انارها سالم نمی ماندند و زمان برداشت انارها می ترکیدند و نمی توانستیم به فروش برسانیم.

سُنج دلیلش چه بود؟

چون زمین آنجا مناسب کشت انار نبود. خاک رس بود در حالی که انار خاک شن می خواهد. چند نفر هم از روستای خودمان اطراف شهرستان فیض آباد، کشاورزی می کردند. یکی دو نفر از سرمایه داران هم پسته کاری می کردند.

سُنج در چه منطقه ای پسته کاری داشتند؟
منطقه فیض آباد. از منطقه ی ما تقریباً بیست کیلومتر بالاتر بود.

سُنج این سرمایه داران چه کسانی بودند؟
حاج علی اکبر بزمی که بین پسرانش تقسیم شده و الان آن ها مالک کل هستند. شخص دیگری به نام حاج رضا نام آور بود که الان در مشهد زندگی می کند. آنجا پسته کاری داشتند. ما هم برای اولین بار در باغ اناری شروع به کاشت پسته کردیم.

سُنج نهال کاشتید؟ از کجا تهیه کردید؟
بله. نهال ها را خودمان می کاشتیم.

سُنج چه رقمی از پسته را کشت می کردید؟
ما نوع سفید پسته رقم بادامی می کاشتیم. کسانی که بیشتر روی کشت نهال ها کار کردند، از رقم اکبری استفاده کردند چون نهالش ضخیم تر است و صاف می ایستد. نهال بادامی همین قدر که یکسال بگذرد به اطراف کج می شود و باید پایه بگذاریم.

سُنج در باغی حدود ۲-۳ هکتار پسته کاری را شروع کردید؟
بله، ولی پسته کاری مان اشتباه بود.

سُنج چرا؟

ابتدا انارها شش در چهار بود، ما بین همین شش در چهارها پسته کاشتیم که فاصله اش برای پسته کاری

کم است. پیوندان هم اشتباه بود.

چطور؟

خودمان که به آنصورت آشنایی نداشتیم. کسی هم که برایمان پیوند می زد پیوندهای پسته از هر جا می رسید می آورد و پسته ای خیلی نامرغوب که اقتصادی نبودند می زد. ما هم حدود ۷-۸ سال چشم انتظار بودیم که پسته بدهند. اول سال خیلی پونده [جوانه گل] زیادی داشتند، ده روز بعد از عید همه روی زمین می ریخت. ما دیدیم که از این پسته ها نمی توانیم درآمدی برداریم.

کسی که برایتان پیوند می زد محلی منطقه بود یا از کرمان می آمد؟

محلی منطقه بود.

چقدر می گرفتند پیوند می زدند؟

ارزان بود. آن زمان فرض کنید سه هکتار برای ما پیوند می زدند، ما ۱۰-۱۵ هزار تومان می دادیم.

فرآیند پیوند زنی تان چند روز طول می کشید؟

پیوند زن سه هکتار را ۳ - ۴ روز پیوند می زد. او آشنا نبود ما هم نمی فهمیدیم. الان اگر کسی از ما سوال کند که ما پسته بکاریم از همان اول میگویم زود شروع نکن که بعد از بیست سال برگردی. پسته چیزی نیست که هر کس بکارد و آب دهد فردا از آن درآمد داشته باشد.

به چه دلیل سراغ پسته رفتید؟

اقتصادش از زارعتی که ما می کاشتیم بهتر بود و بعد هم ما در کنار زارعت هایی که داشتیم پسته را می کاشتیم. آب های چاه موتور به قدری بود که هر جا می خواستیم بکاریم آزاد بودیم. در یک چاه عمیق، ما ۱۵۰ هکتار جو و گندم می کاشتیم. محصول جو و گندم این چاه موتور هزار تن بود. در کنارش پسته را هم می کاشتیم.

تولید جو و گندم برایتان اقتصادی بود؟

آن زمان گندم سه تومان و جو دو تومان بود.

قیمت بالایی نداشت؟

خوب جنس هم قیمتی نداشت. آن زمان ماشین را سیصد هزار تومان می خریدیم، همین ماشین را الان دویست میلیون تومان خریدیم.

منظور من این است درآمدی که از پسته می گرفتید قطعاً از جو و گندم بیشتر بود؟

نه؛ هنوز پسته ما به آنصورت نرسیده بود. چهار هکتار

دیگر کاشته بودیم و پیوند خوب زده بودیم. آن سه هکتار پسته ای که اشتباه کاشته بودیم، از خبره های فیض آباد را آوردیم، گفتند: باید کلاً درختانش سربرداری شود. کنده بوری کردیم.

چه سالی؟

در همان سال های ۶۲-۶۳ کنده بوری کردیم. کسانی که کنده بوری کردند، همان کسانی بودند که در شهرستان فیض آباد در کار پیوند زنی بودند. باغبان های ارباب های قدیم بودند. خیلی خبره بودند و گر نه کنده بوری کار هر کسی نیست. الان می گویند کرمانی ها بغل پیوند می زنند خیلی راحت هم می زنند. ولی آن ها ماشوله ای می زنند و ماشوله ای کار همان ها بود.

زمانی که کنده بوری می کردید هرس ریشه هم می کردید؟

نه؛ ما کنده بوری که می کردیم یک شاخه می گذاشتیم. این ها آمدند و اصلاح کردند. خدا را شکر! الان باغ خیلی خوبی شده است.

درخت های پسته ای که کاشتیم خیلی قوی و بزرگ شده بودند، بطوری که سربری می کردیم، شاخه های درخت ها را با تراکتور می کشیدیم و بیرون باغ می بردیم. من قبل از پسته کاری از سال ۱۳۳۲، کشاورزی می کردم. ۳۰ سال تجربه کشاورزی داشتیم، ولی با پسته و پیوند پسته آشنایی نداشتیم. بعد به کار وارد شدیم و فهمیدم که چه کنیم. در همان چهار هکتار، از یک بنده خدایی که پسته هایش خیلی خوب بود، پونده آوردیم.

اسم ایشان چه بود؟

به او می گفتند: صالح اکبر جهاندار که به رحمت خدا رفت. از خریدارهای پسته که از اطراف بزمین و تبریز می آمدند، سوال می کردیم، می گفتند: از پسته صالح اکبر، پسته ی بهتری دیگر نیست. پسته ای که به بازار می آورد، خیلی پسته مرغوبی بود.

چه نوع پسته ای بود؟

پسته بادامی.

پسته اش چه ویژگی داشت که می گفتند مرغوب است؟

پسته اش درشت تر، خوش طعم تر و دهن باز است. رقم بادامی، همه مثل هم نیست.

آقای جهاندار این رقم را از کجا آورده بود؟

نمی دانم. حتماً از پسته دارهای قدیمی گرفته بود. ما نیز از پیوندهایش استفاده کردیم.

روزی چند ساعت کار می کردید؟

۲۲ ساعت، فقط دو ساعت می خوابیدم. گاهی اوقات در ۲۴ ساعت نمی خوابیدم. از غروب تا ۸ صبح با تراکتور بر روی زمین کار می کردم. در شهر و بازار و این طرف و آن طرف بودم یا بالای سر کارگر، شاید یک ساعت می خوابیدم. از چهار هکتار باغ پسته مرغوب خودمان اندازه گیری و نشانه گیری کردیم. هر درختی که بهتر پسته می داد از آنها پیوند می گرفتیم. در هر سال دو هکتار پسته جلو می رفتیم. زمان بهار به کار دامداری مشغول بودیم.

مدیریت باغات به عهده خودتان بود؟

بله؛ الان پنجاه هکتار پسته با چاه موتور داریم. ۱۴ هکتار را آقایون کاشتند و نهال زدند و بقیه را خودم کاشتم و مرتب به این نهال ها سر زدم و حتی زمانی که می خواستند نهال را بکارند، بالای سرشان ایستادم و روزی یک مرتبه آنها را بررسی می کردم، تا اینکه ۱۰ هکتار کامل شد.

در چه سالی بود؟

در سال ۷۵-۷۶ تکمیل شد. موقع بهار منطقه ما برای دامداری مناسب نبود. باید گوسفندها، ییلاق- قشلاق می کردند و به طرف نیشابور می رفتند. من هم هر روز می بایست سرکشی می کردم. موقع پسته کاری هم یک ماه بعد از عید بود و به تنهایی به همه این کارها نمی رسیدم، تا اینکه گوسفندها را فروختم و ۱۱ هکتار دیگر را شروع کردم.

یعنی پسته کاری از نظر شما توجیه داشت که دامهای تان را فروختید؟

بله.

از چه سالی به سودآوری رسیدید؟

از سال ۶۳-۶۴ پسته داشتیم، ولی در سال ۶۵-۶۶ پسته خوبی داشتیم. شخصی که پسته ما را به تهران می فرستاد، بغل کارتن ها می نوشتند پسته ذوالفقاری. آن بنده خدا فکر می کرده که پسته ذوالفقاری مثل اکبری و اوحدی رقم جدیدی است.

از آنجا زنگ زده بود که اگر پسته ذوالفقاری هست، برای ما بفرست. اینقدر پسته ما مرغوب بود.

این مرغوبیت از کجا حاصل می شد؟

زیاد رسیدگی می کردیم. الان هم رسیدگی می کنیم. اول اینکه فاصله درختها خیلی خوب بود. ۶ در ۸

متر فاصله بود و ۲-۳ دهنه جوی با یک متر عمق بود. آب چاه موتور هم خیلی زیاد بود کود هم زیاد می دادیم. مهندس دهستانی با آقای دکتر مرادی از فرانسه آمده بودند، دستورشان این بود که شما در هر هکتار ۳۰ تا ۶۰ تن کود حیوانی بریزید ما ۱۰۰ تن می ریزیم.

سبزه درخت های پتان نمی سوزند؟
خیر.

سبزه کود چه حیوانی را می دهید؟
کود گوسفند و گاو و مرغ گاهی اوقات. ولی الان مهندس دستور داده که یک پنجم کودش را حتما مرغ بریزید.

سبزه کمپوست درست می کنید؟
بله. (قبلش این را در حفره می ریزیم غنی می کنیم).

سبزه چگونه غنی می کنید؟
آب می زنیم و کود ازت می دهیم.

سبزه قبلاً که این دانش را نداشتید، چطور رسیدگی می کردید؟

همان کود خالص را می دادیم. کود دام خودمان را می دادیم ولی کود دام خودمان خواه ناخواه یکسال در اصطبل هایمان می ماند و یک حالت کمپوستی پیدا می کرد. تازه نمی بردیم.

سبزه آقای ذوالفقاری! تمام پسته شما مصرف تازه خوری داشت؟

تا دو، سه سال قبل، بله. یک دوره ای حدود ۱۵ سال، تازه خوری داشتیم، خشک هم داشتیم.

از سه، چهار سال قبل به این طرف تازه خوری نداریم تازه خوری در پانزده سال اخیر خیلی کم شده.

سبزه چرا کم شده؟
چون درآمد پسته خشک بیشتر است. بعد هم پسته که زیاد هست تفرروشی اش خیلی صرف ندارد. مشکل بازار پسته این است که در ایران ما درستی و حقیقت جا ندارد هر کس از راه راست برود، پا می خورد.

ما پسته کال به بازار نفرستادیم فردا که پسته ما به بازار می رفت پسته ما و آن بنده خدا یک قیمت بود. شاید همان خریدارها پسته مرغوب ما را می خریدند پسته کال و نارس قاطی اش می کردند و به تهران، اصفهان، شیراز و ... می فرستادند. الان هم پسته سالم ما را می خردند و از انبار ما می برند بیرون و در انبار

خودشان هرچه دلشان بخواهد قاطی می کنند. ما مطمئنیم که افلاتوکسین پسته ما صفر است علتش این است که ما در منطقه مه ولات اصلاً سن پسته نداریم.

سبزه اما افلاتوکسین از یک قارچ به وجود می آید!

سم پاشی ما یک مرتبه است در طول پانزده سال اخیر فقط سال گذشته سه نوبت سم پاشی داشتیم آن هم به خاطر سم های چینی و گرنه ما یک نوبت سم پاشی داریم.

سبزه اولین باری که سم پاشی کردید چه زمانی بود؟
سال ۶۵، ۶۶

سبزه چه سم هایی را استفاده می کردید؟
اول آمیتراز، بعد اندوسولفان. سم ها سالم بود ولی یواش یواش سم های ناسالم وارد بازار شدند. همین سال گذشته بدترین نوع سم ها را داشتیم تا مرداد، همه چینی.

سبزه اولین باری که کود شیمیایی مصرف کردید، کی بود؟

ما در سال ۱۳۴۲ دو کیسه کود شیمیایی ازت، اوره به دستمان رسیده بود که ما دو سال این دو کیسه کود را در خانه مخفی کرده بودیم و جرات نمی کردیم که بیاوریم مزرعه.

سبزه چرا؟
می ترسیدیم که بسوزد. هر کسی چیزی می گفت خلاصه تا اینکه یواش یواش این کودها را ریختیم.

سبزه آقای ذوالفقاری! کرمانی ها در توسعه پسته در منطقه شما هیچ نقشی داشتند؟
اول که نداشتند و دوم هم بسیار پسته کارهای بدی هستند.

سبزه چرا؟
اصلاً نه در پسته کاری خبره هستند و نه برداشت درست می کنند.

فقط زمین را اشغال کردند. فرض کنید هر کدام صد هکتار یا دویست هکتار زمین در منطقه ما گرفتند ولی درآمد ده هکتار برمی دارند.

اگر خدایی نکرده منطقه خودشان هم همینطوری است که وای به حال پسته کاریشان.

سبزه شما تا الان رفسنجان، کرمان و ... نرفتید؟

چرا ولی در باغاتشان نرفتم. از جاده دیدم.

سبزه از جاده که دیدید نظرتان چی بود؟
ما اینجا را داریم از نزدیک می بینیم. به آنجا چه کار داریم شاید آنجا زمین اش مثل اینجا نباشد. در همین جایی که ما پسته کاری داریم می بینیم که هیچ رسیدگی ندارند. بهداشت را رعایت نمی کنند. الان ممکن است که منطقه ما را آن ها آلوده کنند. هر جا هم هستند اطرافیان از دستشان داد می کشند. مدارهای آبیاریشان ۴۸ است خیلی زیاد است مدارهای آبیاری ما ۲۴ است فاصله درختانشان خیلی نزدیک نزدیک است. ولی فاصله های ما شش در هشت است؛ اگر خیلی نزدیک باشد هفت در پنج است.

شاید جارو کردن باغ یک قلق باشد اما ما باغتمان را در سال دو، سه نوبت جارو می کنیم که در آنجا جارو زدن باغ معنا ندارد.

شستشوی درخت داریم، آن ها ندارند، هر کس که می آید فکر می کند که ما داریم سم می زنیم در صورتی که داریم شستشو می دهیم.

سبزه اولین باری که دستگاه ضبط و فرآوری پسته را دیدید کی بود؟

حدود بیست سال می شود که آقای مهندس پناهنده شرکت بنه سبز دستگاه را آوردند و ضبط پسته را شروع کردند. الان پنجاه تا کارخانه ضبط پسته است.

سبزه شما خودتان دستگاه فرآوری دارید؟
بله؛ ۳۵ تا ۴۰ تن در روز فرآوری می کنیم. تقریباً حدود ۸ تا ۱۰ ساعت در روز فقط پسته خودمان و فامیل های نزدیک را ضبط می کنیم.

سبزه برای شما توجیه اقتصادی دارد که ماشین آلات را خریداری کردید؟
صد در صد.

سبزه چند روز در سال از این دستگاه ها استفاده می کنید؟

تقریباً یک ماه. سال گذشته ۳۷ روز طول کشید. حدود ۶۳۰ تن برداشت داشتیم.

سبزه در هر هکتار چند تن تولید دارید؟
خود ما هکتاری ۲۰ تا ۲۲ تن پسته تر داریم. پسته خشکمان هیچ وقت از ۳ تن و ۶۰۰ کمتر نبوده. که این پسته بستگی به سال دارد که در سال آف بوده یا بار بوده. متوسط هر دو سالمان ۳ تن و ۶۰۰ به بالا است.



دو فعال صنعت پسته خراسان مطرح کردند آینده پسته در خراسان روشن است



پسته کاری کردند و تقریباً از آن موقع پسته کاری راه افتاد. الان در شهر قائم تقریباً ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار پسته بارور و هزار هکتار هم پسته غیر بارور داریم. در کل استان خراسان جنوبی حدود ۷ هزار و ۵۰۰ هکتار بارور و ۴ هزار هکتار غیر بارور داریم.

ابطیحی: بقیه باغات پسته در کدام مناطق هستند؟

امین زاده: بشروئیه، بیرجند و سراپان. **پناهنده:** طبق آماری که از جهاد گرفتیم غیر بارور ۷ هزار هکتار است. ضریب بارور و غیر بارور دو استان باید به هم نزدیک باشد.

پایه ریزی کردند که ارقام بادامی و پیوند محلی منطقه بودند. در شهر قائم و در منطقه‌ای به نام شاهیک، درخت‌های ۱۵۰ ساله پسته را داریم. پدرم در سال ۱۳۴۹ در سفری به کرمان، با آقای مرحوم معین، پدر رضا معین آشنا شدند. آقای معین در سال ۱۳۴۹ چهار هکتار باغ را برای پدرم پسته ریزی کردند. سال ۱۳۵۷ عده‌ای پیوند زن از منطقه رفسنجان، درخت‌ها را پیوند زدند. بزرگ‌ترین اشتباهی که مرتکب شدند این بود که پیوندها متفاوت بود و دارای ارقام کله قوچی، فندق و بادامی است. سال ۱۳۷۱ - ۷۵ طرح طوبی آمد، که دولت آقای هاشمی اجرا کرد و وام‌های بلاعوض می‌دادند. مردم وقتی دیدند که پول مفتی هست، آمدند

ماهنامه پسته - با حضور عبدالکریم امین زاده فعال صنعت پسته در استان خراسان جنوبی و علیرضا پناهنده فعال صنعت پسته در استان خراسان رضوی و سید محمود ابطیحی عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران و فعال پسته در رفسنجان، مسایل و دورنمای صنعت پسته در استان خراسان به بحث گذاشته شد که حاصل آن را می‌خوانید.

ابطیحی: فکر می‌کنید کشت پسته در منطقه شما چطور شروع شد؟ **امین زاده:** آقای غلم و پدر ایشان در سال ۱۳۳۰ - ۱۳۳۵ باغات پسته‌ای را اطراف قائم، در موسویه

در کشاورزها جا افتاده است. این کار را یک مرتبه با سه هزار تن شروع نکردیم، سال اول با خرید ۱۲۰ تن پسته تر که آن زمان هم کیلویی ۳۰۰-۴۰۰ تومان بود، شروع کردیم و حالا به این نقطه رسیدیم که بتوانیم ۴ هزار تن پسته را در سال ضبط کنیم.

ابطی: در رفسنجان دو کار انجام می‌دهند: "یکی اینکه سیستم درستی برای ارزیابی پسته تر دارند" در ادامه هم سیستمی برای خرید دارند، که در پنج قسط پول می‌دهند. در کل رفسنجان ۱۲۰ تا ۱۵۰ نفر حاضر شدند که با این گروه کار کنند. شما می‌توانید کاری را که انجام می‌دهید با عده‌ای از مالکین آن کار شروع کنید که به تدریج ریسک‌تان پایین بیاید. شما الان ریسک عمده‌ای را می‌پذیرید.

امین‌زاده: همین‌طور هم هست، ما سال گذشته ضرر سنگینی داشتیم. ولی دو سال قبل از آن برای ما خیلی خوب بود. تا چند سال گذشته نماینده خرید داشتیم که به باغات می‌رفت و پسته تر را روی درخت به کشاورز قیمت می‌داد، حتی اوایل خودم این کار را انجام می‌دادم. قیمتی می‌دادیم و بعد به توافق می‌رسیدیم. خوشبختانه کشاورزها فرآوری پسته را تجربه کردند. ما به طور قاطع اعلام کردیم که پسته، به صورت امانت فرآوری نمی‌شود صد در صد خرید است. به دلیل اینکه اگر روزی که ۱۰۰ تن ظرفیتمان هست ۱۰ یا ۱۵ تن امانت از سه نفر قبول کنیم این ۱۰۰ تن به ۵۰ تن می‌رسد، پس هیچ وقت دنبال فرآوری برای شخص نیستیم، مگر به سیستم آقای امین‌پدیده که آن هم کشاورزهای خراسانی هنوز به پسته مسلط نشدند و نمی‌شناسند و این کار در خراسان یک مقدار سخت‌تر است.

ابطی: سطح آبتان چگونه است؟
امین‌زاده: منطقه خراسان جنوبی منطقه کم آبی است. سطح آب خیلی پایین نیست ولی لیتراژ آب پایین است. در منطقه ما چاه‌ها روی ۱۶ لیتر و ۲۰ لیتر در ثانیه هستند.

ابطی: این ۱۶ و ۲۰ لیتر همین‌طور مانده یا کم شده است؟

راه انداخته بودیم به سمت فیض آباد هم آمد. الان تر فروشی مرسوم شده است. خوشه فروشی، پسته را به صورت خوشه‌کن می‌فروشند. در اینجا منطقه‌ای داریم که اصلاً نمی‌دانند که اول می‌شود پسته را خشک کرد و بعد فروخت نه اینکه نمی‌دانند عادت نکردند و فرهنگ اینطوری جا افتاده است. این باعث می‌شود که در یک ترمینال بزرگ هم هزینه فرآوری کم شود و هم کیفیت بالاتر برود. در یک ترمینال ماشین آلات پیشرفته‌تر است تا اینکه هر کسی برای خودش باید چرخ بگذارد با مشکلات خاص خودش. ما یک الگوی منحصر به فرد بودیم که الان مشابه آن الگو خیلی به وجود آمده. فکر می‌کنم چهار، پنج ترمینال در فیض‌آباد به سبک ما کار می‌کنند. کار، کار سختی است حجم نقدینگی بالایی می‌خواهد ولی یک مقدار از اعتبار استفاده می‌کنیم. در مجموعه خودمان بانک کشاورزی باجه‌ای را راه اندازی کرده و این برای کشاورز خیلی مهم است.

ابطی: شما دل شیری دارید در این مملکتی که مشخص نیست قیمت دلار در آینده چقدر خواهد شد و چه اتفاقی در مملکت خواهد افتاد به چنین کارهایی دست می‌زنید. (با خنده)
راجع به این کار دو اظهار نظر دارم: مجموعه‌ای در رفسنجان به نام امین‌پدیده است که آن‌ها راجع به تر خری تجربه خوبی دارند. شما هم حتماً تجربه خوبی دارید، ولی من پیشنهاد می‌کنم که با هم تبادل افکار کنید. آقای علی امین از آمریکایی‌ها الگوبرداری کردند و کار شسته و رفته‌ای را انجام می‌دهند. اگر شما کسی را بفروستید که برود و یکی، دو روز سیستمشان را ببیند کمکتان خواهد کرد. شاید آن‌ها از شما چیزی یاد بگیرند و این یک همفکری است.

امین‌زاده: در خراسان فرهنگ باغداری وجود نداشت، تازه به پسته رسیدند. در کرمان پنجاه سال پسته داشتند و می‌دانند که عیار پسته، چند به چند است، ولی در خراسان به این مسائل آشنا نیستند. ما این مشکلات را در خراسان داریم. اینجا هنوز پسته را کامل نمی‌شناسند. نظر ما این است که پسته قبل از ورود به باسکول، کارشناسی و قیمت‌گذاری شود و با طرف مقابل توافقی هم صورت می‌گیرد. ما الگو خرید پسته تر را در اینجا باب کردیم و تقریباً

امین‌زاده: آقای پناهنده! در کل خراسان رضوی چند هزار هکتار بارور و غیر بارور دارید؟
پناهنده: ۵۰ تا ۳۲ هزار هکتار غیر بارور و ۱۸ هزار هکتار بارور داریم.

امین‌زاده: فرمایش آقای پناهنده درست است. در این ۲-۳ سال اخیر خیلی پسته‌کاری شده و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد به آمار اضافه شده است. بیشترین منطقه‌ای که رو به رشد است منطقه سبزه‌وار و نیشابور است که جز خراسان رضوی است. آمارها در سازمان جهاد کشاورزی اشتباه است.

ابطی: شما در خراسان جنوبی چند واحد بهره‌برداری دارید؟

امین‌زاده: تا سال گذشته سه واحد بودیم. بنده در قائم، خانم دادرس در بیرجند و چند واحد خیلی کوچک تر در خود بیرجند و یک واحد هم در منطقه سرایان بوده است. ولی در همین ۲-۳ سال اخیر تقریباً ۶-۷ واحد جدید ترمینال ضبط و راه‌اندازی شده است.

ابطی: منظور من چاه موتور است.

امین‌زاده: آمار دقیق ندارم. غالب پسته منطقه خراسان جنوبی، فندقی است و شاید می‌توان گفت: ۷۰ درصد فندقی، ۲۰ درصد کله قوچی و ۱۰ درصد هم پسته سفید یا همان بادامی است. کسانی که تازه پیوند می‌زنند همه به سمت احمدآقایی و بادامی رفتند ولی غالب پسته همان چیزی است که گفتیم. ما از سال ۱۳۷۶ رسماً پروانه گرفتیم و فعالیت می‌کنیم. ظرفیتمان حدود ۴ هزار تن در سال است که در سال ۱۳۹۱ از ۴ هزار تن به ۳ هزار و ۷۰۰ تن پسته تر رسیدیم. از ۱۰ مردادماه تا ۲۰ مهرماه از کل خراسان رضوی و جنوبی، پسته برای فرآوری می‌آورند. از هر دو استان به دلیل اینکه در مرکز قرار داریم خرید می‌کنیم. نکته‌ای که شاید در قائم نسبت به جاهای دیگر متمایز باشد این است که ما حتی یک کیلو پسته را به صورت امانت فرآوری نمی‌کنیم. صد در صد پسته را قیمت‌گذاری و خرید می‌کنیم. خریدمان به صورت نقدی است و از این طرف هم سعی می‌کنیم که پسته را به بازار برسانیم و بفروشیم. بعضی روزها ۱۰۰-۱۲۰ تن در روز پسته تر را خریداری می‌کنیم. در واقع توانستیم فرهنگی را در خراسان جا بیندازیم. آقای پناهنده می‌دانند که فرهنگی که ما در خراسان

سطح تولید و زیر کشت استان خراسان رضوی را داشته است، در فیض آباد پسته‌ریزی شروع شده اما شهرهای دیگر دارند توسعه پیدا می کنند اگر همین را مبنا قرار دهیم به گمانم سطح زیر کشت در ۷۰-۸۰ هزار هکتار باید بسته شود.

ابطحی: در کل خراسان یا خراسان رضوی؟
پناهنده: در باغاتی که سرمایه گذاری شده با توجه به بحث گرانی از حالا به بعد احتمال انتقال آب زیاد وجود دارد. در نتیجه امکان دارد مقداری از دشت‌های اطراف تخلیه شود، یعنی ایجاد شدن باغات جدید با خرج هزینه، صرف داشته باشد. مثل الان که صرف دارد از تربت آب را سمت فیض آباد بیاوریم.

ابطحی: یا اینکه انتقال پیدا نکند و در بعضی از دشت‌هایی که از آب استفاده بی‌رویه شده، بعضی از باغات از کار بیافتند.

پناهنده: اگر قرار باشد که باغات از کار بیافتند شما مواجه خواهید شد با افت در یک نقطه، برای اینکه از این افت جلوگیری کنید اگر پسته طلایی باشد آیا بهتر است که آب شیرین انتقال پیدا کند به زمین خوب یا اینکه باغ در آنجا توسعه پیدا کند. با توجه به بحران های آب من فکر نمی کنم که از مرز صد هزار هکتار بیشتر شود.

پناهنده: در مقطعی از زمان قرار گرفته‌ایم که پنج سال دیگر کشاورزان خودشان به این نتیجه می‌رسند که باید میزان باغ ریزی‌ها متناسب با الگوهای پایدار باشد. حرف شما درست است اگر مثل سی سال قبل بود که کشاورزها یا کل فضای اجتماعی مملکت هنوز عمق بحران را نمی‌دانست، اما الان همه عمق بحران را تصور دارند که اگر قرار باشد بی‌رویه کشت شود خیلی جالب نیست و امکان دارد که خطرش زیاد باشد.

امین‌زاده: من با شما موافق نیستم. در تایید تربت جام که خیلی دشت مستعدی است، کمتر از فیض آباد نیست.

پناهنده: من آمار دارم، میزان حلقه چاه‌های آنجا خیلی بیشتر است.

امین‌زاده: در منطقه تایید تربت جام یک مالک عمده وجود دارد دو، سه تا مالک هستند که ۵۰-۱۰۰ هکتار باغ دارند. این ها هزار هکتار. مثلاً آقای احمد خان که یکی از مشتریان ما هست ۱۵۰ هکتار پسته کاری کرد ولی ۱۵۰۰ هکتار زمین دارد در واقع به تنهایی توان

زیر کشت تان رو به افزایش است؟

امین‌زاده: بله؛ اگر فیض آباد به مشکل برخورد کرد، مناطق جدیدی مثل نیشابور، سبزه‌وار و ... افزایش پیدا می کند.

درست است که ما در خراسان مشکل بی‌آبی داریم، آمار دقیق ندارم ولی آقای پناهنده می‌گفتند که ۳۰۰ هزار هکتار در خراسان زمین دیم آبی هست که قابل کشت و زراعت است. در تایید تربت جام پنج درصد زمین‌ها زیر کشت پسته رفته است. آن‌ها هنوز مشکل کم آبی ندارند و EC آبشان هم روی ۱۰۰۰-۱۵۰۰ است.

پناهنده: در استان چندین منطقه برای افزایش تولید هست که با محدودیت کمتر منابع آبی مواجه هستند. البته محدودیت هست ولی به نسبت با جایگزینی کشت گندم، خربزه و هندوانه امکان پذیر است.

ابطحی: شما در منطقه تان پارامتر کم آبی را دارید. بعضی جاها به نظر می آید که کم آبی شدید باشد؛ مثلاً در فیض آباد. در عین حال دارید باغات تان را با مدار ۲۰ روز آب می‌کنید می‌گویید که مناطقی هم هست که برای پسته مستعد هست و هنوز زیر کشت پسته نرفته است. با توجه به این پارامترها فکر می‌کنید که آینده پسته در استان خراسان چگونه خواهد بود؟ در چه مسیری با چه نرخ افزایش پیدا می کنید؟

امین‌زاده: در خراسان، کشاورزی که یک کیلو پسته فروخته دیگر دستش به هیچ چیز دیگری نمی‌رود، نمی‌تواند چیز دیگری تولید کند. مثلاً پنبه‌ای که کیلویی ۱۵۰۰-۲۰۰۰ تومان از کشاورز بخرند و ۱۰۰۰ تومان آن را هزینه کند برایشان دیگر توجیه ندارد. ظرفیت در منطقه فیض آباد پر شده است. تایید، تربت جام، گناباد، قائم، فردوس، سرایان، سبزه‌وار، نیشابور تازه راه افتادند و پسته کاری کردند و همه این سطح زیر کشت‌ها بارور نیست. اگر بارور شود و کشاورز به یک محدود درآمد برسد دیگر دستش را به هیچ کاری نمی‌رود که به سمت محصول دیگری رود. من خودم به شخصه در خراسان آینده پسته را روشن می بینم. کم آبی هست ولی آن کم آبی که در کرمان می‌بینیم، نیست.

پناهنده: من فکر می‌کنم ما باید در نقطه ۲۵ هزار هکتار در مهولات توقف کنیم. فیض آباد ۴۰ درصد

امین‌زاده: خیلی کم نشده است. همین شانزده لیتر، در گذشته ۲۲-۲۳ لیتر بر ثانیه بود که به تدریج کم شد. خراسان جنوبی دوران خشکسالی‌اش را می‌گذارند و در آینده وضعیت خوبی ندارد.

وضعیت خوب، سمت جنگل، بین تربت و گناباد است. آنجا سطح آب خیلی خوبی دارند و پسته کاری شدید هست. در این مناطق ۱۶۵ حلقه چاه موتور است که آمارش را از سازمان آب گرفتیم. از این چاه موتورها ۱۰ حلقه چاه پسته کاری نکردند ولی حدود ۱۵۰ حلقه چاه پسته کاری کردند.

ابطحی: هیچ کدامشان به بهره برداری رسیدند؟

امین‌زاده: خیر؛ خیلی کم. شاید ۵۰۰ هکتارش به بهره برداری رسیده و در آینده یک محصول خیلی خوبی منطقه جنگل دارد. یعنی خودشان ۳-۴ سال پیش می‌گفتند ۴۸۰۰ هکتار پسته کاری شده است و فکر می‌کنم الان به ۷-۸ هزار هکتار رسیده باشد. متأسفانه ما آمار رسمی نداریم. سازمان اداره استاندارد جهاد کشاورزی هم خیلی آمار دقیقی ندارد.

ابطحی: در کل خراسان جنوبی و رضوی روی هم رفته چند هکتار زیر کشت داریم؟
پناهنده: ۶۴ هزار هکتار

ابطحی: چقدر آن بارور است؟

پناهنده: ۲۵ تا ۲۷ هزار هکتار خراسان جنوبی، ۱۸ هزار هکتار هم خراسان رضوی بارور دارد. خراسان شمالی هم احتمالاً ۳-۴ هزار هکتار هست که در مجموع حدود ۷۰ هزار هکتار زیر کشت است.
امین‌زاده: شاید نصف آن به بهره برداری رسیده باشد. پناهنده: اگر رسیده باشد، تولید خیلی بالاتر از این حرف‌ها است.

ابطحی: متوسط برداشت شما چند سال گذشت، چقدر در هکتار بوده است؟

امین‌زاده: متوسط برداشت در خراسان جنوبی ۱۲۰۰ کیلو و در خراسان رضوی ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ کیلو بوده است.

ابطحی: با مساله کم آبی که دارید سطح

مشکلات مواجه خواهد بود و اینطور نیست که ما فکر می‌کنیم. اگر خراسان از ۱۰ به ۲۰ رسیده و قرار است که همین‌طور دو برابر جلو برود، من آن رشد را نمی‌بینم. من عقیده دارم این پیش‌بینی‌های بلند مدت خیلی مسئله‌دار است و هزار عامل وسط خواهد آمد. اگر بخواهیم پیش‌بینی بلند مدتی کنیم در مجموع اینطور که شما می‌بینید، نمی‌بینم.

من بیشتر نظرم به آقای پناهنده نزدیک است و می‌گویم که آقای پناهنده هم کمی با خوش بینی نگاه می‌کند. در طول ۱۰۰ سال گذشته اگر سابقه پسته را نگاه کنید، می‌بینید که عامل قیمت پسته که شما روی آن تاکید دارید، هر چند سال یکبار تکانی به پسته داده و سطح زیر کشت افزایش پیدا کرده است، اما مشخص نیست این عامل سال آینده هم کارایی داشته باشد. ممکن است این ۳۰ هزار تومان مزیت خودش را از دست بدهد و شما چند سال روی همین قیمتی که مزیت خاصی ندارد، باشید. در افزایش سطح زیر کشت دقیقاً محسوس است که قیمت جهش داشته و پشت این جهش سطح زیر کشت هم یک افزایشی داشته که اگر به زبان ریاضی بخواهیم بگوییم نقطه عطف‌هایی در افزایش داشته است.

امین‌زاده: شما چه توجهی برای منطقه تایباد تربت جام که از فیض آباد بزرگتر و مستعدتر است دارید؟

ابطیحی: شما باید یک چیز را در نظر بگیرید که آدم‌ها به هر حال خصلت‌هایی دارند مشابه هم نمی‌توانیم بگوییم. در منطقه تایباد و ... آدمی نداشتید که به اندازه منطقه فیض‌آباد دانایی داشته باشد و پیش‌بینی آینده را بکند. آن‌ها پیش‌بینی آینده و دانایی را داشتند و دارند. البته فکر نکنید که اگر سمت پسته کاری نرفتند به خاطر نادانی شان بوده، به خاطر مزیت‌هایی بوده که تا الان کشت خربزه داشته است. شما پیش‌بینی می‌کنید و می‌گویید که منطقه شور می‌شود و در آینده EC آب بالا می‌رود و برایشان خربزه صرف ندارد و پسته کاری می‌کنند. من می‌گویم همین‌طور که طبیعت تعادلش را حفظ می‌کند، در مورد کشت و کار و اینکه چه بکاریم و چه نکاریم، مقداری تعادل برقرار شود.

به نظر می‌رسد که ما در فضای اشباع با آن EC‌های آب دیگر نمی‌توانیم ادامه دهیم. باید در یک نقطه‌ای توقف داشته باشیم که من می‌گویم در ۱۰۰ هزار هکتار توقف پسته شروع می‌شود. به معنی این نیست که همان ۱۰۰ تا ممکن است به ۱۲۰-۱۳۰ تا برسند، ولی از آنطرف هم یکسری باغات خشک خواهند شد. یعنی ۱۲۰ تا می‌شود ولی به اندازه ۱۰۰ تا برداشت خواهیم داشت.

امین‌زاده: در منطقه تایباد تربت جام، نیشابور، سبزوار هنوز خیلی جاها هست که مستعد است. زمانی که گندم و جو تعطیل شود انحصاراً سراغ پسته کاری می‌روند راه دیگری ندارند. در کرمان، رفسنجان به این دلیل به بن بست خوردند که آبی وجود ندارد. **پناهنده:** ما باید از مزیت هایمان که شامل حمل و نقل، ترانزیت و ... است استفاده کنیم.

در بعضی عرصه‌ها مزیت داریم که باید همان مزیت‌ها را ادامه دهیم. یکی از مزیت‌ها این است که ما بین آسیای میانه هستیم و بهتر است ظرفیت‌های جغرافیایی نسبت به کشاورزی شکوفا شود.

امین‌زاده: حدود هفده سال قبل که تازه کار را شروع کرده بودیم پسته این منطقه را برای ما یک تا دو تن به صورت تر با نیسان‌ها می‌آوردند و در اینجا ترمینال ضبطی نبود، فقط دکتر احمدپناه داشت که از هر منطقه‌ای به قائم می‌آوردند. این منطقه تازه پسته کاری را از سال ۱۳۷۰ شروع کرده بودند که پسته سال ششم و هفتم را برای ما می‌آوردند الان به حدی رسیده که می‌گویند منطقه ۱۰ هزار تن خشک دارد و اگر در باغاتشان نگاه کنید خواهید دید که هنوز دارند پسته کاری می‌کنند، به خصوص منطقه بردسکن یکی از مناطقی است که خوب کار شده است.

پناهنده: بردسکن الان اشباع است. **امین‌زاده:** ولی دارند انگور را حذف می‌کنند. من بر خلاف آقای پناهنده معتقدم چند سالی که پسته ارزان بود، برای مردم روی شش، هفت هزار تومان توجیه نداشت. ولی الان که روی سی هزار تومان است، همه جوهره برایشان صرف می‌کند. آقای ابطیحی خودتان منطقه قائم را چگونه می‌بینید؟

ابطیحی: آینده پسته در خراسان مثل آینده پسته در منطقه خودمان به نظرم با

درخت کاری در ۵۰۰ هکتار را دارد ولی هیچ موقع ایشان این کار را نکردند. نظر من این است که در منطقه تایباد تربت جام هنوز پسته کاری نشده است، شاید ۵ درصد، برای چی این‌ها پسته کاری نکردند؟ در این چند سال گذشته خربزه را از آنها ۱۰۰۰-۱۵۰۰ خریدند و می‌گفتند این زراعت‌ها بهتر از پسته است. ولی الان که پسته ۳۰ هزار تومان شده است، ترغیب می‌شویم که به سمت پسته کاری رویم.

پناهنده: تفاوتی اینجا هست. زمانی که کشاورز خربزه و هندوانه می‌کارد، همان سال برداشت می‌کند، در نتیجه خیلی نگران آبش نیست ولی الان که بخواهد پسته را بکارد باید به این فکر کند که این آب تا کجا دوام دارد. برای کشاورز این سوال پیش خواهد آمد که آیا منابع آب من پایدار است؟ من می‌گویم فضای کلی حاکم بر مملکت در حال عوض شدن است.

امین‌زاده: خربزه‌هایی که قبل می‌دیدیم در حدود پنجاه سانت آن‌ها کوچک شده است، مثل انیس پسته که قبلاً ۲۶-۲۸-۳۰ بود. سال گذشته ۳۲-۳۴ بود من فکر می‌کنم EC آبشان که بالا رود، نمی‌توانند باز خربزه کاری کنند.

یک زمانی مجبور خواهند شد که به سمت پسته کاری بیایند.

پناهنده: انتخاب دیگری ندارند، ولی همه آب را نمی‌توانند به مصرف پسته کاری برسانند چون نگرانی‌ها شروع می‌شود.

ابطیحی: آقای پناهنده برآورد شما در نهایت در کل استان خراسان برای سطح زیر کشت چقدر است؟

پناهنده: بیشتر از ۱۰۰ هزار هکتار به نظر من نیست. به فضای عمومی مملکت که نگاه می‌کنم چقدر از آب‌های شور چاره‌ای جز پسته کاری ندارند؟ آیا ما در فضای اشباع با هر آب شوری عملکرد خواهیم داشت که بیایم ۱۰ سال سرمایه‌گذاری کنیم؟ به قول آقای آگاه من هم معتقدم که در پسته هنوز فضای اشباع شروع نشده تا ۷-۸-۱۰ سال آینده دوران پسته دورانی است که تقاضای کل بیشتر است ولی یک چیز مسلم است، وقتی خیلی چیزی سودآور باشد، خیلی توسعه پیدا می‌کند. وقتی که توسعه پیدا کند طبیعتاً باید در یک نقطه‌ای اشباع شود.

علیرضا پناهنده در گفت‌وگو با ماهنامه پسته مطرح کرد تولید پسته در خراسان به صرفه نیست



برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ آقای دکتر داوری‌نژاد یک خط را در فیض‌آباد راه انداختند، بعد از ایشان ما بودیم.

سُپ رفسنجانی‌ها و کرمانی‌ها چقدر در پسته کاری خراسان نقش داشتند؟

گروه‌هایی حدود ۲۰-۲۵ سال پیش از زرند آمدند و آنجا باغ‌ریزی کردند، ولی بیشتر الگوهای بومی توسعه پیدا کرده است.

سُپ آقای مهدی آگاه می‌گویند که پدر ایشان از کرمان پیوندن فرستاده که باغات آقای علم را پیوند زدند.

اتفاقاً من دنبال همین بودم که پیوند بادامی از کجا آمده است.

سُپ بادامی که در محل خودتان بوده است؟ گفتند ما رفتیم در باغات دیدیم درختی خوب است و دو تا را آوردیم و در دو هکتار تکثیر کردیم. یکدفعه همه را پیوند نزدیم.

سُپ چنین چیزی نمی‌شود که خودشان همه این کارها را کرده باشند. باید در منطقه‌تان در حد دو هکتار و دو درخت بیشتر بوده باشد یا یک جایی باید دست رفسنجانی‌ها در کار باشد. ولی اینجا محل مناقشه است. چون بحث این است که پیوند به خصوص با این مدل از کجا آمده است. اگر قرار بود از رفسنجان بیاید این مدلی نمی‌آمد.

سُپ آقای آگاه می‌گویند که آن زمان باغات رفسنجان، تا زمان اصلاحات ارضی همه شبیه فیض‌آباد بوده است. بعد خراسانی‌ها این را از رفسنجان الگو می‌گیرند. تا زمان اصلاحات ارضی همه چیز به هم می‌ریزد مردم عجله داشتند که زمین‌ها را تصرف کنند و باغ بزنند!

الان اگر نگاه کنیم درختان سیصد ساله ما فاصله دار است. درخت سر قبر عبدالرحمان در تربت جام درخت ۷۰۰ ساله است. درخت‌های این مدلی را در سوریه و دمشق دیدیم.

سُپ شاید جنگلی بوده‌اند؟

نه. در ده قهرمانیه، در یکی از مزرعه‌های آقای

ماهنامه پسته- مهندسی مکانیک خوانده است و در منطقه فیض‌آباد مدیریت یک مجموعه ضبط و فراوری پسته را دارد. با مهندس علیرضا پناهنده در خصوص گذشته، حال و آینده صنعت پسته خراسان به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

سُپ آقای پناهنده! سابقه پسته کاری در فیض‌آباد مربوط به چند سال پیش است؟

اولین باغات در فیض‌آباد مربوط به سیصد سال پیش است. در این منطقه، درخت ۱۲۰ ساله داریم که حدود یک کیسه پسته از نوع بادامی بار میدهد. در ۴۵ سال گذشته باغ‌ریزی‌ها بیشتر و صنعتی‌تر شده است. در ابتدا افرادی به نام آقای بزمی و آقای نام‌آور پسته کاری را شروع کردند. آقای بزمی حدود پنجاه سال پیش تسهیلات بانکی گرفته بودند و آقای نام‌آور با مشکلات زیادی این کار را انجام می‌دادند.

اولین باغ‌ریزی‌ها مربوط به ۴۵ سال پیش است. سال ۱۳۵۳ اولین چاههای نیمه عمیق را آنجا زدند، چاهی که الان هست از عمق سه، چهار متر شروع شده و در کل ۲۰۰-۱۸۰ میانگین عمق چاه است که این باز ۱۰۰-۱۱۰ است و آب خوب و شیرینی دارد. برداشت امسال ۵ تن در هکتار است.

سُپ چه شخصی مالک آن است؟

آقایان ذوالفقاری و بزمی هستند که وضعیت خوبی دارند. آقای نام‌آور وضعیتش خوب نیست، چون EC آبشان چهارده هزار است، ۶۰ هکتار باغ ریختند ولی الان وضعیت باغات خیلی مطلوب نیست.

سُپ یعنی در دوره جدید ابتدا آقای بزمی و بعد نام‌آور شروع کردند؟

بله. اول آقای بزمی بعد آقای نام‌آور، بعد از این افراد آقای ذوالفقاری شروع کردند.

سُپ این آقایان با چند هکتار شروع کردند؟

آقای ذوالفقاری با ۲-۳ هکتار شروع کرده اند و الان به ۵۳ هکتار رسیده اند. کل مزرعه ۱۳۰ هکتار با شرکا است و بار خیلی خوبی دارد.

سُپ در رابطه با فراوری پسته اولین کسی که در منطقه وارد این کار شد، که بود؟

ذوالفقاری روبروی آن دو درخت است. آقای ذوالفقاری می‌گفتند اینها به عنوان درخت داخل خانه بوده نه به عنوان باغ، ده که تخریب شده این درختان با فاصله‌های بیشتر باقی ماندند.

سُپ در خصوص اینکه درخت پسته در ایران سابقه طولانی دارد شکی نیست، یکی از این مناطق هم خراسان است. می‌گویم در دوره جدید پسته کاری در خراسان، احتمالاً رفسنجانی‌ها به آنجا رفتند و از تکنیک و دانش رفسنجانی‌ها کمک گرفته شده است. زمانی که آقای بزمی می‌خواستند شروع کنند، رفسنجانی‌ها ۵۰ سال پیش تر انجام داده بودند. طبیعی بوده که ببینند و از این‌ها استفاده کنند، کما اینکه آقای علم هم همین کار را می‌کند.

این دو نفر آدم‌های برون‌گرایی بودند. منطقه ما حالت روستا بوده این ارتباطات بیرونی ممکن است.

سُپ شخص شما از کی شروع کردید؟

از سال ۷۹-۸۰

سُپ رشته تحصیلی شما چیست؟ و چه سالی فارغ التحصیل شدید؟

سال ۷۵ در رشته مکانیک از دانشگاه زاهدان فارغ التحصیل شدم.

سُپ چه شد که وارد صنعت پسته شدید؟



تازه فروشی پسته آن زمان مرسوم بود. پیش‌بینی می‌کردم به علت بازارهای محدود، در نقطه‌ای به اشباع برسد. در این قضیه چند عامل دخیل بود: یکی اینکه تولید اضافه می‌شد. استان، استان جوانی بود منابع آب هم جوان بود. دوم اینکه بازار محدودیت داشت. از یک طرف آن زمان این فکر را می‌کردیم که چون خراسان در شرق کشور است و فاصله رسیدن تا بازارهای مقصد هم دور است، امکان دارد در توسعه با توجه به عملکرد وارسته محدود شویم. آقای خطیبی از آقای رضایی از رفسنجان دستگاه خریده بودند و آنجا به صورت سنتی کار می‌کردند. کنار آن تئوری‌ها با آقای خطیبی صحبت کردیم و ایشان پیشنهاد کردند که واحد فرآوری بزنید.

آقای خودشان که واحد فرآوری داشتند می‌خواستند برای خودشان رقیب درست کنند؟ چرا چنین پیشنهادی دادند؟

نه در شهر بود. خودشان حوصله درگیری با مردم را نداشتند. کار پر استرس و پر دردسری بود که نمی‌خواستند ادامه بدهند.

آقای در آن زمان همه‌ی پسته تازه خوری می‌شد؟

خیر، مقدار زیادی به کرمان می‌آمد. دقیقاً ما با کرمانی‌ها این مشکل را داشتیم. هر زمانی که در منطقه می‌آمدند سال ۸۴-۸۵ می‌گفتند که ما بچه پسته هستیم و این پسته پوک‌ی‌اش بالاست. خرید می‌کردند و کرمان ضبط می‌کردند.

آقای یعنی در منطقه فیض آباد دستگاه ضبط پسته بود؟

یک دستگاه که داخل شهر بود و مالک آن آقای خطیبی بود. آقای داوری‌نژاد هم یک نیم خطی داشتند. یکسال پسته آستان قدس را از سرخس خریدند. کار دستگاه خیلی بد بود و خرد می‌کرد، اصولی فکر نشده بود. هر تکه دستگاه را از هر جایی آورده بودند، ورودی با خروجی همخوانی نداشت و پرت زیادی می‌داد.

آقای یعنی در فیض آباد دو نفر بودند که پسته را ضبط می‌کردند؟

آقای داوری‌نژاد خیلی وارد نبود و یکسال قبلش هم شروع کرده بود.

آقای برای پسته چه اتفاقی می‌افتاد؟

در پوک شکن‌ها میرفت و مغزدهایش را بادکش می‌کردند، چیزی نمی‌ماند. الان هم در پسته بادامی همینطور است وقتی می‌رسد خوب خالی می‌شود.

آقای چند بار برداشت می‌کنید؟

دو بار. البته الان نه. چون حجم تازه خوری کم شده است، بیشتر خوشه‌کن می‌کنند. برای اینکه کارشان راحت شود همینطور به ضبط‌ها می‌آورند.

آقای پسته‌های رسیده را جدا می‌کنند؟

نه دیگر رسیده‌ها را جدا نمی‌کنند بیشتر فرآوری می‌کنند.

آقای آن‌هایی که می‌خواهند مصرف تازه خوری شود، چه می‌کنند؟

برای مصرف تازه خوری در باغ چادر می‌گیرند. مثل توت می‌تکانند و هر چه که در چادر ریخته می‌شود، در کارتن می‌برند.

آقای چند مرحله پسته چینی دارید؟

دو مرحله. "یک مرحله دانه،" یک مرحله خوشه‌کنی. دانه که همان تکان دادن است مثل تکان دادن توت. مثل پسته فندقی استان کرمان نیست که حتماً بروید بچینید. مزیت بادامی همین است ضربه بزنیم می‌ریزد. مزیتش همین دو چیز است "یکی هزینه جمع‌آوری کمتر است" یکی اینکه کندن نیست. وقتی که پسته را می‌کنید ته پسته فندقی از خوشه‌کندی می‌شود و مصرف تازه خوری دارد.

آقای مرحله دوم برداشت چند روز بعد شروع می‌شود؟

حدوداً ۱۰-۱۵ روز بعد این کار انجام می‌شود. البته با

تازه خوری می‌شد یا به کرمان می‌آمد.

آقای تولید چه حجمی داشت؟

فکر می‌کنم حدود ۵-۶ هزار تن بوده است.

آقای از این ۵ هزار تن چند درصد تر خوری می‌شد؟

تا قبل از سال ۸۲، تر فروشی می‌شد. ولی حدود ۱۰۰ تن در روز بیشتر برای دانه نمی‌رفت، چون حجم کم بود. به نظرم بین ۴۵ تا ۵۰ درصد تازه خوری می‌شد.

آقای چه مدتی؟

یک ماه پسته قرمز داریم که به اصطلاح کم بار، پر آفت و زودرس بود که بعضی سال‌ها از ۵ مرداد شروع می‌شد ولی حجم نمی‌گرفت در حد یک نیسان به تهران می‌رفت در آنجا تست می‌خورد تا پانزدهم، بیستم مرداد مقداری حجم می‌گرفت. در بیست و پنجم وقفه‌ای در تولید دو نوع وارسته پیش می‌آید، در فیض آباد پسته سفید که برای چرخ هستند، حجم می‌گیرد و پر عملکرد است. از چهارم، پنجم شهریور ضبطی می‌شوند. هر چند ساله توقفی در بیست و پنجم داریم، چون وارسته عوض می‌شود.

آقای پسته تازه را دانه می‌خرند؟

بله.

آقای کال‌هایش را چه کار می‌کردید؟

کال ندارد.

آقای یعنی کال‌ها به درخت می‌ماند؟

بله. کال‌ها می‌ماند و به اصطلاح خوشه‌هایش را می‌کنند و در پوک شکن می‌آورند.

آقای نزد شما می‌آوردند؟

نه، برای ما اقتصادی نبود. چون چیزهایی که می‌ماند

▶ توجه به کاهش مصرف تازه خوری، خیلی وجه قالب منطقه نیست. یکی، دو سال است که بیشتر در چرخ ها می آید. وجه قالب تا سال ۱۳۹۰ که قیمت پسته گران نشده بود، این بود.

سما با چه سرمایه ای شروع کردید؟

سرمایه اولیه ما ۳۰ میلیون تومان از اعضا بود و از بانک هم گرفتیم.

خط کاملی را راه اندازی کردید؟

بله.

از کجا خریدید؟

از آقای وثوقی. سال ۸۱-۸۲ دو خط کامل شد. در سال ۱۳۸۳ بار زیادی داشتیم، مقداری از بار را به ترمینال آقای وثوقی فرستادیم و در سال ۱۳۸۴ دو خط دیگر را توسعه دادیم. الان چهار خط داریم. بعد از ما روند ترمینال سازی در منطقه شروع شد.

تعاونی شما چند عضو داشت؟

۱۸۰ عضو.

چه شد دنبال احداث تعاونی رفتید؟

ما فکر می کردیم این فعالیت اقتصادی را با اتکا به نیازی که اعضا دارند بتوان انجام داد. ولی عملاً بعد از سال ۸۴ به خاطر درآمدهای نفتی، حجم دانه خوری بالا رفت. مقداری تعارضات شروع شد. فکر کردیم نمی توانیم با کشاورزها گفتگمانی داشته باشیم و اگر بخواهیم فرصت را تبدیل به عملیاتی کنیم مجبوریم که خودمان تنها اقدام کنیم. اساساً در ایران اینطوری است که یک کار به مشکل که می خورد دور هم جمع میشویم و مشکل را به طریقی حل می کنیم.

ولی بعضی اوقات فکر می کنی که باید این فرصت را دنبال کنی، ولی شاید رفیق کنار دست قبول ندارد. دیدیم خیلی ظرفیت های فرهنگی اش جا نیافتاده است، خودمان کار را پیش بردیم. اسمش تعاونی است ولی عملاً مثل شرکت سهامی خاص اداره اش می کنیم و سهامدار عمده اش هم خودمان بودیم ۶۰ درصدش مال خودمان بود.

چه کسی به فکر احداث تعاونی افتاد؟

من گفتم که چنین فکری دارم. گفتم که منطقه، بعد از تولید پتانسیل کار را دارد. تولید ما خوب است یک مقدار به رفسنجان می رود، اگر ضرر داشت که آنجا نمی رفت. از اداره تعاون آمدند و گفتند که تعاونی این چنین است. آن زمان هم اول بحث اتحادیه ها و تشکلهای بود و حمایت می کردند. می خواستیم که

با نفوذ آن ها، از پشتوانه مردم استفاده کنیم، چون خودمان باغ نداشتیم و از پشتوانه باغ های اعضا استفاده کنیم و عملاً آن اتفاق نیفتاد. یک فعال اقتصادی شدیم که مجبور بودیم ریسک کنیم، یک عده ای هم قبول نداشتند.

همه اعضای شما باغدار بودند؟

باغدار بودند ولی گاهی تر می فروختند.

از باغدارهای قدیمی کسی پیش شما می آمد؟

نه.

کسی از باغداران قدیمی عضو تان شد؟ باغدارها هم عضو ما شدند ولی در سال های بعد، چون ترفروشی برایشان خیلی جذاب تر و شیرین تر بود و عملاً احساس نیاز نمی کردند که به ضبط ما بیاورند. پسته های فندق که کرمانی ها کاشته بودند و بخشی از مازاد پسته تازه خوری را برای فرآوری می آوردند. خواستیم که از نفوذ دولتی ها استفاده کنیم تا کمک کنند، بسیاری از افراد خیلی از ایده ها را قبول نکردند و از بانک ها وام گرفتیم و خیلی به اعضا متکی نشدیم.

چند نفر از اعضای شما باغ داشتند؟

از ۱۸۰ نفر

الان همین اعضا استقبال می کنند؟

نه ما روی باغات اعضا حساب نکردیم. گروه های دیگری می آیند. سیاست گذاری ما این نیست که حتماً اعضا بیایند. هرچند که از این قضیه استقبال می کنیم ولی آن ارتباط را نتوانستیم برقرار کنیم. بعد از اینکه احساس کردیم مشارکت نمیکنند مجبور شدیم ادامه دهیم.

از این تعاونی هیچ چیز عاید سهامداران تان هم شد؟

سهام ۳۰ هزار تومان را در طول زمان به ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان خریدیم.

الان چند درصد سهام متعلق به خودتان است؟

۶۰ درصد سهم خود و یکی از دوستان که از اول با هم بودیم.

در صحبت هایتان اشاره کردید که شما

بعد از آقای داوری نژاد یک خط تولید را راه اندازی کردید. آن زمان چقدر هزینه داشتید؟ چقدر درآمد داشتید؟ در مقطعی بودید که فکر کنید اشتباه کردید که در این حوزه سرمایه

گذاری کردید؟

نه.

۴۰۰ میلیون وام گرفتید، در چند سال این هزینه اولیه تامین شد؟

سود عملیاتی ما بالا بود. چون به بانک ها بدهکار بودیم خیلی طول کشید تا دو، سه سال پیش وضعیت ما اینطوری نشده بود که درآمد فرآوری در آن رقم معنا دار باشد. فعالیت های دیگری کردیم خرید و فروش داشتیم. کود و کمپوست تولید کردیم که از کار فرآوری بهتر بود.

الان هم کار تولید کود را انجام می دهید؟

در سطح وسیع انجام می دهیم. یعنی در حد تناژهای خیلی بالا کمپوست تولید می کنیم. ۲۰ کیلومتر دورتر در طراحی هایمان مرکز ثقل درست کردیم. کارخانه ها هم نزدیک ما آمدند که ضایعاتشان را ما می آوریم.

یعنی شما در هسته مرکزی بقیه واحدهای فرآوری هستید؟

دقیقاً. چون نزدیک هستیم، هزینه جمع آوری نداریم. چون ماشین آنجا می رود و ما روی زمینی که داریم می ریزیم. غیر از مجموعه ترمینال، آنجا تبدیل به کمپوست می شود.

در حال حاضر چند واحد فرآوری در آن منطقه دایر است؟

۵۰ خط. مجموع ظرفیت فرآوری شهرستان، ۶۰ هزار تن است.

تولیدتان چقدر است؟

حدود ۲۰-۲۵ هزار تن برای تازه خوری می رود. ما پیک ۶۰ هزار تن تولید داشته باشیم، ۲۵ هزار تن معادل خوشه اش برای تازه خوری می رود.

چه چیز باعث شد این همه هزینه در قسمت فرآوری کنند؟

ما واحدهایی داشتیم که سال گذشته ۲۰۰ تن زدند، ولی ۶۰۰ میلیون خرج کردند تا فرآوری زنند. این عدم آگاهی کشاورزهاست. تصور می کنند مرغ همسایه غاز است. از طرفی هم بانک ها بالای ۱۸ درصد وام می دهند در صورتی که در شروع کار گفتند که وام ۷ درصد می دهیم و ندادند. تازه خوری، دو مزیت دارد " هزینه جمع آوری کمتری دارد " رویش بهتر است. چون مالک ها متوسط و کوچک بودند یکسری دلال های ۵ تن، ۳ تن، ۲ تن و هر



تهران و شیراز و شهرهای دیگر الان با توجه به افزایش قیمت دلار و با کوچک شدن بازار به ضرر افتادند. گروهی که مانده بودند در بازار بمانند، فرآوری زدند. گروهی از فعالینی که وارد این بخش شدند محاسبه اقتصادی نداشتند.

سُغ در خراسان ظاهراً تولید با فرآوری پیوند خورده یعنی خیلی از واحدهای فرآوری تولید هم دارند درست می گویم؟

سُغ شما وارد عرصه تولید شدیدی؟ نه.

سُغ چرا؟

توجیه ندارد. قیمت ها خیلی بالاست.

سُغ یعنی از نظر شما تولید پسته چندان اقتصادی نیست؟

در آن منطقه اقتصادی نیست. چون قیمت ها خیلی بالاست. هر ساعت آب ۱۰۰ میلیون تومان. هکتاری سیصد، چهارصد میلیون تومان. میانگین های تولید ما ۲/۷ تن، خشک در هکتار است. الان دیگر آنجا تولید اصلاً توجیه ندارد. کسانی که از قبل سرمایه گذاری کردند الان سودش را می گیرند.

سُغ یعنی الان وضعیت تولید برای کسانی که از قبل سرمایه گذاری کردند سودآور است؟

خیلی مناسب است. چون عملکردها بالاست. هزینه تمام شده شان نسبت به کرمان پایین است، چون عملکردهای آنجا روی وارینه های خاص بالاتر است.

سُغ در واحدهای فرآوری، برندهای مختلفی در منطقه رفسنجان فعالیت می کنند. شما در انتخاب خط تولیدتان چه پارامترها و مولفه هایی مد نظر قرار دادید که از آقای وثوقی خط خریدید؟

من فکر کردم که می خواهیم یک فعالیت اقتصادی شروع کنیم بقیه سازنده ها تکنولوژی ضبط کردن پسته را به ما نمی دادند، دستگاه می فروختند ولی ما چون احساس کردیم که ایشان دلسوز پسته هستند و از طرفی با ظرفیت های ما می خواند. یعنی پسته ای که از خط ایشان درمی آید با پسته ی بومی بادامی ما خیلی خوش رویت می شد.

پوست بادامی ما سفید است و پسته ایشان خیلی

سفید درمی آمد و بازار پسند بود. هم تکنولوژی ضبط کردن را می خواستیم از ایشان یاد بگیریم. دیدیم که بقیه کارخانه دارند و فقط دستگاه می فروشند و بعداً فقط خدمات می دهند. اولین بار باید بازاری سازی می کردیم به این ها توجه کردیم که پسته سالم و کم تلفاتی در بیاید و پرت نداشته باشد.

سُغ خطی را که سال ۸۱ راه اندازی کردید توسعه هم دادید؟

۸۱ با یک خط شروع کردیم. ۸۲ توسعه مختصری دادیم و یک خط دیگر اضافه کردیم. ۸۳ فشار بار خیلی زیاد بود و برای فرآوری خیلی بار آمد دو خط دیگر توسعه دادیم.

سُغ در حال حاضر ظرفیت فرآوری شما چقدر است؟

حدود ۳ هزارتن تا ۳ هزار و دویست، سیصد تن را می توانیم فرآوری کنیم.

سُغ الان بزرگ ترین واحد فرآوری کننده منطقه هستید؟

تقریباً بله.

سُغ در صحبت هایتان اشاره ای کردید به چالش های حال و آینده این صنعت علاقمند هستم که بدانم امروز که اینجا نشستید چه نگرانی هایی نسبت به فرآوری در منطقه تان دارید؟

یکی از مشکلات فرآوری، کوچک شدن واحدهای فرآوری است. با توجه به بحث هدفمندی پارانه ها و با توجه به واقعی شدن قیمت ها، اگر حامل های انرژی نرخ اش واقعی شود، واحدهای بزرگ فرآوری به اصطلاح با انرژی های خیلی ارزان توسعه پیدا کردند، در استان خراسان این تهدید وجود دارد واحدها کوچک و غیر قابل مدیریت شوند.

سُغ در مدیریت انرژی در واحدهای فرآوری منطقه چقدر حساسیت وجود دارد؟

اصلاً حساسیتی وجود ندارد.

هنوز متوجه این جریان نیستند و کسی برایش تدبیری نیاندیشیده است.

سُغ پیش بینی شما این است که واحدهای کوچک توسعه پیدا می کنند؟

بله و اقتصادی نخواهد بود.

سُغ در شکل گیری و تداوم صنعت فرآوری در منطقه شما، کرمانی ها چقدر نقش داشتند؟

به آن صورت نقشی نداشتند. هیچ کس تکنولوژی ضبط را نیاورده است فقط دستگاه فروخته است. چون حجم محصول بالا می رود، دستگاه های صنعتی بهتر جواب می دهند. ما بیشتر دنبال بحث انتقال تکنولوژی ضبط بودیم نه صرفاً دنبال خرید دستگاه. بقیه فقط دستگاه ها را می فروشند.

سُغ در بخش تولید، فندقی ها را کرمانی ها کاشته بودند؟ کدام منطقه؟

بله؛ در فیض آباد. منطقه ای داریم که مالکین آن کرمانی ها (زرنی ها) هستند. آقایون روغنی که ۳۰۰ هکتار دارند. یک منطقه به نام نخعی ها است. تقریباً ۲۰-۳۰ حلقه چاه است که همه به سبک و سیاق کرمانی هاست.

ولی منطقه در حال تغییر پیوند است و الگوی عملکرد بالا است. غیر از کرمانی ها که مقاومت نشان می دهند، بقیه احساس خسران کردند. چون عملکرد ندارد، برمی گردند.

خیلی ها تغییر پیوند می دهند و به سمت بادامی می آیند. فندقی ها را هم می برند و احمدآقایی پیوند می زنند. از طرفی ما درخت ۳۰۰-۴۰۰ ساله جلو چشمان داریم که در طول ۴۰۰ سال برایش اتفاقی نیافتاده، ولی سابقه احمدآقایی نداریم که ببینیم ۲۰۰-۱۰۰ ساله اش چه می شود.

سُغ الان چند هکتار زیر کشت دارید؟

۲۵ هزار هکتار در فیض آباد

سُغ چند چاه موتور دارید؟

۴۰۰ تا. البته این ۵۰ درصد تولید استان است. ۴۰ درصد سطح زیر کشت جابه جا می شود یعنی ۵۰-۵۰ می شود. یزد در حدود سال ۸۲ دومین تولیدکننده بود. سطح زیر کشت ما بیشتر بود و به مرز ۵۵-۵۵ رسیدیم. آن ها ۲۰-۲۲ هستند چون استان پیری هستند ولی ما استان جوانی هستیم.

دقیقاً آمارها را مطالعه می کردم یزد استان دوم بود با ۲۰ هزار تن، خراسان ۱۶-۱۷ تا ۱۸-۱۹ تا بود. یعنی استان سوم و سطح زیر کشت دوم بودیم.

سُغ الان شما ۲۵ هزار هکتار دارید و می گوئید که پنجاه درصد تولید دست ماست؟

۴۰ درصد سطح زیر کشت و ۴۰ درصد تولید، الان شهرهای اطراف هم تولید و هم سطح زیرکشتشان بیشتر شدند.

غفار ارغیانی تولید کننده پسته در خراسان شمالی مطرح کرد

دنباله رو کسی هستیم که اطلاعات بیشتری دارد

نیشابور مدیون آقای زین العابدینی است



ماهنامه پسته - غفار ارغیانی لیسانس کشاورزی دارد. او پایان نامه‌ی دوران لیسانسش را با موضوع پسته انتخاب کرده و به پسته کاری در خراسان شمالی پرداخته است. با ارغیانی در خصوص آغاز پسته کاری در استان خراسان شمالی به گفت‌وگو پرداختیم که می‌خوانید.

آقای ارغیانی! چرا موضوع پایان نامه تان را پسته انتخاب کردید؟

در سال ۱۳۶۸ با بازدید از باغ مرحوم دکتر ادیب - به عنوان اولین باغ قدیمی منطقه - اقلیم منطقه را برای پسته کاری مساعد دیدم. از سال ۱۳۶۹ به مطالعه‌ی منطقه و پسته پرداختم. در سال ۱۳۷۱ فارغ التحصیل شدم و از سال ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ کاشت پسته را شروع کردم.

در چه منطقه‌ای؟

در شمال سبزهوار منطقه‌ای به نام صفی‌آباد که از توابع شهر اسفراین و در محدوده‌ی استان خراسان شمالی است.

قبل از شما کسی در آن منطقه پسته کاری کرده بود؟

قبل از انقلاب آقایان مهدوی، باغ ۵۰ ساله‌ای در منطقه‌ی ما داشتند. این باغ حتی پس از ۵ سال خشکسالی، سرپا مانده بود و با منطقه ما پنج کیلومتر فاصله داشت. با اطلاعاتی که از آقای دکتر ادیب گرفتم و با توجه به اینکه اقلیم آن‌جا مناسب پسته است، کاشت پسته را شروع کردم.

باغ ریزی شما با چند هکتار شروع شد؟ سال اول با سه هکتار شروع کردم.

قبل از پسته کاری، محصول دیگری در آن زمین کشت می‌شد؟

بله؛ گندم و جو.

پس از زراعی به باغی تبدیل کردید؟

بله؛ بعد از سال ۷۵ پسته‌ای که برای خود کاشتم، برای دوستان دیگر در سایر مناطق سبزهوار کاشتیم.

مشکل اقلیم و آب و هوا است. ما گندم و جو را در فصلی می‌کاریم که پسته خیلی به آب احتیاج ندارد. مشکل دیگر هم مربوط به مالکیت می‌شود، ما در چاه‌های کشاورزی، مالکیت‌مان بر آب مشاع است، از سفره‌های زیرزمینی آب استفاده می‌کنیم. در واقع آبی را که می‌خواهیم در فصل مساعد به پسته بدهیم، به دلیل شراکت مجبور به برداشت می‌شویم.

منظورم این است چرا سراغ گندم و جو رفتید و سراغ محصول جایگزین دیگری نرفتید؟

در فصلی که گندم و جو به عمل می‌آید محصول آنچنانی دیگری نیست که جایگزین کنیم. مگر اینکه کسی آبش را برای پسته کاری ذخیره کند که عملاً شدنی نیست. ذخیره آب حداقل در چاه‌هایی که بین مالکین مشاعی و مشترک است، عملاً امکان پذیر نیست.

شما چگونه رقم پسته سازگار با منطقه را یافتید؟

در سال ۷۷ یازده هکتار به باغ اضافه کردم که در مجموع ۱۴ هکتار باغ پسته ۱۷ ساله شد.

از چه سالی تولید پسته برای شما صرفه اقتصادی داشت؟

در سال دوم پیوند اکبری زدیم و سال چهارم محصول داشتیم، از سال ششم و هفتم محصول اقتصادی بود.

آب باغات را چطور تامین کردید؟

در باغات عمدتاً چاه عمیق داریم که دو شبانه روز از چاه عمیق را مالک هستیم. به نسبت آنچه که آب داریم، کشت کردیم. کرمانی‌ها می‌گویند خراسانی‌ها هوشمندانه پسته کاری می‌کنند. چون ما با آب بهاره پسته می‌کاریم، آب زمستانه را به زراعت گندم و جو اختصاص می‌دهیم. به همین دلیل مشکل کم آبی نداریم. درواقع به اندازه آبی که در تابستان می‌توانیم آبیاری کنیم پسته کاشتیم.

مصرف آب جهت زراعت گندم و جو، اقتصادی است؟

دو مشکل وجود دارد؛ یک، نیاز شدید کشور و دوم،

سراغ روش‌های نوین آبیاری نرفتید؟
EC بالاتر از ۴۰۰۰ آب، اجازه نمی‌داد که آبیاری قطره‌ای شود، چون نازل‌ها و قطره چکان‌ها می‌گرفت. دولت هم سوبسید نمی‌داد و حمایت نمی‌کرد. از سه، چهار سال پیش که دستگاه‌های پیشرفته قطره‌چکان آمده و نوع آبیاری‌ها متفاوت شد، دولت حمایت می‌کند. اما به دو دلیل به این سمت نرفتیم؛ یک اینکه هنوز امتحانش را در پستی چند ساله پس نداده بود که آبیاری قطره ای اخیراً سه، چهار سال است در کرمان نتایجش درآمده و راضی هستند و دوم اینکه مشکلات آبیاری سیستم‌های جدید بیش از استفاده‌اش است. ما مثل کرمان کرتی آبیاری نمی‌کنیم.

سراغ شما چطور آبیاری می‌کنید؟
سال اولی که پسته را می‌کاریم از کنار نهال آب می‌زنیم، سال دوم از طرف دیگر نهال آب می‌دهیم. سال سوم به جهت گسترش ریشه از هر دو طرف آبیاری می‌کنیم بعد از آن هر سال ۲۰ سانت، ۴۰ سانت جوی‌ها را از هر دو طرف تنه درخت عقب می‌کشیم که ریشه به آب عادت کند و گسترش یابد. چون اعتقاد ما بر این است که ما در یک نقطه فقط مواد غذایی نداریم در تمام نقاط فاصله بین دو تنه مواد غذایی داریم. اشتباهی که دوستان کرمانی مرتکب شدند این است که تمام سموم از جمله نمک، در این مدت پروفیل خاک را تا سه، چهار متر مسموم کرده است. علتی که الان از آبیاری قطره‌ای خوشحالم این است که درخت دارد نفس می‌کشد، در روش غرقابی ریشه همه جا می‌رفت و به شوری می‌خورد، الان که آبیاری قطره‌ای آمده ریشه فقط یک جا می‌رود و احساس خفگی کمتری می‌کند. عموماً در منطقه ما آبیاری به سبکی است که گفتیم مثلاً آبیاری کرتی نداریم که دو طرف را پر آب کنیم ما جوی می‌زنیم و این جوی به تناسب سن درخت سال به سال عوض شده. شوری در خاک توزیع شده و یکجا تجمع شوری نداریم، ریشه گسترش پیدا کرده درخت شاداب‌تر است و آبیاری بهتر انجام می‌شود.

سراغ فاصله درخت‌ها چقدر است؟
عمدتاً فاصله ردیف‌هایمان پنج یا شش متر است. عموم منطقه، چهار متر کمتر نیست. غالباً در منطقه فاصله درخت‌ها چهار در شش است. ولی عمدتاً

نکرد. برای اینکه بتوانم وام بگیرم ۵۲ روز از اداره مرخصی گرفتم و می‌خواستم به دوستان بفهمانم که منطقه به سمت پسته کاری می‌رود. در حالی که آن زمان دولت در دامغان برای پسته کاری حمایت می‌کرد و وام‌های خیلی خوب می‌داد. به دو دلیل راضی نبودند که خراسان به سمت پسته برود؛ یکی اینکه آگاهی نداشتند و دوم اینکه جوی نبود که در منطقه خراسان هم می‌شود پسته کاری کرد. در مناطقی مثل کرمان و دامغان که پسته‌خیز بود، خیلی راحت حمایت‌های دولتی بود و اداره کشاورزی به آنها خدمت می‌کرد. تا پنج-شش سال قبل اصلاً در خراسان شمالی برای پسته کاری هیچگونه حمایتی نمی‌شد. با آمدن طرح طوبا کمک‌ها شروع شد.

سراغ طرح طوبا در توسعه پسته‌کاری چه نقشی داشت؟

فکر می‌کنم این طرح سال ۷۷ آمد. پروژه‌شان این بود که دولت به افراد زمین و آب واگذار کند تا بتوانند در مناطقی درخت کاری کنند. در منطقه ما بادام سابقه دیرینه‌ای داشت و اصرار داشتند که مردم بادام بکارند. منتهی در آن زمان باغات دیم بادام خشک می‌شد ولی باغات تک درخت پسته در همان بادام‌زارها مانده بود و ما هم تشویق‌شان کردیم که سمت بادام کاری نروند و به پسته کاری رو آورند و الان همان باغات به باغات خوب پسته تبدیل شده است. طرح طوبا کمک کرد عده‌ای با وام، جرات درختکاری پیدا کنند.

سراغ چقدر وام گرفتید و با آن وام چقدر توانستید پسته ریزی کنید؟

برای پسته‌ریزی باغ وامی نگرفتیم فقط برای احداث کانال، در باغ وام گرفتیم. حدود یک کیلومتر داخل باغ، جوی یا کانال سیمانی حفر کردیم که جوی‌های اصلی‌مان سیمان باشد.

سراغ چه سالی این کار را انجام دادید؟
فکر می‌کنم سال ۸۱ بود.

سراغ آن موقع شما با کمبود آب مواجه شده بودید؟

خیر، هنوز این مشکل را نداشتیم. اعتقاد داشتیم که باید پیشرفته کار کنیم. جوی‌های فرعی را کشو گذاشتیم تا احتیاج نباشد کارگر با بیل راه آب را باز کند. در تمام مسیر هر دو جوی یک کشو، تعبیه کردیم. این کار جدیدی بود که انجام دادیم.

به جهت مطالعات و بازدیدی که انجام داده بودیم، رقم پایه را انتخاب کردیم. بر خلاف پسته کاری مرسوم هر بذری را استفاده نکردم. از بذر پایه عباسعلی دامغان استفاده و نهالش را در نایلون تولید کردم و الان می‌دانم پیوند و پایه‌ام چیست. آن زمان پیوند را اکبری زدیم و در منطقه مشخص نبود که پیوند اکبری چه جوابی می‌دهد. با توجه به مطالعاتی که کرده بودم پسته اکبری را پیوند زدم و خوشبختانه با منطقه مساعد بود و خوب جواب داد. اما غالب کشت پسته منطقه، پیوند کله قوچی است.

سراغ فکر می‌کنم زمانی که شما شروع به تولید کردید کشاورزی از روش‌های سنتی فاصله گرفته بود. درست است؟

منطقه ما اینطور نبود. در منطقه ما کشت، کشت سنتی بود. الان هم به جهت شور بودن آب، کشت‌ها نسبتاً سنتی است. البته ادوات مکانیزه است اما به خاطر شوری آب، به آن صورت ما نمی‌توانیم کشاورزی مدرنی داشته باشیم. ما زمانی که شروع کردیم با افت و خیزهایی مواجه بودیم. خیلی‌ها با پسته کاری مشکل داشتند حتی به ما طعنه می‌زدند اما بعد از ما، حدود ۲-۳ هزار هکتار پسته کاری در منطقه شروع شده و بسیار رشد داشته است. آن زمان کشاورزی دقیقاً سنتی بود و پذیرش برای کارهای این‌چنینی بخصوص که دیر بازده است، سخت بود.

سراغ چقدر از تاریخ پسته در منطقه خودتان اطلاع دارید؟ علاقمندم که افراد مهم آن منطقه و اینکه هر کدام چه نقشی در پسته کاری منطقه را داشتند از شما بشناسم.

خراسان یکی از مناطقی بود که پسته از قدیم‌الایام در آنجا بوده و این مطلب را در کتاب‌های ابریشمی راجع به اینکه پسته در خراسان بوده، می‌بینیم. در حال حاضر در منطقه خودمان آثار پسته قدیمی را، غیر از پسته‌های جنگلی - بنه - حوالی سرخس داریم. آقای مهدوی قبل از انقلاب در صفی‌آباد اسفراین که منطقه‌ی پسته‌خیز خراسان شمالی است، پسته کاری را به سبک جدید شروع کردند. از ما کسی جلوتر نبوده و اگر هم بوده در مقیاس تجاری نبوده است.

سراغ نقش دولت در توسعه پسته کاری در منطقه چگونه بود؟

اوایلی که پسته را کاشته بودیم، دولت هیچ حمایتی

صد در صد آمده، منتهی سازمان یافته نبوده. سینه به سینه نقل شده و سیستماتیک نبوده.

آینده پسته کاری را در خراسان شمالی چطور می بینید؟

فکر می‌کنم آینده خراسان شمالی برای پسته کاری مثل سایر خراسان‌ها و بلکه بهتر از سایر خراسان‌ها باشد. به دلیل اینکه در خراسان شمالی ما سه فاکتور خیلی مهم داریم، اولین فاکتور شرایط بسیار خوب اقلیمی است، دوم، فاکتور آب است که ما در خراسان شمالی مشکلی نداریم و سوم بکر و حاصلخیز بودن زمین کشاورزی است.

برنده خراسان شمالی باشد؟

صد در صد. امسال استاندارد پسته خراسان شمالی را برای دومین سال گرفتیم. من به جرات می‌توانم بگویم هر چند فعلاً تناژ اندک است، ولی با گسترش بی‌رویه و شدید پسته کاری در خراسان شمالی، در آینده نه چندان دور شاهد خواهیم بود که پسته پاکیزه و تمیز از خراسان شمالی به جهت سه مطلبی که عرض شد برای سطح کشور و خارج از کشور داشته باشیم. ضمن اینکه نکته بسیار ظرفی هم هست و اینکه پسته کاری در کرمان و خراسان رضوی و جنوبی پسته کاری قدیمی است. اما چون خراسان شمالی دیرتر از سایر استان‌ها شروع کرده، باید بپذیریم که اطلاعات به روزتری هم در این استان شکل گرفته. بنده ۱۰ سال پیش پسته اکبری پیوند زدم. کرمان تازه به سمت اکبری روی آورده است.

بازار پسته‌تان کجاست؟

متأسفانه نهاده‌ها بعد از تولید ما شکل نگرفتند. ما باید به سرعت به سمت نهاده‌ها برویم. بعد به سمت احداث ترمینال‌ها، بسته‌بندی و بازاریابی و کم کم بتوانیم بازاری برای خودمان متناسب با اقلیم پاک و محصول پاک‌ی که در منطقه داریم دست و پا کنیم. از این بابت از دوستان کرمان استمداد می‌طلبیم که حاضریم تعهد بدهیم می‌توانیم پسته خوبی را به آن‌ها تحویل دهیم. اگر چنانچه ساز و کارهای جذب یک پسته سالم را داشته باشند. حاضریم که در مقیاس تناژ بالا تعهد دهیم که منطقه را بسیج و جمع‌آوری کنیم و پسته خوب تحویل دهیم به نوعی که روی بار تجاری حساب کرد. این بضاعت و استطاعت در منطقه وجود دارد.

چه تعداد چاه را دولت خرید؟

دولت با پول شرکت نفت آمد و چاه‌ها را بست. گفت اگر نمی‌توانید از این چاه‌ها بهره ببرید من حاضرم که هزینه‌اش را به شما بدهم. اگر این کار را در حال حاضر انجام دهند خیلی خوب است. متأسفانه همین امسال کشاورز ما محصول گندم‌اش را سرما زد و خیلی از کشاورزها ایشان را از چاه کشیدند. من هم مجبورم برداشت کنم، باید حقایق را بگیرم. من مجبورم این آب که هزاران و میلیون‌ها سال است آن زیر برای من و آینده من نگهداری شده، را از زمین استحصال کنم، به دلیل اینکه من تحصیل کرده با یک نفر کم سواد شریک هستم مجبورم به جهل او رفتار کنم و به دانش خودم نمی‌توانم رفتار کنم. الان آبی که از زمین استخراج می‌شود نباید در مزرعه برود، آن آب خیلی گران تر از آن گندمی است که به آن طریق سبز می‌شود. ما آبی را که بانک ما زیر زمین است به زور استحصال و خارج می‌کنیم.

عمق چاه‌ها چقدر است؟

عمق چاه‌ها زیاد نیست عموماً ۱۲۰-۱۳۰ متر بیشتر نیست.

کرمانی‌ها هیچ نقشی در توسعه پسته در خراسان شمالی داشتند؟

باید بگویم کم. چون از وضعیت خراسان شمالی مطلع هستم که پسته کاری چقدر است. البته ناگفته نماند خیلی از دوستان و بزرگان کرمان که همیشه من از آن‌ها به نیکی یاد کردم، جسته و گریخته با منطقه خراسان آشنا هستند و الگوهای را دادند، اما اینکه عملیاتی کاری را انجام دهند بشود الگو- به سبکی که در نیشابور آقای زین‌العابدینی بیست و پنج سال پیش از رفسنجان آمدند، و باغ احداث کردند و نیشابور ممنون و مدیون ایشان است- به آن سبک در خراسان شمالی نداریم که این کار انجام شده باشد. آقای دکتر اسماعیلی هستند که در نزدیک اسفراین کار می‌کنند باغ دایر کردند عمر باغشان هم بالا است. قبل از خود ما جسته و گریخته آقای محسن غدیر ۲۷:۴۰ این کار را انجام دادند و این‌ها با دوستان کرمانی ارتباط داشتند و کار کردند، اما در مقیاس بزرگی نبوده کار کوچکی بوده.

یعنی هیچ دانشی از کرمان به خراسان شمالی نیامده است؟

شبهه آبیاری ما بر این مبنا است که با جوی پشته آب می‌دهیم. فاصله درخت با جوی سال به سال می‌تواند زیاد شود، و گسترش ریشه داشته باشیم و کود حیوانی را ما در جوی‌ها می‌ریزیم ولی پخش نمی‌کنیم که تمام خاک مصرف شود. فکر می‌کنم مصرف آب ما در نهایت با مصرف آبیاری تحت فشار تقریباً نزدیک است. در بازدیدی که از کرمان داشتیم دوستانی که خودشان آبیاری تحت فشار انجام دادند به جهت کثیفی فیلترها، تعمیر و نگهداری، از سبک آبیاری قطره‌ای دارند کم کم خارج می‌شوند و به سمت آبیاری‌هایی که اصطلاحاً می‌گویند "کم فشار" روی می‌آورند، چون سیستم فیلتراسیون‌اش خیلی پیچیده نیست کمی سازگاری بیشتری با آب‌های ما دارد.

در عرصه کشاورزی ایران ما شاهد شکل‌گیری شرکت‌های تعاونی کشاورزی بودیم در منطقه شما شرکت‌های تعاونی هم شکل گرفتند؟ اصلاً تعاونی‌ها در توسعه پسته کاری نقشی داشتند؟

در منطقه‌ی ما پسته نوپا است و هنوز تعاونی‌ها نتوانستند شکل بگیرند. در حال حاضر بیشتر به لیدر توجه می‌کنیم و دنباله رو کسی هستیم که اطلاعات بیشتری دارد. در منطقه ما دقیقاً راه گذشتگان خودشان را می‌روند. گذشتگان کسانی هستند که پیش‌تاز بودند و به همین ترتیب عموم مردم از کسانی که از آن‌ها پیش‌کسوت‌تر بودند، الگوبرداری کردند. بنابراین چون شرکت‌های تعاونی نمی‌توانستند نقش پیش‌کسوتی داشته باشند، خود به خود تشکیل نشدند.

در سال‌های دهه ۶۰ در سراسر ایران شاهد رشد قارچ گونه چاه‌های آب بودیم که بعضاً غیر مجاز هم بودند چون دشت‌ها ممنوعه بودند. این وضعیت در منطقه شما به چه صورت بود؟

کمابیش ما هم به این وضعیت دچار هستیم. البته نه به شدت کرمان و رفسنجان. ما باید بپذیریم که به هر حال چاه‌های کشاورزی بی‌رویه استفاده شد. بعد از اینکه استفاده‌های بی‌رویه شد و درآمد اقتصادی هم نداشت گاه‌ها خود اداره آبیاری آمد و بعضی از چاه‌ها را با پرداخت پول خرید.

چه سالی این طرح اجرا شد؟ ده، دوازده سال پیش این کار انجام شد.



مهندس مرادی در گفت‌وگو با ماهنامه پسته :

دکتر ادیب طرح مشارکتی باغ‌ریزی پسته را اجرا کرد

ماهنامه پسته - مهندس مرادی در حال حاضر مدیریت باغات مجموعه مرحوم دکتر ادیب را بر عهده دارد. با او در خصوص تجربه و سابقه کشت پسته در این منطقه خراسان به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

آقای ادیب، کاشت پسته را چه زمانی شروع کردند؟

آقای ادیب در سال ۱۳۴۴ به منطقه سلطان‌آباد آمدند و با اهالی روستای رباط جذب و خوشاب طرح شراکتی ریختند و در سال ۱۳۴۷ کاشت پسته را شروع کردند.

از آب قنات یا چاه استفاده می‌کردند؟
آب چاه؛ دوحلقه چاه عمیق.

در چه منطقه‌ای؟
در خوشاب و رباط جذب.

یعنی این چاه‌ها هنوز وجود دارند؟
بله؛ آن زمان چاه‌هایشان هر کدام ۵۰ لیتر آب داشت که به علت خشکسالی آب کم شده است. بیشترین آبی که در این چند سال داشتیم سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ بود که هر چاه ۳۵ لیتر برثانیه آب داشت. متأسفانه الان هر چاه ۲۵-۲۷ لیتر برثانیه بیشتر آب ندارد.

چرا سراغ پسته کاری رفتند؟
در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۸ شروع به کاشت درخت میوه‌های مختلف کردند ولی همه خشک می‌شدند. درخت‌هایی که در حاشیه کوهپایه رشد می‌کنند مثل آلو، گلابی، سیب و ... آنجا رشد نکرد. بعد کاشت پسته را شروع کردند و خوب جواب داد.

یعنی برای کاشت پسته آزمون و خطا کردند؟
متأسفانه آن زمان به علت عدم آگاهی کافی، فاصله بین درخت‌ها رعایت نشده بود. چون درخت‌های

میوه‌ای مثل گیلاس، آلبالو و... تراکم‌اش بالا است، نیازی نیست که نظم داشته باشد. اما در پسته این‌طور نیست.

باید حتماً فاصله‌های کافی باشد تا درخت شکل‌اش را بگیرد. متأسفانه باغات ما یکدست نیست. یعنی پسته فندق، احمدآقایی، اکبری و کله‌قوچی دارد و نامرتب است. برای فصل برداشت مشکلی که داریم این است که یک بار باید در کل باغ رقم احمدآقایی را جمع کنیم، یک بار فندق و به همین ترتیب.

باغ‌شان چند هکتار است؟
مجموعاً ۱۲۰ هکتار.

پسته کاری را از چند هکتار شروع کردند؟

سال اول درخوشاب هشت هکتار، بعد در رباط جذب بیست هکتار را کاشتند.

در سال ۱۳۶۷ نقشه کشی و طرح ریزی یک باغ چهل هکتاری را در رباط جذب کردند که متأسفانه در همان سال آقای ادیب به علت سرطان خون فوت شدند، بعد مدیریت باغ را خانم ادیب و برادرهایشان پیش بردند.

علاقتمند اشاره ای داشته باشید به دوران مدیریت خانم ادیب. ایشان رشته شان چی بوده؟ چطور توانستند باغات را اداره کنند؟
معلم بودند و بیشتر به کمک برادرانشان بود.

برادرانشان تجربه کار در کشاورزی را داشتند؟
خیر.

آیا کرمان نقشی در توسعه پسته داشته است؟

تا جایی که اطلاع دارم خیر. از رفسنجان چیزی نداشتیم که بخواهند اطلاعات تجربی بدهند.

چه رقمی از پسته را در این ۴۰ هکتار

کاشتند؟
کله قوچی.

سال‌های قبل چه؟
سال‌های قبل احمدآقایی و فندق بود.

چرا احمدآقایی و فندق؟
پیوندشان از روی تجربه بوده است.

احتمال اینکه این رقم‌ها از کرمان آمده باشند وجود دارد؟
بله، بیش از سی سال است با آقای موسوی از رفسنجان در ارتباط بودند و هستند.

ایشان در کار باغداری مشاوره داشتند؟
بله. در قدیم چند بار به نیشابور آمدند. باغ‌های بعدی را سال ۱۳۷۷-۱۳۷۸ احداث کردند. خانم ادیب در راستای کار باغداری، همزمان به خرید زمین مشغول بودند. چون در ابتدای کار آقای ادیب شراکتی کار کردند، یعنی زمین‌های روستای خوشاب و رباط جذب را سی ساله اجاره کردند.
کم کم آقای ادیب تا سال ۱۳۶۷، تعدادی از زمین‌ها را خریدند.

یعنی زمین و آب کاملاً جدا از هم هستند؟
جدا بودند. در حال حاضر بیش از نود درصد زمین‌ها- بالغ بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ هکتار- خریداری شده است و حدود ۱۲۰-۱۳۰ هکتار باغ است، الباقی زراعی است و در آنها جو می‌کاریم. سالی ۶۰ هکتار به صورت میانگین کشت می‌کنیم.

چرا جو؟
چون جو با پسته رابطه مستقیمی دارد.

یعنی بین درخت‌های پسته‌تان جو می‌کارید؟

نه؛ چون زمان آبدهی جو با پسته متضاد است.

فکر کردم برای اصلاح خاک، بین درختان جو می‌کارید!

من طرحی دارم برای کاشت زعفران ما بین پسته که هنوز اجرایی نشده است. هم درآمد زاست هم از اتلاف آب جلوگیری می‌کند.

تولید جو اقتصادی است؟ با توجه به آبی که مصرف می‌کنید؟

روش کاشت‌مان نیمه صنعتی است. ما در باغ و زراعت، مکانیزه کار می‌کنیم. حتی الامکان از نیروی انسانی استفاده نمی‌کنیم تا هزینه‌مان پایین بیاید. در هکتار ۶ تا ۶/۵ تن جو برداشت می‌کنیم. امسال هم زمستان سرد و خشکی داشتیم، باز هم هکتاری ۴ تن برداشت کردیم که میانگین خود استان و منطقه خودمان ۱/۵ تا ۲ تن بود. ما کاشت، داشت و برداشت را درست انجام می‌دهیم و آبیاری مناسب، کوددهی مناسب و آیش زمین‌ها را داریم. هر زمینی که بخواهیم بکاریم سه سال قبل آن زمین استراحت کرده و هر سال هم شخم‌اش می‌زنیم تا محصول خوبی دهد. از سال ۷۸ هم بحث برداشت پسته به حداکثر رسیده است.

چقدر برداشت دارید؟

برداشت ما چهارصد تن است که در هکتار ۳/۵ تن تر برداشت می‌کنیم. آن هم به خاطر اینکه سن درخت‌ها متفاوت است.

الانم با کمبود آب مواجه هستید؟

الان با کم شدن آب دچار مشکل شدیم و تازه به فکر افتادیم که بحث آبیاری قطره‌ای را لحاظ کنیم. در سفری که در شهریورماه به کرمان داشتم چهار طرح آبیاری را بررسی کردم، و بحث آبیاری قطره‌ای زیرسطحی، روسطحی، ثقیلی که میزان مصرف آب، صرفه جویی در آب، مشکلات و هزینه اجرای را درآوردیم.

برای منطقه ما با شوری آب که EC ۱۲ هزار است روش ثقیلی هم کم هزینه‌تر است و هم از لحاظ روحی و روانی فعلاً برای ما بهتر است.

در روش قطره‌ای چون سن درختان بالا است، احساس تنش در درخت برای ما زیاد است و بحث دیگر در حالت ثقیلی که بخواهیم آبرسانی کنیم احتیاج نیست کل باغ یکسال آبرسانی شود.

در قطره‌ای باید همان اول طرح ۱۲۰ هکتار را بنزید و لوازمی مانند سیستم انتقال، سیستم فیلتراسیون همه

برای ۱۲۰ هکتار خریداری شود، بعد اجرا شود. اما در روش ثقیلی می‌توانید باغ به باغ انجام دهید. ابتدا لوله ۲۰۰ و بعد لوله ۶۴ و ۳۲ را پخش و تقسیم می‌کنید و مشکلی ندارد. دو سال است که طرح جوانسازی درخت‌ها و اصلاح‌شان را شروع کردیم.

یعنی درخت‌ها را کله‌بر کردیم و دوباره پیوند زدیم. بعد از کله‌بر کردن پیوند یکسان می‌زنیم. پیوندمان هم بادامی است.

چرا بادامی؟

بادامی در منطقه ما خوب جواب داد. طرح‌مان این است که پسته‌های زودرس و دیررس را همزمان داشته باشیم تا زمانی که زودرس جمع می‌کنیم به پایان که رسیدیم دیر رس را شروع کنیم. اما از لحاظ محصول پسته کله‌قوچی بار خوبی به ما می‌دهد.

کله‌قوچی شکننده و آسیب‌پذیر نیست؟

چرا آسیب‌پذیری و خرابی‌هایش را قبول داریم. نخودی و دهن کج زیادی دارد و پسته خندان و مرغوبش درصدهش پایین‌تر از احمدآقایی است، اما پسته مرغوبی می‌دهد. در منطقه ما در قسمت خوشاب و رباط جذب یا منطقه سبزه وار سایز پسته کله قوچی ما تک است. یعنی صد در صد صادراتی است، اما احمدآقایی که برداشت می‌کنیم تماماً خندان است.

برگزاری کارگاه تغذیه زمستانه و هرس باغات پسته در خراسان

ماهنامه پسته - کارگاه یک روزه انجمن پسته خراسان با موضوع "تغذیه زمستانه و هرس باغات پسته" در بهمن ماه سال جاری با حضور بالغ بر ۲۵۰ نفر از کشاورزان، بازرگانان و فعالین صنعت پسته در شهرستان سبزوار برگزار شد. این دوره یک روزه با همکاری مرکز مشاوره پسته کاران از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۱۱ بهمن در سالن آمفی تاتر دانشگاه آزاد واحد سبزوار تشکیل شد. مدیر مرکز مشاوره پسته کاران و از اعضای پیوسته انجمن، ضمن خوشامدگویی و برشمردن پتانسیل‌های بالای منطقه سبزوار، خوشاب، جوین و جغتای، به محدودیت

ذخایر آبی و مدیریت آن پرداخت. دکتر علی اصغر آبسالان با اشاره به وجود خیل عظیم نهاده های کشاورزی تقلبی بر لزوم ارتقای دانش فنی فعالان این صنعت تاکید کرد.

در ادامه دکتر حسین حکم آبادی طی ۴ ساعت به آموزش در خصوص نحوه تغذیه باغات پسته در فصل سرما و آخرین الگوهای هرس پرداخت و به سوالات حضار پاسخ داد. در پایان جلسه نیز مهرداد ثقفی دبیر انجمن پسته خراسان با ارایه مختصری در خصوص پیشینه تجارت پسته در ایران از ابتدا تا کنون به مقایسه آن با فرایند صادرات این محصول در کشور

آمریکا پرداخت و ضمن یادآوری مشکلات پیش روی تولیدکنندگان و صادرکنندگان علی الخصوص در سال های اخیر بر لزوم تقویت انجمن پسته ایران به عنوان متولی اصلی این صنعت در کشور تاکید کرد. او در ادامه بطور اجمالی برخی خدمات این تشکل به اعضایش را برشمرد. پس از صرف ناهار در تالار پذیرایی کوثر مدعوین جهت بازدید به مزرعه آقای بیات در کیلومتر ۲۰ جاده سبزوار رفته و بصورت عملی در جریان متدهای کارا در هرس باغات پسته قرار گرفتند. این کارگاه در ساعت ۱۵ به کار خود پایان داد .

گزارش ماهنامه پسته از آخرین وضعیت تامین نیاز سرمایی درختان پسته بهترین مبنای تصمیم گیری تجارب باغداران است



متفاوت است.

است.

متاسفانه ناآگاهی‌های ما محدود به موارد ذکر شده در بالا نمی‌شود و در خصوص زمان روغن پاشی و میزان مصرف نیز اطمینان خاطر وجود ندارد. کارشناسان در صورت عدم تأمین نیاز سرمایی عموماً توصیه می‌کنند که از نیمه دوم بهمن ماه روغن پاشی صورت گیرد. در حالی که ممکن است باغدارانی وجود داشته باشند که تجربه روغن پاشی بعد از زمان ذکر شده را نیز داشته باشند.

هدف از این نوشته رد یا تایید تأثیر روغن پاشی نیست، بلکه اذعان و اعتراف به این واقعیت است که اطلاعات و تحقیقات ما در خصوص نیاز سرمایی محدود و ناقص است و اظهار نظر قاطعانه در این خصوص با توجه به دشواری‌ها و ابعاد مسئله و ناآگاهی‌های ما آسان نیست. براین اساس بهترین تصمیم‌گیر برای پاشیدن یا نپاشیدن روغن، خود باغدار است که باغ خود را با تمام جزئیات می‌شناسد و تنها به اطلاعات خام و توان تجزیه و تحلیل این اطلاعات نیاز دارد.

شایان ذکر است که تحقیقات متعددی برای تعیین اثر روغن پاشی روی درختان پسته از حدود ۱۷ سال پیش در آمریکا در جریان بوده است. نتایج این تحقیقات حاکی از این است که روغن پاشی باعث می‌شود که

از سویی مدل‌های متعددی برای تعیین ساعات سرمایی تعریف شده است که انتخاب هر کدام می‌تواند شرایط تصمیم‌گیری برای باغدار را تحت‌الشعاع قرار دهد. باید اذعان داشت که نتایج آن‌ها به طور کامل قابل اطمینان نیستند. برخی کارشناسان سرمای زیر ۷ را ملاک اظهار نظرهای خود قرار می‌دهند و برخی دیگر با سهل‌گیرانه خواندن مدل زیر ۷، محدوده ۰ تا ۷ درجه سانتیگراد را روش مناسب برای محاسبه نیاز سرمایی می‌دانند. این درحالی است که برای محاسبه نیاز سرمایی مدل دیگری نیز به نام مدل دینامیکی یا یوتا (UTAH) وجود دارد که اثرات گرم شدن هوا در فصل زمستان را نیز در محاسبات دخالت داده و ساعات خارج از محدوده محاسباتی را از مجموع ساعات سرمایی کسر می‌کند.

در این نوشته تلاش شده جهت درک بهتر موضوع میزان تأمین نیاز سرمایی شهرستان‌های کرمان و رفسنجان را با هر سه مدل محاسباتی نشان داده شود. افزون بر مسائل ذکر شده، زمان شروع محاسبات نیز سرمایی نیز محل مناقشه است. به عقیده برخی کارشناسان زمان شروع محاسبات سرمایی می‌تواند از ابتدای رکود درختان مبنای عمل قرار گیرد. در واقع باید توجه داشت که خزان درختان در باغات مختلف،

ماهنامه پسته- در سال‌های اخیر با افزایش نوسانات دمایی در فصل زمستان روغن پاشی زمستانه به یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی باغداران تبدیل شده است. با نزدیک شدن به نیمه بهمن‌ماه یکی از دغدغه‌های کشاورزان این است که آیا نیاز سرمایی درختان تأمین شده است و درختان امسال نیاز به روغن پاشی دارند؟ لازمه پاسخ دادن به این سؤال دانستن اطلاعات است تا به تصمیمی درست منجر شود.

درختان خزان کننده همانند پسته در چرخه رشد سالیانه خود به میزان مشخصی از سرما نیاز دارند تا پس از آن شرایط مناسب (فعل و انفعالات هورمونی) برای رشد و شکوفایی طبیعی جوانه‌ها فراهم شود. به حداقل زمان لازم از محدوده مشخصی از سرما که برای شروع رشد طبیعی گیاه نیاز است اصطلاحاً نیاز سرمایی گفته می‌شود. این نیاز سرمایی در ارقام مختلف پسته متفاوت است و با توجه به سن درخت می‌تواند تغییر کند. با توجه به تأثیر مستقیم ساعات سرمایی روی چرخه زندگی گیاه، عدم تأمین نیاز سرمایی می‌تواند اثرات نامطلوبی مانند: تلقیح نامناسب به دلیل ناهماهنگی بین باز شدن گل‌های نر و ماده، تأخیر در برگ دهی، کاهش بازده محصول، کاهش کیفیت میوه، ریزش جوانه‌های گل در پی داشته باشد.

در این چارچوب نخست باید دانست که میزان ساعات سرمایی و محدوده سرمای مورد نیاز چه مقدار است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان برای ارقام موجود در ایران میزان ساعت مورد نیاز بین ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ساعت اعلام شده است که برای ارقام زود گل همانند کله قوچی حد پایین و برای ارقام دیر گل همانند اکبری حد بالای آن در نظر گرفته می‌شود. در این تقسیم‌بندی ارقامی همانند اوحدی و احمد آقایی در محدوده میانی قرار می‌گیرند. قابل ذکر است که در خصوص اعداد ذکر شده با توجه به ضعف مطالعات و متغیرهای زیاد صراحتاً نمی‌توان اظهار نظر کرد و به نظر می‌رسد که بهترین مبنای تصمیم‌گیری علاوه بر محدوده‌های فوق، تجارب شخصی و سوابق عملیات باغبانی طی سال‌های گذشته

ساز، رشد درخت سریع تر می شود. روغن هایی که حاوی تعداد مولکول کربن بیشتری هستند به زمان زیادتری برای سوخت و ساز کامل احتیاج دارند. این باعث می شود که تحت شرایط آب و هوایی سرد، درخت دچار تنش شود و آسیب ببیند.

در ذیل اطلاعات تامین نیاز سرمایی مربوط به شهرستان های کرمان و رفسنجان با مدل های رایج محاسباتی نیاز سرمایی ذکر شده است. در جداول ۱ و ۲ نیاز سرمایی تامین شده تا ۷ بهمن ماه سال جاری، در دو بازه زمانی؛ از ابتدا آبان ماه و از نیمه آبان ماه، توسط هر سه مدل رایج محاسبه شده است.

هفتگی ثبت شده از شکوفه دهی، میوه نشینی و گسترش چتر درخت مشخص شد که رشد درخت پسته بخاطر پاشیدن روغن در اواسط ماه مارس کاهش می یابد. باید توجه داشت که شواهد علمی به حدی نیستند که بتوان گفت با روغن پاشی، میوه نشینی بهبود می یابد و یا این که اندازه دانه بیشتر می شود. بررسی اثرات روغن بر روی درختان پسته نشان می دهد: استفاده مکرر از روغن ها باعث افزایش صدمه به درخت می شود. از آن جا که روغن های معدنی از کربن ساخته شده اند، این روغن ها براساس میزان کربن به روغن های سبک و سنگین تقسیم بندی می شوند. درخت باید روغنی را که روی پوستش پاشیده می شود، مورد سوخت و ساز قرار دهد و در حقیقت با افزایش یافتن این سوخت و

درختان زودتر از خواب بیدار شوند، حرکت جوانه و شکوفه دهی یکنواخت تر باشد و در مدت زمان کوتاه تری اتفاق افتد و محصول درختان روغن پاشی شده ۵ روز زودتر قابل برداشت باشد. باید خاطر نشان کرد: نتایج مطالعات روغن پاشی روی چهار پایه مختلف که رقم کرمان داشتند، نشان داد که بین این پایه ها در نتایج بدست آمده تفاوت معناداری وجود ندارد. این درحالی است که نتایج روغن پاشی در اواسط ماه های ژانویه (۲۵ دی)، فوریه (۲۶ بهمن) و مارس (۲۴ اسفند) حاکی از این است که روغن پاشی در ژانویه و فوریه بطور معناداری روی تورم جوانه و گل دهی اثر دارد ولی روغن پاشی در اواسط ماه مارس اثری روی این پارامترها نداشته است. بر اساس مشاهدات

محاسبه مقدار ساعت سرمای تامین شده در شهرستان کرمان

ماه	مدل utah		مدل کمتر از ۷		مدل صفر تا ۷	
	اول آبان	نیمه آبان	اول آبان	نیمه آبان	اول آبان	نیمه آبان
آبان	۹۱,۵	۱۶۵,۷	۲۵۷	۱۸۹	۱۸۶	۱۱۸
آذر	۲۳۱,۵	۲۳۱,۵	۳۸۱	۳۸۱	۲۵۲	۲۵۲
دی	۲۱۸,۵	۲۱۸,۵	۳۸۲	۳۸۲	۲۴۶	۲۴۶
بهمن	۱۹۲	۱۹۲	۲۷۷	۲۷۷	۲۰۹	۲۰۹
۹ اسفند	۸۵,۵	۸۵,۵	۱۲۱	۱۲۱	۹۶	۹۶
مجموع	۷۳۳,۵	۸۰۷,۷	۱۲۹۷	۱۲۲۹	۸۹۳	۸۲۵

محاسبه مقدار ساعت سرمای تامین شده در شهرستان رفسنجان

ماه	مدل utah		مدل کمتر از ۷		مدل صفر تا ۷	
	اول آبان	نیمه آبان	اول آبان	نیمه آبان	اول آبان	نیمه آبان
آبان	۵۴	۱۴۸	۱۷۴	۱۶۹	۱۵۳	۱۴۸
آذر	۲۳۵,۵	۲۳۵,۵	۲۵۵	۲۵۵	۲۲۷	۲۲۷
دی	۲۰۳,۵	۲۰۳,۵	۲۷۳	۲۷۳	۲۰۸	۲۰۸
بهمن	۵۴	۵۴	۱۳۷	۱۳۷	۱۰۶	۱۰۶
۹ اسفند	۱۰۴,۵	۱۰۴,۵	۱۲۰	۱۲۰	۹۱	۹۱
مجموع	۵۵۶,۵	۶۵۰,۵	۷۹۶	۷۹۱	۶۵۱	۶۴۶

نهال خوب؛ تضمین سرمایه‌گذاری بلند مدت

روی ارقام بومی ایران کار نشده

شیرین دارید، نهال‌های پاکتی مناسب‌تر است. قطع ریشه در نهال پاکتی کمتر از نهال گل‌بری است. رضایی خاطر نشان می‌کند: جاهایی که دور آبی طولانی است، ماسه بریزیم تشنگی‌شان را کمتر و مقاومت نهال را به کم آبی بیشتر می‌کند. ولی برای اینکه رشد نهال بیشتر باشد، در تو کاریها، هر دو هفته یک بار، آب تکمیلی به آنها دهیم. او می‌افزاید: معمولا باغدار نهال‌هایی که خیلی نازک باشد و خیلی رشدشان زیاد باشد را انتخاب نمی‌کند. نهال‌های کلفت با رشد متوسط را انتخاب می‌کنند. معمولا رشد نهال‌های کم رشد را با کودهای شیمیایی تحریک می‌کنند. رشد نهال‌های متوسط در باغ بیشتر است.

جذب عناصر در پایه‌های مختلف، متفاوت است

او در پاسخ به این سوال که پایه چقدر در جذب عناصر مهم است، می‌گوید: پایه‌ها حتی در یک رقم، خیلی اختلاف دارند. ما در پسته تفرق صفات داریم. شما اگر ۱۰ تا ۱۵ درخت پسته بکارید، رشدشان با هم متفاوت است. رضایی در پاسخ به این سوال که آیا احتیاجی به یکنواخت بودن پایه‌ها هست، با بیان این‌که یکنواختی حسن‌های زیادی دارد، ولی یک ایرادی هم می‌تواند داشته باشد، می‌گوید: هر چه تنوع ژنتیکی بالاتر باشد، ریسک پایین‌تر می‌آید. مثلا اگر همه نهال‌هایتان کشت بافتی و یک پایه باشد، اگر حساسیتی ایجاد شد، تمام باغ از بین می‌رود. ولی اگر در پایه‌ها تنوع ژنتیکی بالا باشد، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصدشان باقی می‌ماند.

او این را هم اضافه می‌کند: ولی باز از لحاظ جذب عناصر، شما می‌بینید در یک ردیف خاک یکنواخت، شرایط ثابت، ولی رشد فرق دارد؛ این دیگر به خاطر ژنتیک نهال است. او در خصوص استفاده از پسته دهن بست به عنوان بذری، با بیان این‌که یک عارضه‌ای پیش آمده که پسته دهن بست شده‌است، می‌گوید: درخت‌هایی که دچار کمبود مواد غذایی می‌شوند، مغز آنقدر رشد نمی‌کند و پسته هم دهن بست می‌شود. اینها در رشد نهال شاید اثر منفی داشته باشد.

رضایی با اشاره به این‌که کشت نهال در رفسنجان دقیقا از ۱۵ اسفند شروع می‌شود، یادآور می‌شود: پسته دهن‌بست حتما باید یک ماهی بگذرد تا جوانه بزند و یک سرمای بییند و پوست شکسته شود تا بتواند جوانه‌اش

ماهنامه پسته- از آنجا که انتخاب نهال و بیجه مناسب نقش تعیین کننده و مهمی در آینده کشاورزی و حفظ ثروت های طبیعی و ملی دارد، دیدگاه برخی از فعالان صنعت را در این خصوص جویا شدیم.

مقاومت بادامی بیش‌تر است

یک کارشناس ارشد باغبانی در خصوص اهمیت نقش نهال می‌گوید: کمترین هزینه ای که در باغ داریم، تهیه نهال است و بیشترین مولفه‌ای که می‌تواند در عمر ۳۰ تا ۴۰ ساله باغ ما اثر بگذارد، نهال است. اگر روز اول بتوانیم نهال خوبی داشته باشیم، می‌توانیم تا ابد یک سرمایه‌گذاری بلند مدتی را تضمین کنیم.

مهندس حسین رضایی با بیان این‌که بهتر است بیشتر از پایه‌های بادامی استفاده کنیم، می‌افزاید: پایه‌های فندق و کله قوچی استفاده نمی‌شود، چون مقاومتشان کم است. رضایی می‌افزاید: نهال‌های فندق و کله قوچی رشد خیلی کم و به شوری و به کم آبی حساسیت خیلی بالایی دارند. ولی پایه‌های بادامی، مقاومت‌شان خیلی بیشتر است.

او با تاکید بر استفاده از بذره‌های مرغوب، اظهار می‌دارد: از بذره‌های نخودی که در غربالگری جدا می‌شوند استفاده نکنیم. او در پاسخ به این سوال که شاخص انتخاب نهال چیست، با تاکید بر این‌که نهال حتما باید گواهی داشته باشد، می‌گوید: ما نهالستان‌هایی در استان داریم که تاییدیه و مجوز سازمان جهاد کشاورزی را دارند که آلودگی به نماد، آفت و بیماری سنجیده شده و مرتب تحت نظارت هستند.

رضایی یادآور می‌شود: نهال‌هایی که از شهر بابک می‌آید تقریبا ۷۰ درصدشان نماد دارند. آنجا بافت خاک‌هایشان سبک است و از خاک‌هایی استفاده می‌کنند که در آنها قبلا جالیز کاری شده و خاکها آلوده‌اند. خاک‌ها را در نهال پلاستیکی می‌ریزند و نهال glandانی تولید می‌کنند. اگر این نهال را در باغ بگذارید، تمام سرمایه‌گذاری‌تان را زیر سوال می‌برد.

او در خصوص انتخاب بین نهال گل‌بری با پاکتی، می‌گوید: گل‌بری معمولا در خود موتور پمپ‌ها تولید می‌شود، اینها مقاومتشان بیشتر است. نهال گل‌بری جاهایی که آب شور می‌خورد، مناسب‌تر است. ولی اگر می‌خواهیم نهالی را به راه دور انتقال دهیم، یا آب

بیرون آید، ولی در خندان مشکلی ندارد، هر چقدر کشت‌تان عقب بیافتد در سبز شدن مشکلی ندارد.

با این حال رضایی بهترین زمان کاشت نهال را اسفندماه می‌داند و خاطر نشان می‌کند: اگر رشد نهالتان به تاخیر بیافتد و به گرما بخورد، رشدش خیلی کم می‌شود. معمولا پسته دهن بست را در بهمن ماه و خندان را در اسفند ماه می‌کارند. او در خصوص بیجه هم می‌گوید: بیجه اگر در پاییز کاشت شود، در مهر یا آبان ریشه فعالیت دارد و خودش را با شرایط آبی وفق می‌دهد. نهالی که آخر سال می‌کارید به آن ۲۰ روز گرما آخر فروردین و اردیبهشت می‌خورد و استقرارش سخت‌تر است. به تجربه ثابت شده نهال‌هایی که در پاییز کاشته شده خیلی بهتر هستند. او در خصوص نهال‌های پیوند خورده هم می‌گوید: در ایران به این صورت عمل نمی‌شود. در جاهایی به صورت محدود نهال پیوندی تولید کردند، ولی باغدارها خیلی استقبال نکردند و گفتند رشدشان کم است. ما بهتر است همان پایه را در زمین بکاریم بعد قوی که شد، سر برداری کنیم و پیوند زنیم.

رضایی با اشاره به لزوم رعایت فواصل بین درخت‌ها، می‌گوید: خاکی که زیر شکنی شده باشد، رشد نهال در آن خیلی بهتر است. یعنی یک درخت ۱۰ ساله در زمینی که لودر شده باشد، به اندازه یک زمین ۲۰ ساله درختش رشد دارد؛ حتما این کار را انجام دهند.

او می‌افزاید: کف چاله‌ای که نهال را در آن می‌کارید، با کود آلی، ماسه و یک مقدار کودهای شیمیایی مثل فسفات و پتاس پر کنند.

ارتفاع کم‌تر، بهتر

حمیدرضا رنجبر هم که از نهال با بذری احمد آقایی استفاده کرده است، می‌گوید: این پایه در مقابل آفات مقاومت زیادی دارد. اگر پایه چیز معیوب و بیماری باشد، خوب تا آخر معیوب است. من تا الان هم ناراضی نیستم.

او در پاسخ به این سوال که شما بین بادامی و احمد آقایی کدام را انتخاب می‌کنید، می‌گوید: بادامی انتخاب می‌کنم ولی بادامی مطمئن جایی پیدا نکردم. می‌دانم بهترین پایه در ایران بادامی است و متأسفانه پیدا نکردم. پسته اکبری هم به دلیل گرانی کسی کاشت انجام

او می‌افزاید: برای پسته دو تا بحث وجود دارد؛ اولاً معمولاً ریشه لخت خیلی کم استفاده می‌کنند بنابراین شما ریشه‌اش را نمی‌بینید مگر اینکه نهال‌های گلدانی را از داخل گلدان درآورده و ریشه‌اش را چک کنید و از نظر اندام هوایی نهال‌های پسته معمولاً کوتاهتر هستند. مگر پایه‌هایی که دوساله شده باشند. ولی ارتفاع نهال پسته یک ساله حداکثر ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر می‌شود. ولی ما خودمان نهال‌هایمان از ۱۰ سانتیمتر هست تا ۵۰ سانتیمتر.

استوار اظهار می‌دارد: من فکر نمی‌کنم برای نهال‌های پسته با بذر بادامی استاندارد وجود داشته باشد. بعضی کشاورزان نهال بلند می‌پسندند و بعضی نهال کوتاه با ریشه پر می‌خواهند.

او یادآور می‌شود: نهالی که ریشه‌اش پر باشد، احتمال اینکه گریایش بهتر باشد بیشتر است. به نظر من طول اندام هوایی خیلی ملاک نیست. نهالی که ریشه مناسب داشته باشد و در خاک مناسبی کاشته شود، احتمال اینکه در فصل رشد بعدی خوب رشد کند، زیاد است.

او زمان مشخص شدن وضع باردهی را بعد از پیوند خورن می‌داند و می‌گوید: به این که بستر خاک چه باشد، خیلی بستگی دارد. مثلاً بستر کاشت و تغذیه در سال دوم از عوامل خیلی مهم است که نشان می‌دهد نهال چقدر رشد می‌کند.

او در خصوص تغذیه با کود شیمیایی یا کود دامی هم، هر دو را توصیه می‌کند و در پاسخ به این سوال که شما توصیه میکنید چقدر کود به بیجه بدهند، می‌گوید: من هیچ مبنایی ندارم. فقط می‌دانم که مثلاً کود دامی تازه نباشد چون کود دامی تازه نباید به نهال دهیم.

استوار در تشریح دلایل این امر هم می‌گوید: نهال خیلی حساس است و ممکن است به خاطر بیماری‌زا بودن خیلی از کودهای دامی و عوامل قارچی و باکتریایی آلوده شود.

او می‌افزاید: اگر زیاد کود دهیم و تازه باشد اصطلاحاً کشاورزان می‌گویند نهال می‌سوزد. ولی اگر کود پوسیده باشد، این اتفاق برای نهال نمی‌افتد. در مورد کود شیمیایی هم باید روی آن توضیح داده باشد، برای هر سن به درخت چه مقدار بدهیم. ولی در هر صورت عناصر ماکرو و عناصر میکرو برای نهال خیلی مهم است و همچنین ماده آلی و مهمتر از همه بستر سازی برای نهال اگر که لازم است خاک دیو شود و خاک اگر مرغوب نیست اصلاح شود. این کارها اگر انجام شود، احتمال اینکه نهال سریعتر رشد کند بیشتر است.

از کجا تهیه می‌کنید، می‌گوید: خودمان کاشتیم ولی مقرون به صرفه نبود و از بیرون خریداری می‌کنیم. صالحی بیجه گل‌بری را بهتر می‌داند و می‌گوید: گل‌بری اگر اول فصل کاشته شود، پرت خیلی کمی دارد یعنی کمتر خشک می‌شود ولی پلاستیکی‌ها معمولاً ماسه‌ای هستند و موقع جا به جایی ریزش دارند. ولی گل‌بری اگر در آبان و آذر کاشته شود، میزان خشکی واقعا صفر است.

او با بیان این که بیجه‌ها را اغلب آبان و آذر می‌کارند ولی در بهمن و اسفند پرت بالایی دارد، می‌افزاید: ما در انتخاب بیجه به رشد آن توجه می‌کنیم.

صالحی با تاکید بر این که بذر را بادامی انتخاب می‌کنیم، خاطرنشان کرد: مقاومت بادامی در مقابل امراض و تنش‌ها بیشتر است. اگر بیجه ای خوب نباشد رشدش متوقف می‌شود و پیوند که می‌خورد آن حرکت را ندارد.

او می‌افزاید: مدل بادامی ریز باید باشد. در آفتاب خشک شده باشد و نباید در خشک کن برود.

او در خصوص مراحل کاشت بیجه می‌گوید: ابتدا چاله را در عمق ۵۰ سانتی متر آماده کرده و خاک بکر یعنی خاکی که آفتاب خورده است، با گچ و ماسه قاطی می‌کنیم و در داخل چاله می‌ریزیم. ۲۴ ساعت بعد هم آبیاری می‌کنیم.

استانداردی وجود ندارد

یک تولید کننده‌ی نهال در سیرجان هم به ماهنامه پسته می‌گوید: ما رقم بادامی را به عنوان بذر استفاده می‌کنیم. به خاطر عرفی که بین کشاورزان است، و به خاطر مقاومت بذر و مقاومت پایه، رقم بادامی کاشته می‌شود.

فرشاد استوار در پاسخ به این سوال که آیا این رقم به انواع تنش‌ها مقاوم است؟ می‌افزاید: من نمی‌دانم. براساس تجربه کشاورز این کار انجام شده است. در مناطق پسته کاری، پسته‌های بادامی، اکبری و احمد آقایی از فندقی و کله قوچی بهتر است و به نظر من خیلی وقت‌ها تجربه کشاورز قابل توجه است.

استوار در پاسخ به این سوال که بهترین نهال پسته از نظر ظاهری چه خصوصیتی دارد؟ می‌گوید: نهال ریشه لخت را بهتر می‌شود سالم بودن یا غیر سالم بودن آن را تشخیص داد. ریشه لخت یعنی نهالی که شما ریشه‌اش را ببینید. در این موارد میشود راحت ریشه را بررسی کرد. باید حجم ریشه کافی داشته باشد، روی ریشه‌ها آثار پوسیدگی یا نماتد دیده نشود و طوقه سالم باشد.

» نمی‌دهد آن هم از احمد آقایی بهتر بود.

رنجبر می‌افزاید: در تحقیقات مختلف مشخص شده که مثلاً پایه کله قوچی یک پایه شکننده است او در خصوص استفاده از بذر فندقی هم می‌گوید: من فکر می‌کنم اولین حالتش این بوده که کشاورز می‌خواسته از لحاظ هزینه، پسته از نوع ریز را انتخاب کند و این پایه شده است.

رنجبر در پاسخ به این سوال که موقع خرید به چه نکاتی توجه می‌کنید، خاطر نشان می‌کند: بیشتر به قطر آن بیجه توجه می‌کنم و قطر زیاد را خریداری می‌کنم. ارتفاعش هر چه کمتر باشد، بهتر است، چون در ارتفاع بالا سر شاخه‌ها سرما زدگی دارد. یک رشد مصنوعی دارند و به آن یک کود شیمیایی قوی داده‌اند و در باغ که کاشته شد دیگر رشد نمی‌کند، اگر یک بیجه ای ۲۰ سانت باشد در باغ من بهتر رشد می‌کند.

او در خصوص انتخاب بین گل‌بری یا پاکتی، می‌گوید: در گل‌بری هیچ اتفاقی برای ریشه نمی‌افتد، ولی در پاکتی احتمال صدمه دیدن ریشه زیاد است. من نظرم این بود بعد از عید از گل‌بری استفاده نکنم چون بعد از عید گل‌بری‌ها در جابه جایی مشکل دارند و به نظر من گل‌بری بعد از عید نمی‌گیرد.

روی ارقام بومی ایران کار نشده

سهیل شریف هم در پاسخ به این سوال که آیا خودتان نهال تولید می‌کنید یا از نهالستان‌ها می‌خرید؟ می‌گوید: بخشی را از بیرون تهیه می‌کنیم و خودمان هم مقدار جزیی تولید کرده‌ایم.

او در پاسخ به این سوال که چه شاخص‌هایی را برای انتخاب بذر نهال‌ها در نظر می‌گیرید، می‌افزاید: در مورد ارقام بومی که در ایران داریم کسی تا کنون کار اصولی انجام داده باشد و معمولاً نهالی که ارائه می‌شود معلوم نیست از چه بذری است. در این زمینه مقاله وجود دارد که مثلاً بادامی زرنده برای تولید نهال خوب است ولی بادامی زرنده‌ی که آقای دکتر روی آن کار کرده‌اند و مقاله تولید کرده‌اند، در بازار موجود نیست.

شریف با بیان این که بعضی از مسائلی که بعداً ایجاد می‌شود، مثل بیماری‌ها یا مشکلات جذب عناصر غذایی، ممکن است تا ۱۰ سال بعد از کاشت هم معلوم نشود، یادآور می‌شود: ممکن است یک رقم کلاً به یک بیماری حساس باشد و الان بسیاری از باغ‌ها اینچنین هستند.

مقاومت بادامی بیشتر است

مهدی صالحی نیز در پاسخ به این سوال که بیجه را



هشدار کارشناسان در خصوص نماتد

۷۰ درصد آلودگی به نماتدها، از نهال‌های آلوده می‌آید



این عکس توسط میکروسکوپ میکرونی گرفته شده است.

وسایل آلوده و مهمترین ره انتقال آن نهال آلوده است و امکان انتقال حتی وسیله آب هم وجود دارد البته این امکان ضعیف است.

رییس موسسه تحقیقات پسته کشور می‌افزاید: این نوع نماتد با غده کردن ریشه‌ها جذب آب و املاح را محدود می‌کند و گاهی اوقات با سایر عوامل بیماری‌زای قارچی هم کنش می‌دهد و در نهایت درخت علائمی مانند زردی، ضعف، کمبود عناصر غذایی و حتی خشک شدن برگ‌ها را نشان می‌دهد. دکتر محمدی برای مبارزه و مدیریت نماتد توضیح می‌دهد: این انگل بیشتر در باغاتی که خاک شنی و سبکی دارند و خاک‌هایی که کمبود عنصر پتاسیم را دارد بیشتر مشاهده می‌شود. در این باغات باید خاک را سنگین نمود و تغذیه باغ را صحیح انجام داد. البته نماتد کش راگبی هم تنها نماتدکشی است که در بازار گیر می‌آید. ولی واقعاً بارزه با نماتدها کار دشواری است و فقط باید مدیریت کرد تا خسارتش کم شود.

دکتر محمدی در پاسخ به این سوال که عنصر پتاسیم بر نماتدها چه تأثیری دارد، می‌گوید: عنصر پتاسیم روی دیواره سلولی تأثیر می‌گذارد و نفوذ نماتدها

بهداشت باغی و انتخاب پایه‌ها و ارقام مقاوم. روش‌های دیگری مانند افزایش دمای خاک از طریق نور خورشید همراه با پوشاندن سطح خاک با پلاستیک، آیش کردن و ... وجود دارد که در باغداری پسته امکان پذیر نیستند. البته روش‌های دیگری هم پیشنهاد می‌دهند از قبل سنگین کردن بافت خاک ولی این روش بسیار هزینه بر است. باید توجه داشت که با تأمین شرایط بهینه رشد گیاه شامل: آبیاری کافی و اصلاح خاک می‌توان گیاه را مقاوم تر کرد.

این مقاله در مدیریت نماتدها عنوان می‌کند: ورود نماتد به مکان‌های مختلف از طریق انتقال خاک یا گیاهان آلوده صورت می‌گیرد. برای جلوگیری از ورود نماتد به باغ نهال‌های خود را از نهالستان‌های قابل اطمینان تهیه کنید و برای جلوگیری از انتشار نماتدها، خاک و گیاهان را از قسمت‌های آلوده باغ جابجا نکنید. اجازه ندهید که آب آبیاری از اطراف گیاه آلوده به سایر نقاط باغ برود، چون باعث انتشار نماتدها می‌شود. همچنین نماتدها از طریق ابزار و تجهیزات باغبانی که در خاک مورد استفاده قرار گرفته‌اند، منتقل می‌شود. بنابراین ابزار خاک‌ورزی را به هنگام ورود به باغ تمیز کنید.

به منظور کاهش اثرات تخریبی نماتدها روی گیاهان می‌توان از مواد ارگانیک مختلفی استفاده نمود. اصلاح‌کننده‌هایی نظیر کودهای حیوانی و کمپوست‌ها برای افزایش ظرفیت نگهداری آب و مواد غذایی در خاک و بویژه خاک‌های شنی مفید هستند. از آنجایی که نماتدها به آسانی به گیاهان تحت تنش آبی آسیب می‌رسانند، بنابراین افزایش ظرفیت نگهداری آب و آبیاری مکرر می‌تواند، اثرات صدمه نماتدها را کاهش دهد. در این حالت نماتدها در خاک وجود دارند ولی خسارت کمتری وارد خواهند کرد.

نمی‌دانم چقدر روی نهالستان‌ها نظارت است

دکتر امیرحسین محمدی در خصوص نماتد به ماهنامه انجمن پسته می‌گوید: گونه عمده نماتد مناطق پسته کاری استان کرمان نوع ریشه گرگی است و راه‌های انتقال و شیوع آن از طریق اندام گیاهی آلوده، خاک،

ماهنامه پسته - «نماتدها موجودات بسیار کوچک مارماهی شکلی هستند که بدون میکروسکوپ دیده نمی‌شوند. اغلب گونه‌های نماتد در خاک زندگی و از داخل و روی ریشه‌ها تغذیه می‌کنند. یکی از خسارت‌زا ترین نوع نماتدها، نماتد مولد غده (ریشه گرگی) است که گیاهان مختلفی را مورد هجوم قرار می‌دهد. کنترل این نوع نماتد دشوار است و به آسانی از طریق خاک روی ابزار خاک‌ورزی، کفش‌ها و گیاهان آلوده، از باغی به باغ دیگر منتقل می‌شود.» مقاله منتشر شده توسط بخش کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه کالیفرنیا ضمن اعلام این توضیحات در خصوص نحوه خسارت این نوع نماتد می‌گوید: نماتدهای مولد غده معمولاً باعث تورم قابل مشاهده و تاول ماندنی (گال) روی ریشه‌ها می‌شوند. تشخیص آلودگی این نماتد آسان است. تاول‌های ایجاد شده قابلیت انتقال آب و مواد غذایی ریشه‌ها را از بین می‌برند.

این مقاله در توضیح علائم نماتدها روی گیاه می‌افزاید: علائم روی اندام هوایی گیاه به این صورت است که گیاه در اوقات گرم روز با وجود این که خاک مرطوب است دچار پژمردگی می‌شود. گیاه در این حالت شادابی خود را از دست می‌دهد، برگ‌هایش زرد می‌شود و علائمی شبیه به کمبود آب و غذا اتفاق می‌افتد. گیاه، میوه و برگ‌های کمتر و کوچکتری تولید می‌کند و خسارت در خاک‌های شنی بیشتر است.

معمولاً علائم ظاهری خسارت سایر نماتدها بر روی اندام هوایی مانند نماتد مولد غده است ولی تشخیص علائم خسارت بر روی ریشه‌ها سخت‌تر است. در بعضی موارد ریشه‌ها فقط کوتاه و بدشکل می‌شوند. در صورتی که نمونه خاک و ریشه‌ها به آزمایشگاه فرستاده شوند می‌توان به طور قطع در خصوص آلودگی اظهار نظر نمود.

در این مقاله آمده است: در مدیریت باغات آلوده به نماتد باید توجه داشت که مدیریت نماتد دشوار است و بیشتر فعالیت‌های قابل اطمینان به صورت پیشگیری هستند. این موارد عبارتند از: رعایت اصول

enry) نماتولوژیست دانشگاه ریورساید (Riverside) کالیفرنیا در وبسایت دانشگاه کالیفرنیا مقاله‌ای تحت عنوان راهنمای استفاده از موونتو منتشر نموده و در این مقاله می‌گوید: ما تایید می‌کنیم که استفاده از سم موونتو در یک بار سم‌پاشی می‌تواند جمعیت نماتدها را در طول ۵ تا ۶ ماه به میزان ۵۰ درصد کاهش دهد.

او می‌افزاید: در جاهایی که پس از سم‌پاشی موونتو بر روی برگ‌ها، از روش آبیاری قطره‌ای استفاده می‌شود و زمین بلافاصله آبیاری می‌شود، باید انتظار داشته باشیم که اثربخشی موونتو بیشتر شود. البته این آزمایش‌ها عمدتاً روی درختان گردو و انگور انجام شده است و موقعیت مناسبی است که پروژه تحقیقاتی روی نماتدهای درخت پسته تعریف شود. چون هنوز زمان سم‌پاشی، میزان سم، دفعات سم‌پاشی و ملاحظات که اثربخشی این سم را روی نماتدهای درخت پسته تعیین می‌کند مورد مطالعه قرار نگرفته است.

آلودگی‌ها در کشور مربوط به نهال‌های آلوده بوده است. در صورتی که نهال‌ها آلوده باشند باید معذوم شوند. در نهالستان‌های با مساحت کم می‌توان قبل از احداث خاک را با متیل بروماید یا واپام ضدعفونی کرد ولی در سطح باغ نمی‌توان این کار را کرد. به همین علت است که می‌گوییم باید نهال‌ها را از نهالستان‌های سالم و دارای گواهینامه تهیه شود. رئیس موسسه تحقیقات پسته کشور در پاسخ با این سوال که، آیا چنین نهالستان‌های تایید شده‌ای وجود دارند، می‌گوید: خیلی از نهالستان‌ها تاییدیه سازمان حفظ نباتات را دارند، اما بنده نمی‌دانم چقدر روی آن‌ها نظارت است. وقتی که نهالستانی تاییدیه دارد ظاهر امر نشان می‌دهد که نهال‌هایش سالم‌اند ولی آیا اینکه کنترل و نظارت می‌شوند، من خبر ندارم. این نهالستان‌ها هم خاکشان باید بررسی شود و هم اینکه پس از پا گرفتن نهال‌ها و قبل از ورود به باغ باید نهال‌ها هم مورد آزمون نماتد قرار بگیرند. شایان ذکر است که مایکل مک‌کرنی (Michael McK)

را سخت می‌کند. به واسطه وجود این عنصر تنها خسارت کاهش می‌یابد ولی نماتدها از بین نمی‌روند. وی در پاسخ به سوال دیگری در خصوص اثر سم موونتو روی نماتد می‌گوید: این سم در آمریکا استفاده شده است ولی ما در ایران تجربه‌ای از آن نداریم به این معنی که نمی‌دانیم باید باچه غلظتی در اندام هوایی گیاه بزنیم ولی می‌توان کار آزمایشی روی آن انجام داد. ولی باید حواسمان باشد جایی این سم را مورد استفاده قرار دهیم که افت پسیل نباشد چون ممکن است بحث مقاومت پسیل به این سم بوجود بیاید. مطمئناً برای مبارزه با نماتد نمی‌توان غلظت نیم در هزار از این سم را مورد استفاده قرارداد و باید از غلظت‌های بیشتری استفاده نمود. وی می‌افزاید: شرکت بایر آلمان خودش مدعی است که این سم خاصیت نماتدکشی هم دارد. او می‌گوید: اهمیت این افت در حال حاضر از گموز هم بیشتر است و به نظر می‌رسد حدود ۷۰ درصد

مساله این است:

کود اوره یا سولفات آمونیوم؟

درصد، مضر بودن برای نهال‌های جوان به دلیل داشتن شاخص نمک بالا در حدود ۵۳/۷، گران بودن، واکنش با آهک و هدر رفتن نیتروژن به شکل آمونیاک، افزایش شوری خاک و مورد آیشویی قرار گرفتن درخاک‌های شنی را می‌توان برشمرد.

انتشار این مطالب واکنش سید محمد مرتضوی دبیر اجرایی سابق خانه کشاورز را در پی داشت. مرتضوی با مراجعه به دفتر کرمان انجمن پسته ایران، ضمن برشمردن مزایای کود اوره، گزارش منتشر شده در خبرنامه را غیر کارشناسی توصیف کرد و خواستار انتشار دیدگاه‌های کارشناسی امر در این خصوص شد. با هدف اطلاع از چند و چون تحقیقات داخلی و اطلاع از نظر کارشناسان ایرانی با دکتر اومزد نقوی به گفت‌وگو نشستیم.

اوره ارزان‌تر است

دکتر نقوی در پاسخ به این سوال که آیا کود اوره برای

همچنین شاخص نمک پایینی در حدود ۲۶/۷ دارد. اما pH خاک را تا ۹/۵ افزایش می‌دهد و باعث سوختن مواد آلی خاک می‌شود. در عین حال سفتی خاک را افزایش می‌دهد و دسترسی درخت به عناصر آهن، روی و فسفر را محدود می‌سازد.

مزایای سولفات آمونیوم

اما کود سولفات آمونیوم وقتی که در خاک مرطوب استفاده می‌شود، کمترین تبخیر و هدر رفت نیتروژن را دارد. از مزایای این نوع کود، اسیدی کردن خاک مناطق پسته خیز ایران است. این در حالی است که عمدتاً خاک مناطق پسته خیز ایران قلیایی است و این قلیائیت جذب عناصری همچون روی، مس و فسفر را برای درختان پسته دشوار کرده است.

معایب سولفات آمونیوم

از معایب این نوع کود، درصد نیتروژن کم در حدود ۲۱

ماهانامه پسته- بنابر تحقیقات دانشگاه اوهایو و دپارتمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا، کود اوره نسبتاً سریع به نیترات تبدیل می‌شود و این تبدیل در فصل بهار معمولاً کمتر از ۲ هفته طول می‌کشد. تبدیل نیترات به گاز نیتروژن در خاک‌های مرطوب یا فشرده شده (در اثر رفت و آمد بی رویه تراکتور و ادوات کشاورزی) یک مشکل جدی این نوع کود است.

ویژگی‌های اوره

کود اوره در خاک‌های شنی به راحتی آیشویی و از دسترس ریشه گیاه خارج می‌شود. در صورتی که کود اوره با خاک مخلوط نشود یا خاک پس از پخش این کود، برای چند روز خشک باشد، تبخیر سطحی نیتروژن افزایش می‌یابد. بنابراین در صورت استفاده از این نوع کود حتماً آن را در زیر سطح خاک قرار داد. با اینکه این کود درصد نیتروژن زیادی حدود ۴۶ درصد دارد، ارزان و حمل و نقل آن آسان است.

باغ‌های پسته در مناطق ما خوب است یا نه؟ با تاکید بر این که از زاویه درستی به قضیه نگاه نشده است می‌گوید: فرض کنید من نوعی، بیست جنبه در زندگی‌ام دارم.

با پنجاه زاویه می‌شود به زندگی من نگاه کرد. هر چیزی بگویند درست است.

او می‌افزاید: در تمام کتاب‌های حاصلخیزی یا خاکشناسی یا کتاب‌هایی که مربوط به کود نوشته شده، اولین کودی که به کشاورز توصیه می‌شود، برای استفاده از نظر میزان غلظت ازت، آمونیاک مایع است که ۸۲ تا ۸۵ درصد ازت دارد.

بعد از آن ما هیچ ترکیب دیگری نداریم، تا به اوره می‌رسیم؛ اوره ۴۶ درصد ازت دارد.

بعد به نیترات آمونیوم که حدود ۳۴ درصد ازت دارد، می‌رسیم. بعد سولفات آمونیوم که ۲۰ درصد ازت دارد. نقوی خاطر نشان می‌کند: حال شما فقط این بحث را در نظر بگیرید که با این حجم زیادی که کشاورزها اوره استفاده می‌کنند و ازت نیاز دارند، اگر قرار باشد ما به جای اوره سولفات آمونیوم مصرف کنیم، تقریباً دو و نیم برابر فقط باید ترابری جاده‌ای اتفاق بیافتد.

او در پاسخ به این سوال که با استفاده از کود اوره سرانجام خاکمان قلیایی است یا اسیدی، می‌گوید: اوره کودی است که از نظر واکنش اسیدی تقسیم بندی می‌شود و کودی است که خاک‌های ما که قلیایی است به سمت اسیدی بودن می‌برد.

البته چون مقدار اوره‌ای که ما استفاده می‌کنیم بسیار کم است این واکنش‌ها خیلی زیاد نیست.

نقوی می‌افزاید: خاک خودش بافر است، این کود، واکنش اسیدی دارد هر چند که در مرحله اول‌اش به نظر می‌آید واکنش‌اش قلیایی است اما این یک واکنش کوتاه مدت است و بلافاصله واکنش بعدی‌اش انجام می‌شود که خاک را اسیدی می‌کند.

نقوی در خصوص سولفات آمونیوم هم اظهار می‌دارد: قدرت اسیدی سولفات آمونیوم یک مقدار بیشتر از اوره است، ولی هر دو خاک را اسیدی می‌کنند. البته وقتی سولفات آمونیوم استفاده می‌کنیم مجبوریم نسبت به اوره دو و نیم برابر مصرف کنیم، یک مقدار قدرت اسیدی بیشتری در خاک اعمال می‌کند.

او با بیان این که به نظر ما اوره مزایای زیادی دارد، خاطر نشان می‌کند: ما در ایران کارخانه تولید اوره داریم. همین اوره‌ای که در کشور ما کیسه‌ای ۳۵ هزار تومان

می‌فروشند، پتروشیمی کشورهای دیگر چه اروپایی چه آمریکایی، از ما با قیمتی نزدیک سه برابر می‌خرد.

سولفات آمونیوم را تجویز می‌کنم

او در پاسخ به این سوال که فارغ از بحث اقتصادی، با توجه به شرایط خاک رفسنجان، کرمان و ... شما اوره تجویز می‌کنید یا سولفات آمونیوم، می‌گوید: سولفات آمونیوم؛ اگر قرار باشد که نمره دهم به سولفات آمونیوم نمره ۱۰۰ می‌دهم به اوره ۹۲ می‌دهم. یعنی خیلی فرقی نمی‌کند.

او با بیان این که مساله این است که در مورد سولفات آمونیوم ما اینقدر پتانسیل تولید در کشور نداریم، می‌افزاید: گاهی اوقات بر اساس میزان توصیه برای مصرف سولفات آمونیوم انجام می‌شود، کشاورزان اوره مصرف می‌کنند.

فرض کنید می‌گویند ۴۰۰ کیلوگرم سولفات آمونیوم را در سه مرحله بپاشید طرف می‌آید اوره را ۴۰۰ کیلوگرم می‌پاشد. یعنی چیزی تقریباً حدود دو و نیم برابر آن چیزی که ازت لازم است، می‌دهد.

او با بیان این که غلظت ازت در اوره زیاد است، می‌افزاید: وقتی ازت زیاد بدهیم گیاه نسبت به آفات و بیماری‌ها حساس می‌شود. یعنی دو کار می‌کنیم هم اینکه منابع‌مان را هدر دادیم هم اینکه گیاه مان را حساس کردیم

او در پاسخ به این سوال که در سایت بخش کشاورزی ایالات متحده آمریکا، سخت شدن خاک و سوختن مواد آلی و محدود شدن جذب روی، آهن و فسفر، جزو معایب کودهای اوره نام برده شده است.

نظر شما چیست، می‌گوید: نه؛ این‌ها ادعا شده. باید بگوییم در چه شرایطی بوده؟

نقوی می‌افزاید: ما سال‌های سال است که داریم اوره استفاده می‌کنیم. نه تنها ما، دنیا دارد استفاده می‌کند. چیزی که من دارم به شما می‌گویم این است که اوره ای که ما داریم در کشور تولید می‌کنیم، دولت خیلی به سختی وزارت نفت را دارد متقاعد می‌کند که این اوره‌ای که در پتروشیمی تولید می‌شود، با قیمت یک سوم به کشاورز بدهد. بازار جهانی‌اش هم فقط کشورهای جهان سوم مثل کشورهای آفریقایی، افغانستان، پاکستان نیستند بلکه کشورهای جهان اول هم هستند.

آن‌ها هم خودشان اوره مصرف می‌کنند، این نیست که

سولفات آمونیوم استفاده کنند.

او البته این را هم اضافه می‌کند: در شرایط خاص، خاک‌هایمان خیلی هوازی هستند، چون ما بارندگی خیلی کم داریم، خاک‌هایمان اشباع نیست و چون خاک‌هایمان اشباع نیست، در طول سال مقدار اکسیژن زیادی داریم، این اکسیژن زیاد باعث می‌شود که واکنش‌های ما واکنش‌های اکسیدی باشد.

در کل شیمی خاک به سمت قلیایی شدن می‌رود، ولی به این شدتی که مطرح می‌کنند، ما اعتقاد نداریم. من به خاطر همین دوست دارم این موضوع را در اتاق فکر مطرح کنم تا نظرات همه دوستان را جمع کنیم.

تصعید اوره بالاست

او یادآور می‌شود: اوره به خاطر ترکیبی که دارد قدرت تصعید یعنی تبدیل شدن از حالت جامد به بخارش بالا است. سولفات آمونیوم کمتر اینطوری است به خاطر همین اگر بتوانند اوره را در آب آبیاری، حل کنند از همه بهتر است. چون همراه آب در خاک نفوذ می‌کند. اگر روی خاک بپاشند، کوتاه‌ترین فاصله بین پاشیدن روی خاک و آبیاری باید باشد.

یعنی که جلوی آب بپاشند.

او می‌افزاید: اگر یک روز از آن بگذرد بالاخره یک مقدار تصعید می‌شود. ولی سولفات آمونیوم کمتر اینطوری است. صرف نمی‌کند که برای هر دفعه که می‌خواهند اوره دهند یک تیلری بزنند ولی اگر بتوانند قبل از تیلرزی دهند بهتر هست.

کار علمی روی اوره و سولفات آمونیوم نشده

اگر کشاورزی چند سال اوره مصرف کرده گفته که زمین من سفت شده فقط این نیست که اوره استفاده کرده باشد شخم هم زده و خود شخم هم باعث می‌شود که ما یک لایه سختی داشته باشیم.

او در پاسخ به این سوال که آیا تا کنون مقایسه بین اوره و سولفات آمونیوم در یک کار تحقیقاتی که به صورت عملی در باغ باشد، صورت گرفته، می‌گوید: نه انجام نشده. ما خودمان هم توصیه نمی‌کنیم که حتماً اوره دهند سولفات آمونیوم هم جزء توصیه ما هست. ولی اینقدری که اینجا ابراز نگرانی شده به نظر ما اینقدر جایگاه ندارد.

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات خاک و آب در گفت‌وگو با ماهنامه پسته اذعان کرد
خاک‌مان از نظر مواد آلی فقیراست

روی اسید هیومیک کار تحقیقاتی نکردیم



ابوالفضل زارع نظری- دکتر هرمزد نقوی عضو هیات علمی موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان است. از این رو پاسخ‌های او به پرسش‌های انجمن در خصوص اصلاح خاک و تغذیه، قابل تامل است که می‌خوانید.

آقای دکتر! اگر بخواهیم ببینیم یک ماده اصلاحی یا یک کود چقدر اثر بخش بوده باید چه پارامترهای خاکی یا عوامل گیاهی را بسنجیم؟ این سنجش، کار باغدار هست یا نیست؟

هدف از هر گونه کاری، چه اصلاح خاک، چه تغذیه و استفاده از هر نهاده، حتی شخم و آبیاری این است که ما محصول خوبی داشته باشیم. در صورتی می‌توانیم محصول خوبی داشته باشیم که بتوانیم عوامل محدود کننده را شناسایی و بعد رفع کنیم. اگر رفع این عوامل منتهی به این شد که رشد گیاه بهتر شد، محصول‌اش بیشتر شد، کیفیت و کمیت‌اش ارتقاء پیدا کرد، می‌توانیم این ادعا را کنیم که آن علت را درست شناختیم و درست درمان کردیم. منتهی متأسفانه معمولاً کشاورز اطلاعاتش را جایی ثبت نمی‌کند. مثلاً الان رشد درخت‌اش چقدر است یا عملکرد کمی و کیفی‌اش چقدر است؛ هر ساله هم عوامل اقلیمی و خیلی عوامل دیگر باعث می‌شود که عملکرد کمتر باشد. سال دیگر بعضی از عوامل ممکن است کمتر باشند، رشد عملکرد بهتر می‌شود و ممکن است که کشاورز این‌ها را به اقدامات خودش نسبت دهد. یا برعکس ممکن است عواملی در طول سال باعث کند شدن رشد یا کیفیت پایین‌تر محصول یا کمیت کمتر محصول شود و کشاورزی این را به نهاده‌هایی که مصرف کرده یا کارهایی که انجام داده نسبت دهد. بنابراین خود کشاورز چون درحقیقت سرگرم این کارها است و اغلب کشاورزان دید کارشناسی ندارند، ممکن است تشخیصشان اشتباه باشد. حتماً نیاز است که توسط یک کارشناس مطالعه شود و مطمئن شود که کدام فعالیت باغی ایجاد مزیت می‌کند. چون بعضی از عوامل محدودکننده کمی پیچیده هستند.

خانه‌ای می‌شوید یک بویی در آن خانه باشد، کسی که برای اولین بار وارد می‌شود خوب متوجه می‌شود، ولی کسی که دائماً دارد آنجا زندگی می‌کند ممکن است اصلاً این بو را متوجه نشود و عادت کرده باشد. کارشناس چون باغ‌های خیلی زیادی را می‌بیند وقتی وارد باغ می‌شود به طور کلی متوجه می‌شود که این باغ، باغ شادی هست یا نه. از روی قطر تنه یا پرسش از باغدار که باغ چند ساله است، می‌تواند متوجه شود که رشد مناسبی در این سال‌ها داشته یا نه.

چه پارامترهایی باید مد نظر قرار بگیرد. به هر حال کشاورزها خودشان هم دوست دارند که محکی بزنند یا به نحوی کارشناس را ارزیابی کنند. اگر پارامتر کیفی هست آن پارامتر چیست؟

ما اگر فقط بحث خاک یا کیفیت آب را مد نظر بگیریم، وقتی یک کارشناس وارد یک باغ می‌شود شاید بهتر از کشاورزی که خودش در باغ است، بتواند باغ‌اش را محک بزند. مثل این است که شما وارد